اتحاد همهٔ نیروهای ضد امپریالیستی ــ یگانه سلاح کسب پیروزی است

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۹ دوره سوم دوشنبه ۷ دی ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۴۰۲ و ۲۸ دسامبر ۱۹۸۱ بها ۳۰ ریال

قرارداد نظامی "امنیت"، که به دنبال بهانه "مداخله ایران در امور داخلی بحرین"، بین بحرین و عربستان سعودی امضاء شد، وفقط حلقه‌ای است از حلقات زنجیره توطئه‌ های آمریکا در منطقه حلقات دیگر آن الحاق "رسمی" بلندی‌های جولان به اسرائیل، تجر یکات ضد لیبی، ایجاد پایگاه‌های نظامی و انبارهای اسلحه و مهمات برای نیروهای "واکنش سریع" در مصر، در سودان، در سومالی، درکنیا، درعمان، ایجاد ستاد "محلی" برای عملیات این نیروها، توسعه مداوم پایگاه عظیم نظامی در جزیره دیه‌گوگارسیا وانبار اسلحه موشکی ــ هسته ای دوربرد در آن، استقرار دائمی ناوگان جنگی دراقیانوس هند و در دریای عمان، تجاوز نظامی به آنگولا (توسط آفریقای جنوبی)، تهدید اتیوپی، تسلیح و تشویق مراکش به گسترش تهاجم نظامی علیه جمهوری دمکراتیک صحرا (پولیساریو)، تهدید مداوم جمهوری دمکراتیک خلق یمن، تسلیح و تعلیم دستجات خرابکار افغانی در پاکستان و اعزام مداوم آنها به "ماموریت"های ضدانقلابی به خاک افغانستان، تسلیح پاکستان و واگذاری نقش ژاندارم منطقه‌ای به رژیم نظامی این کشور برقراری روابطی "ویژه" با ترکیه به اصطلاح "فراتر" از چارچوب "ناتو"، طرح فهد، طرح

بقیه در صفحه ۱۵

گام هایی امید بخش در جهت بازگشایی دانشگاه‌ها، ولی...

پس از ماه‌ها انتظار، روزهای اخیر، روزهایی امید بخش در جهت بازگشایی دانشگاه‌ها ومدارس عالی کشور بود.

ثبت‌نام دانشجویان رشته‌های فنی وکشاورزی و علوم پایه، که ۲۵ واحد به پایان تحصیل‌شان مانده، وعده تعیین تکلیف دانشجویان ۲۵ واحدی در دیگر رشته‌ها و دانشجویان ۷۰ واحدی و پذیرش دانشجوی جدید، بیانگر آن است که پس از قریب به یک‌سال و نیم توقف، نظام آموزش عالی کشور می‌رود، تا بار دیگر فعالیت خود را از سر گیرد. این روند، که هم اکنون بطور محدود آغاز شده، روندی است مثبت، که اگر بی‌وقفه وطبق وعده‌های داده‌شده ادامه یابد، بازگشایی کامل مراکز آموزش عالی کشور درجهت منافع انقلاب ونیازهای جمهوری

بقیه در صفحه ۱۵

ترفند امروزی امپریالیسم مسخ سرشت واقعی انقلاب است

بزرگترین خدمت امام خمینی به دیانت اسلام آن بود وهست که جنبهٔ سیاسی، انقلابی ومردمی آنرا به مثابه جوهر اصلی بینش صدر اسلام مورد تاکید وتصریح قرارداد وبدینسان جاذبه‌ای ایجاد کرد که یکی از نیرومندترین پایگاه‌ های امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم آمریکا، یعنی رژیم شاه ملعون را در منطقه، واژگون وضربتی عظیم بر پیکر شیطان بزرگ ــ آمریکا وارد ساخت.

مسخ‌کنندگان انقلاب که عجالتا" خودرا درجامهٔ اسلام وجادهٔ انقلاب جازده‌اند، درست همین جوهر رامورد

بقیه در صفحه ۶

امام خمینی و آزادیهای سیاسی

« امسال، سال قانون است» امام خمینی

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی و به‌ویژه مسئولان قضائی کشور برآنند، تا این فرمان رهبر انقلاب را اجرا کنند. کوشش همه‌جانبه‌ ای برای استقرار قانون در جامعه آغاز شده است، که بخشی از آن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران ونظریات رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ودیگر مسئولان درجه اول کشور درباره آزادی‌های سیاسی است. ما برای آنکه، به‌سهم خود، دراین‌زمینه هم به استقرار قانون یاری رسانیده باشیم. نظریات وقوانین موجود را درباره آزادیهای سیاسی به‌ترتیب منتشر خواهیم کرد. در آغاز به‌درج نظریات امام خمینی، رهبر انقلاب بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، اقدام می‌کنیم.

س ــ شما حزب کمونیست را غیر قانونی میدانید؟

امام خمینی: حکومت اسلامی متکی به‌آراء عمومی خواهد بود و همهٔ احزابی که‌برای‌مصالح‌ملت کار کنند آزاد خواهند بود (ازمصاحبه امام خمینی با خبرنگار گاردین، ۱۰ آبان ۱۳۵۷)

س ــ درجمهوری اسلامی آیا حزب کمونیست آزاد خواهد بود؟

امام خمینی: اسلام بیش از هر دینی وبیش از هرمسلکی به‌اقلیت های مذهبی آزادی داده‌است. در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز دربیان عقاید خود آزادند. (ازمصاحبه امام خمینی باروزنامه هلندی دی‌ولت‌کرانت، ۱۶ آبان ۱۳۵۷)

س ــ در مورد آزادیهای دمکراتیک میخواهیم بدانیم آیا کمونیست ها ومارکسیست‌ها آزادی اظهار عقیده و بیان خودشان را دارند یا نه؟

امام خمینی: دولت اسلامی یک‌دولت دمکراتیک به‌معنای واقعی هست ...وهرکس میتواند اظهار عقیده خودش را بکند ...ودولت اسلامی همه منطق‌ها را با منطق جواب خواهد داد. (ازمصاحبه امام خمینی با گروهی ازخبرنگاران غربی، ۱۸ آبان ۱۳۵۸)

س ــ آیا درحکومت اسلامی، مارکسیست‌ها، آزادی‌عقیده، آزادی‌بیان عقیده‌دارند؟

امام خمینی: در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده‌ای هستند، ولیکن آزادی خرابکاری ندارند. (ازمصاحبه امام خمینی بانماینده سازمان عفو بین‌المللی ــ کیهان، ۱۹ آبان ۱۳۵۷)

س ــ آیا احزاب آزاد خواهند بود؟

امام خمینی: احزاب و همهٔ مردم آزادند، مگر حزبی که مخالف مصالح مملکت و مردم باشد. (اولین مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران ایرانی ــ کیهان، ۳ بهمن ۱۳۵۷)

امام خمینی: هنگامیکه حکومت اسلامی درایران ایجاد شود، مارکسیست‌ها آزاد خواهند بود خواسته‌های خودرا بیان کنند، اما آزادی توطئه علیه کشور نخواهند داشت. (پاسخ امام به‌خبرنگار روزنامه لبنانی اللواء ــ کیهان، ۲۶ دی ۱۳۵۷)

امام خمینی: بیان و قلم وعقیده برای همگان آزاد میباشد، ولیکن مردم توطئه را هرگز اجازه‌نمی دهند. (از پیام امام خمینی، ۹ اسفند ۱۳۵۷)

امام خمینی: آزادی بیان هست. هرکس هرچه میخواهد بگوید. آزادی بله وتوطئه نه... (ازسخنرانی امام خمینی درقم ــ ۱۹ اسفند ۱۳۵۷)

امام خمینی: همه احزاب و گروه‌ها، تاوقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه‌نکرده‌اند، به طور آزادانه عمل‌می‌کنند وبه‌طور آزاد دارند حرف‌های خودشان را‌می‌زنند. (ازسخنان امام خمینی درجمع گروهی از علمای آذربایجان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

امپریالیسم خبری

اهریمن هزار زبان گمراه سازی بسود غارتگران و ستمگران اجتماعی

صفحه ۴

حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه بار دیگر از انقلاب اسلامی ایران پشتیبانی می‌کند

حافظ اسد: گسترش روابط سوریه وشوروی بنفع سوریه واعراب است. از دیدگاه ما اتحاد شوروی هم‌چنان دوست نیرومندی درکنار هم‌پیمانان خود خواهد ماند."

حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه، طی مصاحبه با سردبیر روزنامه "الرای‌العام"، که متن آن در روزنامهٔ "البعث"، ارگان رسمی حزب بعث سوریه، انتشار یافته وترجمهٔ آن در روزنامه اطلاعات، اول دی ۱۳۶۰، چاپ شده‌است، دیدگاه‌های خود را دربارهٔ مسائل خاورمیانه، مناسبات اعراب و اسرائیل، روابط سوریه با کشورهای عربی منطقه، "جبهه پایداری" سازمان آزادیبخش فلسطین و اتحاد شوروی، درباره جنگ تجاوزکارانه رژیم جنایتکار صدام علیه ایران و روابط سوریه با جمهوری اسلامی ایران بطور مبسوط بیان داشته‌است.

حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه دراین مصاحبه وحدت خلق های عرب را مهمترین عامل بازدارنده در برابر سیاست توسعه‌طلبانه و تجاوز ــ کارانه دولت صهیونیستی اسرائیل و حامی آن امپریالیسم آمریکا دانسته است.

حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه در مورد جنگ تجاوزکارانه رژیم

بقیه در صفحه ۲

۱۹۸۲

فرا رسیدن سالروز تولد مسیح و آغاز سال نو میلادی را به همهٔ هم میهنان مسیحی تبریک می‌گوییم و سالی سرشار از پیروزیهای بزرگ در مبارزه‌ای که آنان دوشادوش دیگر مردم انقلابی ایران علیه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی از پیش میبرند، آرزو می کنیم

هنر در جمهوری اسلامی باید مقام شایسته خود را احراز کند

سخنی بدنبال اظهارات آقای وزیر ارشاد اسلامی درباره هنر

صفحه ۳

"لایحه قانونی تشکیل شورای اسلامی کارکنان" و آئین نامه های آن ناقض حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان است

آقای احمد توکلی وزیر کار وامور اجتماعی وسخنگوی دولت، در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود، درباره تشکیل شوراهای اسلامی کارگران و کارکنان نظریات زیرین را بیان کرده‌است:

"برای تشکیل شوراها، شورای انقلاب قانون تصویب کرده، آئین‌نامه موجود است، طبق آن آئین‌نامه مدتی است که تشکیل شورای قانونی شروع شده و تعداد زیادی هم شورا تشکیل شده‌است. درمطالعه‌ای که ما انجام داده‌ایم، دیدیم که اینقدر **میل به مشارکت** درکارگران زیاد است، که تقاضا خیلی زیاد می‌رسد و طبعا چون **باید با همکاری ونظارت وزارت کار** شوراها تشکیل بشود، **توان پرسنلی‌ اش** را نداریم، که این همکاری را به آنها بدهیم. ما چون دیدیم توان رسیدگی به این مسائل را نداریم، **مجبوریم فقط یک اسم ظاهری شورا را** بگذاریم، ولی هیچ کمکی نتوانیم به آنها بکنیم موقتا گفتیم که **شورائی تشکیل نمی‌دهیم**، شوراهای موجود را تقویت می‌کنیم، درکنارش خودمان را تقویت می‌کنیم ازنظر پرسنلی، آموزشی وهم از نظر تعداد افراد که انشاء... همزمان با رشد شوراها تشکیل‌شده، **شوراهای اصیل وسالمی را درماه‌های آینده پی‌ ریزی** بکنیم. (روزنامه جمهوری اسلامی ــ ۲ دیماه ۱۳۶۰)

چنانکه از پاسخ وزیر کار و امور اجتماعی برمیآید، مطالعات مقدماتی ایشان را به این نتیجه رسانیده‌که "لایحه‌قانونی تشکیل‌شوراهای‌اسلامی کارکنان..." و آئین نامه های آن، چنانکه‌باید، پاسخگوی میل‌کارگران به مشارکت درنظارت واداره واحدهای تولیدی وخدماتی نیست و برای پی‌ ریزی شوراهای اصیل وسالم در ماه‌ های آینده، فعلا باید شورائی تشکیل نداد، تاانجام این کار فقط یک اسم گذاری ظاهری نباشد.

بقیه در صفحه ۲

هواداران صادق ولی ناآگاه "مجاهدین خلق" بتدریج آگاه می‌شوند وبه جبهه انقلاب می پیوندند

صفحه ۹

لایحه قانونی...

بقیه از صفحهٔ ۱

ما ضمن اینکه با این برداشت وزیر کار وامور احتماعی موافقیم، معتقدیم که مسئله "لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان..." و آئین‌نامه‌های آن بغرنجتر از آنست که تاثیر آن به اسم گذاری ظاهری برای شورا محدود شود و یا گره کار تنها مربوط به وزارت کار و عدم توانائی آن ازنظر پرسنلی، آموزشی وغیره باشد.

لایحه "قانونی تشکیل شورا های اسلامی کارکنان..." وآئین‌نامه های آن، بدلایلی که ما درزیر به آن اشاره خواهیم کرد، ناقض حقوق صنفی و شورائی کارگران وزحمتکشان وایجادسر درگمی دراین دومسئله‌مهم است، که بدون حل صحیح ومنطقی آنها، حل مسائل گرهی سیاسی ـ اجتماعی در واحد های تولیدی ـ خدماتی عملا غیرممکن خواهدبود وآشفتگی درمحیطهای کار و کارگری همچنان بقوت‌خودباقی خواهد ماند.

بمنظور آنکه وزارت کار وامور احتماعی، همانطورکه وزیر کار وامور احتماعی می‌گوید، بتواند ایجاد شورا ـ های اصیل وسالمی رادر ماه‌های آینده پی‌ریزی‌کند وایجاد شوراها تنها مسئله اسم‌گذاری نباشد وحقوق صنفی وشورائی کارگران چنانکه درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول ۲۶ و ۱۰۴ رسمیت قانونی پیداکرده، به‌اجرادرآید، ضروراست که "لایحه قانون تشکیل شورا ـ های اسلامی کارکنان..." وآئین نامه ـ های آن موردبررسی دقیق قرارگیرد واگر ثابت شدکه این ترفندلیبرالها ومخالفین جمهوری اسلامی ایران موجب سردر ـ گمی در تنظیم روابط در امر تولید وخدمات است، نسبت به لغواین لایحه وآئین‌نامه‌های آن وتدوین و تصویب قانون وآئین‌نامه‌های جدید منطبق با اصول ۲۶ و۱۰۴ قانون اساسی درباره‌رعایت حقوق صنفی و شورائی کارگران‌وزحمتکشان هرچه‌زودتر اقدام بعمل آید.

به‌منظور کمک به امر فوق "**اتحاد مردم**" نتایج‌بررسی های‌تحقیقی خود را درباره "لایحه قانونی..." وآئین نامه‌های آن به‌شرح‌زیرین در اختیار افکار عمومی کارگران و زحمتکشان و مسئولین وزارت کار و امور احتماعی قرار میدهد.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران به‌رهبری امام‌خمینی حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان، که خود نقش اساسی و تعیین‌کننده درپیروزی انقلاب داشتند، با دوبرخورد متفاوت ازجانب حاکمیت انقلاب مواجه‌گردید. یک برـ خورد متعلق به‌مسلمانان انقلابی پیرو خط امام بود، که‌درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بصورت اصول ۲۶ و ۱۰۴ منعکس گردید و رسمیت‌پیداکرد.

اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر میدارد:

"احزاب، جمعیتها، انجمن ـ های سیاسی و**صنفی** وانجمن‌های اسلامی یااقلیت‌های دینی شناخته‌شده‌آزادند، مشروط به‌اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت‌ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی‌را نقض‌نکنند. هیچکس رانمی‌توان‌از شرکت درآنها منع کرد ویا به‌شرکت دریکی از آنها مجبور ساخت."

اصل ۱۰۴ قانون‌اساسی جمهوری اسلامی‌ایران نیز چنین‌حاکیست:

"به‌منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها وایجادهم ـ آهنگی درپیشرفت اموردر واحد های تولیدی، صنعتی وکشاورزی، شوراهائی مرکب از نمایندگان‌کارگران‌و دهقانان ودیگر کارکنان و مدیران، و در واحد ـ های‌آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهائی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل میشود.

چگونگی تشکیل این‌شوراهاوحدود و وظایف واختیارات آنهارا قانون‌معین میکند."

چنانکه دراصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران‌دیده‌می‌شود، حق تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان و حق شورائی آنان، حاوی مشارکت‌در نظارت و ادارهٔ واحدها ی تولیدی ـ خدماتی بصراحت و روشنی تمام در قانون‌اساسی انعکاس‌یافته و رسمیت پیداکرده‌است. این‌دو اصل را می‌توان‌سرفصل دستاوردهای کارگرا ن وزحمتکشان از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. تعلق‌خاطرکارگران‌وزحمتکشان به‌رعایت‌کامل این اصول نیز ناشی از چنین اهمیتی‌است.

چنانکه در اصل ۲۶دیده‌میشود، کارگران و زحمتکشان، اعم از شاغلان کار یدی و یا فکری، بدون هیچ گونه محدودیتی ازلحاظ سنی، نژادی، مذهبی، عقیدتی‌وملیت‌آزادند در انجمن‌های صنفی‌خودگردآیند و از منافع صنفی ـ احتماعی خود، بگونه ـ ای که مغایر با "اصول استقلال، آزادی وحدت‌ملی، موازین اسلامی واساس جمهوری‌اسلامی‌نباشد "دفاع‌کند. هیچکس رانمیتوان از شرکت‌درآنها منع کرد، یا به‌شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت."

ذکر قسمت‌اخیر در اصل ۲۶ قانون‌اساسی‌جمهوری‌اسلامی‌ایرا ن تصادفی نیست. این‌حاصل‌تجربه‌تلخ دوران دیکتاتوری طاغوت است، که خود را به هرنوع دخالتی در امور احزاب، جمعیتها، انجمنهای‌سیاسی وصنفی مجازمی‌دانست. مثلا برا ی کارگران و زحمتکشان سندیکامی‌ساخت، یاآنان رابه ورود درسازمان‌های‌قلابی وادارمیساخت و یاازتشکیل انجمن‌های آزادصنفی کارگران‌ممانعت بعمل‌می‌آورد.

به‌منظور جلوگیری از چنین اقدامی درآینده از هرجانبی که‌باشد، قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران به درستی هرنوع دخالتی را در انجمن ـ های‌صنفی وسایر تشکل‌های‌سیاسی‌و احتماعی باقاطعیت تمام منع میکند.

انجمن‌های صنفی‌کارگران و زحمتکشان، ضمن‌اینکه از منافع صنفی و احتماعی کارگران و زحمتکشان دفاع میکنند، به‌نمایندگی از جانب‌کارگران‌و زحمتکشان، ازحق‌مشارکت در نظارت واداره تولیداحتماعی نیزبرخوردارند.

مشارکت در نظارت واداره‌تولید احتماعی‌ازحقوق‌شناخته‌شده‌انجمن ـ های‌صنفی‌کارگران وزحمتکشان‌است‌که، باید ازسالهای‌پیشطرف به مناسبت احتماعی‌شدن تولیدو خدمات در مقیاس نسبتا وسیع در کشور مابرسمیت شناخته‌میشد. لیکن رژیم طاغوت، همانگونه که‌حق‌تشکل‌آزادصنفی‌کارگران وزحمتکشان را زیر پامی‌گذاشت، همان‌گونه‌هم به‌شناسائی حق‌مشارکت کارگران وزحمتکشان در نظارت و ادارهٔ تولید احتماعی تن‌در نمی‌داد. سلطهٔ امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته در ایران مانع ازشناسائی این‌حق‌بود.

اهمیت قانون‌اساسی جمهوری اسلامی‌ایران از نظر شناسائی حقوق صنفی وشورائی کارگران و زحمتکشان دراینست‌که، درآن نه‌فقط حق تشکل آزاد صنفی‌آنان به‌رسمیت شناخته‌شده، بلکه طبق اصل ۱۰۴ حق مشارکت کارگران و زحمتکشان درنظارت‌وادارهٔ تولید احتماعی تائید وشیوهٔ اعمال‌آن نیز بصراحت وروشنی تمام‌خاطرنشان شده‌است. طبق‌این‌اصل، کارگران و زحمتکشان از طریق انتخاب‌نمایندگان خود (که طبعا ازجانب تشکل‌های‌صنفی انتخاب‌خواهندشد) جهت تشکیل "شوراهائی مرکب از نمایندگان‌کارگران‌و دهقانان ودیگر کارکنان ومدیران"، حق‌شورائی خودرا "به‌منظور تامین‌قسط اسلامی وهمکاری‌در تهیهٔ برنامه‌هاو وایجادهماهنگی‌در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی وکشاورزی" اعمال‌خواهند نمود. حق‌شورائی کار ـ مندان وکارکنان "در واحدهای‌آموزشی، اداری، خدماتی ومانندانیها "ازطریق "تشکیل شوراهائی مرکب ازنمایندگا ن اعضاء این‌واحدها "اعمال‌میشود.

درحالیکه قانون‌اساسی جمهوری اسلامی‌ایران در اصل۲۶ مقامات‌دولتی را از دخالت‌در امور انجمن‌های صنفی برحذر داشته. در اصل ۱۰۴ به‌درستی خاطرنشان‌می‌سازد که، "چگونگی تشکیل این‌شوراها"، یعنی‌شوراهائی که "از "**نمایندگان**‌کارگران ودهقانان و دیگر کارکنان و مدیران "تشکیل‌میشود، و "حدود وظایف‌واختیارات آنهاراقانون معین‌میکند". بدیگر سخن، آنچه‌نیاز ـ مند لایحه قانونی وآئین‌نامه‌است، نه تشکل‌های‌صنفی‌کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌هاوکارگاه‌ها و یاموسسات و ادارات، بلکه شوراهای قانونی‌است، که اصل ۱۰۴ تشکیل آنهارامقررداشته است.

وظیفهٔ وزارت‌کار واموراحتماعی‌و یا هرسازمان‌دیگری که‌بخواهدبتدوین لایحه‌قانونی و آئین‌نامه‌های مربوط به‌تشکیل شوراهای اصل ۱۰۴ قانون اساسی اقدام‌نماید، از قبل معلوم و روشن‌شده‌است. چنین‌لایحه‌ای باید مبتنی بر چگونگی تشکیل شوراها ی تعریف‌شده در اصل ۱۰۴قانون‌اساسی، بعنوان‌نهاد قانونی‌باشد، که‌نه‌تشکل صنفی است ونه‌مدیریت، بلکه‌نهاد ی متشکل ازنمایندگان‌کارگران‌ودهقانا ن ودیگرکارکنان ومدیران‌است، که وظیفه دارد "تامین قسط‌اسلامی و همکاری‌در تهیهٔ برنامه‌ها وایجاد هماهنگی در پیشرفت‌امور واحدهای تولیدی، صنعتی‌و کشاورزی" را، بااستفاده از حدودوظایف واختیاراتی‌که‌قانون‌برای آن معین‌می‌کند، تحقق‌بخشد.

وزارت‌کار وامور احتماعی، در گذشته باید مبادرت به‌تدوین چنین لایحه‌قانونی میکرد وپس‌از تصویب، آئین‌نامه‌های آن‌را نیز تدوین و به احرامی‌گذاشت.

اعتقاد ما براینست‌که‌مسلمانان انقلابی پیرو خط‌امام و در راس‌آن‌ها شهید آیت‌الله‌بهشتی که‌نقش‌اساسی درتدوین وتصویب‌قانون‌اساسی‌داشته اند ـ چنانکه‌بعدا خواهیم دید، چنین برداشتی از اصول۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری‌اسلامی‌داشته‌اند. اما متاسفانه باید گفت‌که‌برخلاف‌برداشت مسلمانان‌انقلابی‌پیروخط امام، لیبرالها و حافظین منافع سرمایه‌داری بزرگ با استفاده از نفوذ و موقعیت خود درحاکمیت جمهوری‌اسلامی‌ایران در دوران دولت موقت، معروف به "دولت گام‌به‌گام"، تاریاست جمهوری بنی‌صدر معزول وفراری موفق شدند که باترفندهای باصطلاح قانونی، هم حقوق صنفی و هم حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان را زیر پابگذارند این‌ترفندهای باصطلاح قانونی در "لایحه قانونی تشکیل‌شوراهای‌اسلامی کارکنان در واحدهای‌تولیدی‌وخدماتی"، که‌بااستفاده از ریاست بنی‌صدر بر شورای انقلاب به‌تصویب رسید، وهم ـ چنین آئین‌نامه‌هائی که بر اساس آن تدوین‌گردید، انعکاس‌کامل یافته‌است.

لیبرال‌ها، بعنوان‌حافظین‌منافع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته، نه فقط باتشکل‌صنفی‌کارگران و زحمتکشا ن مخالف‌بودند، بلکه‌حق‌نظارت‌شورائی رامغایر منافع و مقاصد خود میدانستند به‌همین‌جهت آنها از همان روز پس‌از پیروزی انقلاب، هم با رعایت حقوق صنفی کارگران‌و زحمتکشان و هم با حقوق شورائی آنان‌از در مخالفت در آمدند. اصول ۲۶ و۱۰۴ قانون اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران، بعنوان دو خار بزرگ در چشم کلان‌سرمایه داران و حافظین منافع آنها، به‌هیچ‌روی برا ی لیبرالهاقابل تحمل‌نبود. به همین جهت آنها درصدد برآمدند، تا با ترفندباصطلاح قانونی با حقوق صنفی وشورائی‌کارگران و زحمتکشان‌مخالفت کنند. با "لایحهٔ‌قانونی تشکیل شورا ـ های‌اسلامی‌کارکنان..." وآئین‌نامه ـ های‌آن در واقع با یک تیر دو نشا ن زده‌شده‌است: هم حق‌تشکل‌آزادصنفی کارگران وزحمتکشان، طبق اصل۲۶ قانون‌اساسی زیر پا گذاشته‌شده‌وهم‌حق مشارکت کارگران و زحمتکشان‌درنظارت وادارهٔ‌تولید احتماعی، طبق اصل ۱۰۴ قانون‌اساسی تضییع گردیده‌است. لایحه‌قانونی وآئین‌نامه‌های‌موردبحث، که‌مابه‌تفصیل به تشریح آنها خواهیم پرداخت، از چنین‌ماهیتی‌برخوردارند. قبلا وبه اختصار ناچار به تذکر هستیم که، هدف "لایحهٔ‌قانونی تشکیل‌شورا ـ های‌اسلامی‌کارکنان..." وآئین ـ نامه‌های‌آن، که اکنون طبق دستوروزیر کار اجرای آن‌متوقف‌می‌شود، به‌بند ـ کشیدن‌جنبش‌صنفی کارگران‌وزحمتکشان بطورکلی، ادامه‌دخالت های‌غیرقانونی دوران‌طاغوت‌در امر تشکل‌های صنفی وتبدیل‌آنها به سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی است، که به هیچوجه به‌نفع یک دولت انقلابی نیست. این لایحه وآئین‌نامه‌های اجرائی آن ناقض‌اصول قانون‌اساسی است، زیرا هم حق‌تشکل آزادصنفی کارگران و زحمتکشان (اصل ۲۶) را زیر پامی‌گذاردوهم حق‌مشارکت کارگران درنظارت‌واداره‌تولیداجتماعی (اصل ۱۰۴) راتضییع میکند. لایحه قانونی وآئین‌نامه‌های آن اعمال فشار به کارگران را "قانونی" میسازد و سر ـ چشمه بسیاری از اختلالات در محیط ـ های‌کارگری در گذشته‌بوده‌و، اگر حفظ شود، درآینده نیز خواهد بود. روشن است‌که‌چنین لایحه‌ای به‌همراه آئین ـ نامه‌های‌اجرائی آن باید لغو گردد و کارگران‌وزحمتکشان از حقوق صنفی و شورائی، چنانکه اصول ۲۶و۱۰۴قانون اساسی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌صراحت دارد، برخوردارگردند.

ادامه‌دارد.

حافظ اسد...

بقیه از صفحهٔ ۱

جنایتکار صدام‌حسین علیه جمهوری اسلامی‌ایران‌اظهارمیکند:

"این جنگ ارتش عربی را در عراق از دست ما گرفت ونیروی عظیم انقلاب ایران را ضعیف کرد، انقلابی که ازلحظهٔ نخست اعلام‌کرد: مسئله "قدس" مسئله‌اوست و درنتیجه با همه امکانات‌خوددر کنار اعراب‌برای‌آزادی "قدس" خواهد ایستاد." (اطلاعات اول‌دی ۶۰)

حافظ اسد درموردتوطئه‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها ی محافل تبلیغاتی امپریالیستی درباره روابط‌ایران با اسرائیل اظهار داشت:

"باید گفت ایرانی‌هااین مطلب راقاطعانه‌تکذیب کرده‌اند."

رئیس‌جمهوری عربی‌سوریه‌افزود "انقلابی که‌پرچم اسلام را بلند میکند وآزادی "قدس" از اشغال اسرائیل را یکی از اساسی‌ترین اصول خود میداند واز لحظات نخستین پیروزی، روابطی که رژیم شاه بااسرائیل بوجودآورده بود، قطع میکند و در برابر مسئلهٔ فلسطین موضعی اتخاذ میکند، که همان موضع قاطع اعراب است، نمیتواند که‌با اسرائیل همکاری‌کند. میخواهم در این زمینه‌بگویم که هدف این‌تبلیغات‌ضربه زدن‌به‌انقلاب‌اسلامی‌ایران‌است، نه‌هیچ چیز دیگر." (همانجا)

بدین‌ترتیب، حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه بار دیگر در این مصاحبه مواضع صریح و قاطع دولت سوریه رادر جانبداری و دفاع ازانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌تائیدنموده و محتوی‌وسمت انقلاب شکوهمند مردم ایران را بامبارزه خلق‌های عرب علیه سیاست‌توسعه‌طلبانه دولت‌صهیونیستی اسرائیل وسیاست تجاوزکارانه آمریکا دراین‌منطقه هم سو ارزیابی میکند.

حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه در مورد روابط سوریه با اتحاد شوروی خاطرنشان‌نمود:

"درمورد اتحادشوروی‌بایدبگویم که‌این‌کشور درکنارماست وازما از نظر تسلیحاتی حمایت‌خوبی میکند وگسترش روابط سوریه با اتحادشوروی به نفع سوریه، اعراب و اتحادشوروی است. از دیدگاه ماشوروی همچنان دوست‌نیرو ـ مندی درکنار هم‌پیمانان خودخواهد ماند، وهمانگونه‌که تجربه جنگ اکتبر ثابت کردو دیدیم که‌درجنگ مزبور در کنار سوریه و مصر قرارگرفت واسلحه و مهمات زیادی دراختیار آنها گذارد. بحث‌هاوگفتگوهای‌ما با شوروی در یک چارچوب‌دوستی واعتماد متقابل‌صورت میگیرد." (همانجا)

در مورد پیمان استراتژیک اسرائیل وآمریکا و مقایسه‌آن‌با پیما ن دوستی‌وهمکاری و کمک متقابل میان سوریه واتحادشوروی، حافظ‌اسد اظهار داشت:

"پیمان‌مابا شوروی‌صرفا یک‌پیمان دوستی‌است، که‌مضمون آن‌نیز واضح است. اما آنچه‌ایالات‌متحده‌واسرائیل درموردآن به‌توافق‌رسیده‌اند و نام‌آنرا همکاری استراتژیک گذارده‌اند، در حقیقت‌پیمان دشمنی‌وتجاوز به امت عرب است... دقیقا نام‌پیمان‌تجاوز درمورد آن‌صدق میکند." (همانجا)

پشتیبانی مجدد و موکد رئیس جمهوری عربی سوریه ازانقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران موید این‌واقعیت‌است‌که گسترش مناسبا ت دوستانه جمهوری‌اسلامی ایران با جمهوری عربی‌سوریه و دیگرکشورهای عضو "جبهه‌پایداری" وتشکیل جبههٔ متحد وگسترده ضدامپریالیستی از کشورهای‌مستقل ملی وجنبش های رهائی‌بخش‌ملی‌این‌منطقه و تدوین‌یک سیاست‌هم‌آهنگ برپایه پایداری در برابر امپریالیسم‌آمریکا، دولت صهیونیستی اسرائیل و رژیم‌های‌ضد ـ خلقی‌و وابسته به‌امپریالیسم، مهم ـ ترین وموثرترین عاملی است که‌می ـ تواند تمام‌طرح‌های تجاوزکارانه و توطئه‌های براندازی علیه انقلاب‌و جمهوری اسلامی‌ایران ودیگر کشورهای مستقل‌ملی‌این‌منطقه راخنثی ومحکوم به‌شکست‌نماید.

اظهارات حافظ‌اسد رئیس جمهوری عربی سوریه در مورد روابط اتحادشوروی با سوریه وپشتیبانی قاطعانه‌اتحادشوروی‌از مبارزه خلق‌های عرب‌تاکیدی‌براین‌مطلب‌است که‌خلق‌ها ورژیم‌های‌مستقل ملی‌این منطقه، با گسترش روابط وهمکاری بااتحادشوروی ودیگرکشورهای‌سوسیالیستی و همهٔ نیروهای ترقیخواه‌جهان، می‌تواند پیروزی‌خودرادرمبارزه‌علیه‌امپریالیسم وصهیونیسم جهانی‌بسرکردگی آمریکا تضمین نمایند.

این اظهارات حافظ‌اسد بویژه‌از این‌نظر شایان‌توجه‌است که جمهوری عربی سوریه‌که‌بعنوان عضوجبهه‌پایداری ونیروی‌بازدارنده‌دربرابرتجاوزاسرائیل وامپریالیسم‌آمریکا دراین‌منطقه، هم ـ واره‌مواضع قاطعانه و آشتی‌ناپذیری اتخاذنموده و به‌همین‌سبب به آماج عمده‌تحریکات واقدامات ماجراجویانه دولت‌صهیونیستی‌اسرائیل‌وامپریالیسم امریکاتبدیل‌شده‌است، گسترش روابط سوریه با اتحادشوروی را به‌نفع سوریه وبه‌نفع مبارزه‌خلق‌های عرب در برابر صهیونیسم وامپریالیسم‌آمریکاارزیابی میکند.

در شرایط کنونی که امپریالیسم آمریکا و دستیاران منطقه‌ای آن، به ویژه دولت صهیونیستی‌اسرائیل دامنه توطئه‌ها وتحریکات‌نظامی و اقداما ت ماجراجویانه خود را علیه کشور های مستقل‌ملی‌منطقه وقبل از همه‌علیه کشورهای عضو "جبههٔ پایداری"، سازمان‌آزادیبخش‌فلسطین، جمهوری اسلامی‌ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان گسترش‌داده‌اند وتلاش دارند‌که‌طرح‌های براندازی‌امپریالیسم آمریکا را در مورد رژیم‌های انقلابی و مستقل ملی‌این منطقه تحقق ببخشند، مسئلهٔ تشکیل و انسجام جبههٔ‌متحد ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی کشور های‌مستقل ملی‌این‌منطقه وگسترش و تعمیق همکاری میان این‌کشورها به مبرم‌ترین مسئله در فعالیتهای‌سیاست خارجی آنان‌تبدیل میشود.

دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفهٔ‌خاص ومبرمی دراین زمینه دارد که امید است باپیگیری انجام‌گیرد.

برای خنثی کردن توطئه های جدید شیطان بزرگ - آمریکا

متحد شویم!

هنر در جمهوری اسلامی باید مقام شایسته خود را احراز کند

سخنی بدنبال اظهارات آقای وزیر ارشاد اسلامی دربارهٔ هنر

حجت‌الاسلام معادیخواه وزیر ارشاد اسلامی اخیرا چنین گفت: "هنر در جمهوری اسلامی یکی از **مهمترین ابعاد** انقلاب اسلامی است. متاسفانه پیرامون آن کار نشده است. البته (باید به این کار) با استفاده از نظرات و پیشنهادهای مردم انقلابی و خوش ذوق بپردازیم، که این خود نیز احتیاج به **برنامه‌ریزیهای اساسی و دراز مدت دارد**".

سخنان وزیر ارشاد اسلامی یادآور سخنان همانندی است که زمانی حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور، در دوران امامت جمعه تهران، گفته بود و در همان ایام واکنش مثبتی در جامعه و به ویژه بین هنرمندان و هنردوستان یافت نخست‌وزیر شهید باهنر نیز در برخورد با هنرمندان بارها از علاقهٔ جمهوری اسلامی ایران به بسط هنر سخن گفته بود

این سخنان نیز همه میهن‌دوستان همه دوستداران هنر را نه تنها شادمان بلکه چشم براه و امیدوار می‌کند، زیرا مشتی قشری با یکسان گرفتن هنر با "لهو لعب" و "منکرات" اخلاقی (!) درواقع این رشتهٔ **عظیم و جوشان آفرینش** فرهنگی انسانیت را دچار بحرانی ساخته اند، که در تاریخ کشور ما بی سابقه است و این خود مایه شرمساری است.

درجهان چیزی بنام "هنر اسلامی" وجود دارد، که از "الحمراء" اندلس و "باب الشمس" طلیطله گرفته، تا آثار اصفهان و سمرقند و هند شاهکارهای جاویدان خلق کرده است و در زمینه خط و معماری و کاشیکاری و موسیقی (تلاوت و روضه و تعزیه و دسته و نوحه) و هنر تزئیبی و تذهیبی و نقاشی (شمایل‌سازی) هنرمندان شیعهٔ ایرانی آثار گرانبهائی برجای گذاشته اند و در تکامل هنر کشور ما نقش برجسته‌ای ایفاء نموده اند.

درجهان امروزین به اصناف سنتی هنر (مانند موسیقی و نقاشی و پیکرتراشی و معماری و ادبیات و تاتر و غیره) فیلم و تلویزیون نیز افزوده شده و رسانه‌های گروهی، که برخی از آنها مانند: ویدئو و کاست و تله‌ستار و سلایدهای امروزین در اوج تکنولوژی معاصرند هنر را به یک بخش مهم حیات اجتماعی بدل ساخته اند و آنرا در گوشه و کنار جامعهٔ متمدن امروزی رخنه داده‌اند و روز به روز هم بیشتر رخنه می‌دهند.

هنر وسیلهٔ معرفت، تربیت، آموزش، پرورش ذوقی و تفریح سالم است، پس چگونه ممکن است که بینش اسلامی و جمهوری مبتنی بر این بینش آنرا نادیده و خوار مایه بگیرد؟ وقتی اسلام می‌گوید: "خداوند زیباست و دوستدار زیبائی است". (ان الله جمیل و یحب الجمال) و هنر خود سخنگوی زیبائی است، چه‌جای سخن باقی میماند؟

درکشور ما علاوه بر هنر سنتی، هنر جهانی نیز رخنه ژرفی یافته و از واقعیات بدیهی و طبیعی زندگی ما شده و کادر بسیار وسیع و موسسات متعدد هنری بوجود آمده است، که همه در شرایط کنونی متاسفانه دچار وضع بلاتکلیفند. این محیط دلسردکننده ممکن است موجب افت و انحطاط شدید جهت فنی و سازمانی امور هنری شود و زیانهای بسیار ببار آورد. پس حق با آقای معادیخواه است که باید در این زمینه وارد برنامه‌ریزی‌های درازمدت و اساسی شد.

سوء استفاده‌ای که امپریالیسم و ارتجاع جهانی و رژیم سرنگون شدهٔ سلطنتی در هنر کرده و می‌کنند گناه هنر نیست، چنانکه ساختن بمب هیدروژنی و نوترونی نیز گناه علم فیزیک نیست. ما در سه رشته علم، هنر و فن باید به سطح جهانی برسیم و از هم اکنون در این سمت حرکت کنیم. معنای استقلال جز این نیست. اگر ما در هریک از این رشته‌ها واپس‌مانده باشیم، بعدها انگشت ندامت به دندان خواهیم گزید.

در درجه اول وزارت ارشاد اسلامی، که برخورد سالم و بافرهنگ خویش را به مسئله هنر در بیان وزیرش نشان داده است، باید برای ایجاد **فضای سالم و بارآور** برای هنر در جمهوری اسلامی ایران مساعی خود را بکار اندازد. البته این تنها مربوط به این وزارتخانه نیست و نهادهای دولتی و اجتماعی متعددی باید با وزارت ارشاد اسلامی در این امر مهم، که آقای معادیخواه آنرا بدرستی "**یکی از مهمترین ابعاد انقلاب اسلامی**" خوانده است، همکاری کنند و اجازه ندهند که تحت عنوان "مبارزه با منکرات" به جای جلوگیری از بهره‌کشی و احتکار و گرانی و گرانفروشی و غصب حاصل زحمت کارگر و دهقان، در راه شکوفائی هنر، مشکلات خشن پدید آید.

ما خرسندی و خشنودی خود را از اظهار نظر صریح آقای وزیر ارشاد اسلامی ابراز می‌داریم و امیدواریم که از پی گفتار نوبت کرداری مناسب و گسترده فرارسد و دولت سیاست خود را در زمینه هنری بطور نهائی روشن سازد و راه تکامل هنری کشور را بگشاید.

ورزش امروز و فردا ...

اهمیت ورزش برکسی پوشیده نیست. به همین دلیل پرداختن به دلایل ضرورت ورزش بصورت یک سیستم که همگان بویژه نوجوانان و جوانان را شامل شود، لزومی پیدا نمیکند.

خوشبختانه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران هم بر ضرورت و اهمیت مساله مهمی چون ورزش واقفند حجت‌الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور اسلامی ایران در مصاحبه‌ای می‌گوید: "بیگمان پرورش جسمانی ... بعد مهمی است و به این ترتیب ما می‌بینیم مساله ورزش در متن وسایل انسانسازی در اسلام قرار می‌گیرد (جمهوری اسلامی — ۲۹ آذر ۱۳۶۰)

رئیس جمهور در همین مصاحبه ویژگیهای ورزش در جامعه ایران را چنین بیان می‌کند:

"۱ــ دراین روزگار، مانند همه روزگارهای دیگر، ورزش یک ضرورت برای جامعه ماست،

۲ــ ورزش باید هدفش همان چیزی باشد که از ورزش متصور است، یعنی تربیت جسمی انسانها و نه قهرمان‌سازی و چیزهائی از این قبیل،

۳ــ ورزش باید عمومی و در سطح جامعه باشد. به این ترتیب ما ورزش حرفه‌ای را قبول نمی‌کنیم،

۴ــ ورزش باید حجم وقت‌گیرش برای مردم زیادتر از اندازه لازم خودش نباشد و بصورت یک سرگرمی، که آنها رااز کارهای دیگر بازمی‌دارد، درنیاید؛ (همانجا)

رئیس جمهور اضافه می‌کند: "آنچه که درباره ورزش گفتم، متعلق به همه است، یعنی از جمله زنان و نه فقط به مردان. زنها هم حق دارند آن ورزش سالم جهتدار و معنی‌داری را که گفتم بکنند." (همانجا)

چنانکه بایسته مقام ریاست جمهوری است، نقطه نظرهای حجت‌الاسلام خامنه‌ای هم به جنبه پرورشی ورزش متوجه است و هم به جنبه اجتماعی ـ سیاسی آن.

واقعیت این است که امپریالیسم، در برنامه عمومی منحرف‌سازی افکار توده‌ها از مسائل اساسی جامعه، از ورزش نیز سوء استفاده می‌کند عمال امپریالیسم می‌کوشند تا از سوئی انرژی جوشان جوانان را فقط و فقط متوجه ورزش کنند و از سوی دیگر ورزش را به یک قمار تبدیل و ازاین راه نیز جیب‌های سرمایه‌داران را پرتر کنند.

درجوامع مترقی وضع درست بر عکس است. در جوامع مترقی ورزش به صورت یک سیستم فراگیر حضور دائمی دارد. کودکان همین‌که به راه می‌افتند، مجال این را می‌یابند که با انواع ورزشهائی که در خوردسن آنها است، پرورش خویش راآغاز کنند. این فرآیند، که آموزش نیز همراه آنست، تا پایان عمر افراد ادامه دارد. در نتیجه ورزش بصورت یک ضرورت روزانه با زندگی افراد در می‌آمیزد. نسل نو کشورهای مترقی در میدانهای ورزشی با روح همکاری و دوستی با همه انسانها پرورش می‌یابد. تجربه چند دهه اخیر نشان داده است که این شیوهٔ انقلابی از یک سو به ایجاد نسل‌های نیرومند و دانا یاری رسانده و از سوی دیگر قهرمانان کشورهای مترقی جهان را بر سکوهای اول جهانی جا داده است. موفقیت این شیوه چنان است که کشور کوچکی مانند کوبا، در چند رشته مهم ورزشی، درشمار صاحب‌نامان ورزش جهان در آمده است.

جامعه ایران ــ چنانکه در سخنان رئیس جمهور منعکس است ــ به‌چنان آینده درخشانی نظر دارد. جامعه‌ای که در آن ورزش نه در اختیار نورچشمی‌ها، بلکه امری همگانی باشد. آینده‌ای که در آن ورزش نه در خدمت فریب توده‌ها، بلکه وسیله‌ای برای پرورش نسل نو باشد. و این هدف مقدسی است که برای رسیدن به آن از امروز باید پایه‌های لازم را فراهم ساخت.

متاسفانه باید گفت، در سه سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، روشن‌بینی رئیس جمهوری بر سیستم ورزشی ما، که میراث طاغوت است، حاکم نبوده است. در ورزش نیز برخوردهای قشری و سلیقه‌های شخصی فراز نشیب‌های فراوان ایجاد کرده است. در نتیجه اکنون ورزش ایران، در زمینه ایجاد شالوده برای فردای امیدبخش دستاورد چندانی برای عرضه ندارد.

اکنون که انقلاب در همه زمینه ها در راه تثبیت گام برمیدارد، در ورزش نیز باید رهنمودهای رئیس جمهوری به کار گرفته شود و براساس آن برنامه‌ریزی به عمل آید. نسل جوان ما، که در میدان‌های رزم انقلابی شهامت و لیاقت خود را نشان داده است، باید فرصت این را بیابد که از همه امکانات موجود در زمینهٔ ورزش استفاده کند. تربیت کادرهای دلسوز و متخصص و استفاده از ورزشکارانی که اکنون دارای این ویژگیها هستند، اهمیت درجه اول دارد، با سازمان دادن سفرهای ورزشی و دعوت از تیم های ورزشی کشورهای انقلابی برای کسب تجربه و پختگی در میدانهای آزمایش، باگسترش زمین‌های ورزشی موجود و استفاده از پارکها و زمین های بایر محلات در کوتاه مدت، میتوان تا حدی کمبودهای کنونی را برطرف ساخت اما آنچه بیشتر از هرچیز ضرورت حیاتی دارد، برنامه ریزی برای ورزش، با استفاده از تجربه کشورهای مترقی است.

ما فعلا به این کوتاه بسنده می‌کنیم وضمن امیدواری به اینکه مسئولان ورزش رهنمودهای رئیس جمهوری را به کار ببندند، درآینده بازهم به این مساله حیاتی خواهیم پرداخت.

رادیو اویسی مدافع کدام "اسلام" و کدام "شرع" است

این روزها برنامه‌های رادیوی جلادان ۱۷ شهریور، بسیار هشدار دهنده است. رادیو اویسی، که ضجه نومیدانه ساواکی‌های جنایتکار فراری و زوزه خشمگین تیمساران خونریز و غارتگر را منعکس می‌کند ــ که کاملا مفهوم است ــ ناگهان با حرارتی بیسابقه و شوری نامنتظر، بیاد "اسلام" افتاده و سنگ "شرع" برسینه میزند! ــ که هشدار دهنده است.

گوش کنید:

"به‌گزارش خبرنگار رادیو از تهران، با تفویض اختیارات ولایت فقیه از سوی (امام) خمینی به مجلس شورای اسلامی، بزودی شاهد لوایح و قوانین عجیبی خواهیم بود... بسیاری از این قوانین ازجمله قوانین مربوط به غصب (!) زمینهای کشاورزی، اراضی شهری و مستغلات مسکونی و تجاری، خلاف دستورهای قران و اسلام است. بنابراین هاشمی رفسنجانی و همکارانش چاره را در آن دیدند که از شخص (امام) خمینی... بخواهند که با دخالت خود کلاه شرعی بر سر اینگونه لوایح بگذارند". (برنامه ۶۰/۹/۱۴)

"رادیو آزاد!" (اویسی)، سپس از جمله این قوانین "ضد اسلامی"، "بند ج" و لایحه مسکن و ... نام می‌برد و در برنامهٔ دیگری (۶۰/۹/۱۲)، دولتی شدن بازرگانی خارجی راهم بدان می‌افزاید!

این دفاع پرشور از "اسلام" در برنامه‌های رادیو اویسی باخطی بهمان اندازه پرحرارت و پر سروصدا تکمیل می‌شود که تبلیغ می‌کند: "ایران در دامان کمونیسم است"، "این لوایح با اصول مارکسیسم انطباق کامل دارد" و ... درست همان خطی که در روزهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد برای انحراف افکار مردم و دولت دکتر مصدق از خطر واقعی ــ آمریکا و برای ایجاد زمینه جهت وارد آمدن ضربه کودتای آمریکایی، با همین حرارت از جانب اویسی‌های آن زمان تبلیغ میشد، توطئه شومی که متاسفانه به نتیجه هم رسید. واکنون اویسی‌های این زمان، که توسط انقلاب بزرگ مردم ایران ازکشور بیرون رانده شده اند و هر روز دورنمای بازگشت و اعاده دوران خوش گذشته را تیره تر می‌بینند، درست به‌هنگامیکه نیروهای نظامی آمریکا و متحدان اروپایی و وابستگان منطقه‌ایش در آبهای منطقه گشت می‌زنند و برای تمام جنبش ها و کشورهای انقلابی منطقه، بویژه ایران انقلابی، خط و نشان می‌کشند، شگردهای آشنا را به میان می‌آورند ــ امری که سخت هشدار دهنده است.

دفاع بلندگوی اویسی خائن و جلاد از "اسلام" درعین حال آموزنده است. تجربه دوران قریب به سه سال انقلاب اسلامی ایران، این واقعیت را به اثبات رسانیده است که دشمنان تشنه بخون انقلاب، ازکدام "اسلام" و کدام "شرع" دفاع می‌کنند. این "اسلام" همان "اسلامی" است که در نمونه‌های تاریخی، معاویه‌ها و یزیدها، در نمونه‌های نزدیکتر، محمدعلی شاه و رضاخان و محمدرضاخان، در نمونه های منطقه‌ای خالدها، ضیاءالحق‌ها، شاه حسین‌ها، شاه‌حسن‌ها، صدام‌ها و قابوس‌ها، در نمونه‌های پس از انقلاب "خلق مسلمان" ها، لیبرالها، فرقانی‌ها، بنی‌صدرها، زیرلوای آن، به مانند سلف خویش عمرعاص، به جنگ اسلام انقلابی، اسلام علی و اسلام خمینی رفتند و اکنون نیز، با توسل بدان، به‌اشکال مختلف، انقلاب اسلامی ایران و رهبری آنرا مورد تهاجم قرار می‌دهند.

زیرلوای دفاع از این "اسلام اشرافیت" ــ به‌اصطلاح بجای رئیس مجلس شورای اسلامی ــ این "اسلام آمریکایی" ــ به‌اصطلاح درستی که پس ازانقلاب اسلامی ایران رایج شده ــ تمام غارتگران، غاصبین و جنایتکاران درکشورهای اسلامی، توده‌های زحمتکش را غارت کرده‌اند و مبارزات حق‌طلبانهٔ آنان را "ضداسلامی"، "غیرشرعی" و "کفرآمیز" خوانده‌اند، همواره با آن اسلامی که توده‌های میلیونی مردم از آن پیروی نموده‌اند و بهمین دلیل دیروز از امام علی و امروز از امام خمینی پشتیبانی کرده‌اند، دربرابرهم وجود داشته و با یکدیگر در جنگی آشتی‌ناپذیر درگیربوده‌اند. پیروزی اسلام "محمدرضاها همواره به‌کشتار مردم انقلابی، ادامه غارت آنها و تسلط فقر و ستم و خفقان انجامیده، و پیروزی اسلام انقلابی، اسلام خمینی، آنگونه که دورنمای آنرا انقلاب اسلامی ایران به توده‌های مردم نموده‌است، به کوتاه شدن دست بزرگ غاصبان و بزرگ غارتگران، اربابان ستم و فقر و اختناق و به تامین استقلال و آزادی و سعادت و رفاه برای توده‌های میلیونی زحمتکش، منجر خواهد گشت.

بهمین‌دلیل است که رادیو اویسی، لوایحی را که اموال غصب شده و غارتی مشتی سرمایه دار فراری را به‌صاحبان اصلی آنها بازمی‌گرداند، جور و ستم هزاران ساله مشتی فئودال را پایان می‌دهد و می‌کوشد تا دست مکندگان خون مردم انقلابی را کوتاه سازد، "ضداسلامی" و "غیرشرعی" می‌خواند. از "اسلام" مورد دفاع اویسی خائن و جلاد و ساواکیهای فراری، جز این انتظار نمی‌رود.

نگرانی و خشم "صدای آزادی!" از تصویب و اجرای لوایح انقلابی ــ که او بیهوده می‌کوشد زیرنقاب دفاع از "اسلام"، آنها را تخطئه کند ــ بعد دیگری هم دارد و آن این است که، تصویب و اجرای این لوایح می‌تواند آنچنان نیروی توده‌ای عظیمی را به پشتیبانی از انقلاب برانگیزد و آنچنان پایه‌های توده‌ای آنرا مستحکم سازد که هیچ نیروی امپریالیستی و ضد انقلابی نیز قادر به فروریختن آن نباشد. به همین دلیل است که اویسی‌ها درست همان زمان که برای "اسلام" "دل‌می‌سوزانند"، با تمام نیرو از قوای اهریمنی امپریالیسم بسرکردگی آمریکا "استمداد" می‌طلبند و آنها را به‌مداخله هرچه سریعتر برای "نجات ایران" از "چنگال کمونیسم" فرامی‌خوانند.

اظهاراتی که از حنجره خونین و کثیف اویسی‌ها بیرون می‌آید، هشداری جدی به مسئولان جمهوری اسلامی ایران است که هرچه سریعتر به آنچه این جنایتکاران را به زوزه کشیدن واداشته است، جامه عمل بپوشانند و با تصویب هرچه سریعتر قوانین و لوایح انقلابی و اجرای آنها، مایه‌های امیدواری اویسی‌ها را نابود و "اسلام" مورد نظر آنها را افشا سازند.

این اظهارات همچنین باید برای آن دسته از مسلمانان ناآگاهی که همچون ابوموسی اشعری‌ها، فریب سالوس عمرعاص‌ها را خورده‌اند و چون آنها ناآگاهانه و ناخواسته از "اسلام" غارتگران مدافعه می‌کنند، آموزنده و هشدار دهنده باشد و آنها را از هم‌نوائی با این دشمنان تشنه بخون انقلاب اسلامی ایران بازدارد.

در نیکاراگوئه چه می‌گذرد؟

چندی پیش روزنامه "**نویس دویچلند**" ،ارگان کمیته مرکزی "حزب سوسیالیست متحد آلمان" مصاحبه‌ای با "**کوماندانته دانیل اورتگا**" ،هم‌آهنگساز شورای دولت وعضو رهبری ملی "جبهه ساندینیستی آزادی‌ملی" ، بعمل آورد ،که متن آن در زیر از نظر خوانندگان میگذرد :

پرسش: باتوجه به‌تشدید حملات ضدانقلابی به‌انقلاب دمکراتیک‌وضد امپریالیستی ساندینیستی ،اوضاع‌کنونی نیکاراگوئه راچگونه‌ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ:انقلاب ما اکنون ازمرحله‌ای دشوار می‌گذرد . درکشورمان نیروهایی هستند که‌قصدشان براندازی حاکمیت انقلابی درنیکاراگوئه است . این‌نیروها راستگرایان افراطی ،گروه‌های بورژوائی وافراطیون چپ را دربر می‌گیرند . اینان مدتهاست که‌می‌کوشند حکومت خلق را زیر علامت سئوال قرار دهندو آنرا دربرخی گستره‌ها ضعیف کنند.

ازسوی دیگر ،باید از ارتجاع بین‌المللی نام ببریم ،که‌تاکنون‌واقعیت حکومت انقلابی مارا به‌رسمیت‌نشناخته است وازگروهک‌های ضدانقلابی در داخل کشور هواداری می‌کند ،که‌می‌خواهند ثبات‌زندگی اجتماعی رابرهم بزنندو شرایط پیش از انقلاب را به نیکاراگوئه بازگردانند .

البته‌خواست آنها یکچیز است و واقعیت چیزی دیگر . درباره حاکمیت انقلابی ،که مردم نیکاراگوئه‌باجانبازی خود پدیدآورده‌اند ،حتی حاضربه‌بحث هم نیستیم . ماحق خود میدانیم که احترام به‌قوانین دولت راطلب کنیم‌ـ قوانینی که انواع مناسبات‌مالکیت و فعالیت احزاب‌گوناگون‌وحقوق دمکراتیک راتضمین می‌نمایند .

پرسش: دولت شما در سپتامبر قوانین اضطراری به‌تصویب‌رساند ، که هدف آنها بویژه حفاظت ازاقتصاد در برابرحملات‌ضد انقلاب‌وتجاوزاقتصادی ازخارج است . نتیجه‌ٔ این اقدامات تا کنون چه‌بوده‌است ؟

پاسخ:همه کس با وضع پیچیده بازارجهانی آشناست . این بحران به ویژه برکشورهای فقیری چون‌نیکاراگوئه اثرمی‌گذارد . علاوه بر این باید از اخلالگریهایی سخن‌گفت ، که‌شما نیز از آنها یادکردید.ما مجبور شدیم بااقدامات فوق‌العاده دربرابر این وضع واکنش نشان‌دهیم . علت آنکه‌توانستیم به این امرمتوسل‌شویم ،پشتیبانی‌خلق‌واعتماد توده‌کارگران‌ودهقانان به‌رهبری‌انقلابی بود .

نخستین‌پیامد قوانین جدید آمادگی بیشتر زحمتکشان برای‌افزایش تولیدوهشیاری دو چندان در برابر کسانی است که قصد اخلال در کار صنعت وکشاورزی‌را دارند (سرمایه‌خود رابه‌خارج انتقال میدهند و یا ازکشت زمین‌خود داری میورزند .)دراین‌زمینه همچنین باید ازاصطلاح "چپ"‌های نام‌برد ،که‌عوامفریبانه به‌طرح‌خواست‌های غیرواقع بینانه ،می‌پردازند و اعتصاباتی راه می‌اندازند ،که به زیان خودزحمتکشان‌است . خلق ما در برابر آن‌بخش از بورژوازی نیکاراگوئه ،که ، به‌جای‌تولید ،به‌مقابله با حاکمیت انقلابی برخاسته است ، قاطعانه ایستادگی خواهد کرد .

این‌قوانین همچنین‌دارای‌سودمندی‌اقتصادی‌است . بزودی خواهیم توانست درپنج‌درصد هزینه‌های‌بودجه پیشین صرفه‌جویی بکنیم .

پرسش: ممکن است درباره‌رئوس اصول سیاست داخلی و خارجی نیکاراگوئه توضیحاتی بدهید ؟

پاسخ: در زمینه سیاست‌داخلی بایدتاکیدکنم که‌دولت انقلابی نیکاراگوئه به‌پشتیبانی خلق اتکای کامل دارد . بنابراین ،بعنوان‌دولتی مردمی ،وظیفه‌داریم که روز بروزدرراه بهبود شرائط‌زندگی‌کارگران‌ودهقانان وتوده‌مردم بکوشیم وجامعه‌ای نوین را درنیکاراگوئه شالوده ریزیم .

مابرای پیشبرد این هدف به پشتیبانی پربار همگان‌نیازمندیم ، کارگران‌باید بدانندکه کاربهتر بسود خودآنهاست ،برای بخش خصوصی نیزبایدانگیزه تولید بارآورتر و به‌سود مردم وجود داشته باشد .

امکانات همکاری‌اقتصادی و سیاسی برای محافل گسترده جامعه‌ٔما بسیار وسیع است . آنها حتی می‌توانند در "شورای‌حکومت"‌که‌نهادی شورایی است ودرباره‌ٔ قوانین‌نیکاراگوئه تصمیم می‌گیرد ، شرکت‌جویند . ما درعین‌آنکه برای همه‌شهروندان‌خود حقوق و آزادی‌های دمکراتیک راکاملا تامین‌میکنیم ،به‌هیچ‌کس‌اجازه براندازی حاکمیت‌انقلابی رانمی دهیم .

در گستره‌ٔ سیاست خارجی ، ما ازمشی‌عدم تعهدپیروی می‌کنیم و خواهان‌برقراری‌نظام‌اقتصادی‌جدید و عادلانه بین‌المللی‌هستیم . موضع ما موضع پیگیر ضدامپریالیستی است . این‌موضعگیری طبعا شامل مناسبات ماباایالات‌متحده آمریکا نیزمی‌شود ، که بزرگترین تاثیر را برتاریخ کشورما داشته‌است . ایالات‌متحده آمریکا نیروی وزینی است ،که درمحاسبات مابه‌آن‌توجه‌می‌شود . اما انقلاب ما نشان‌میدهد که مانیز برای خود احترامی پدید آورده‌ایم .

پرسش:ارزیابی شما ازمناسبات خودباجمهوری‌دمکراتیک‌آلمان‌چیست



کوماندانته‌دانیل‌اورتگا ،هماهنگساز شورای‌دولت‌وعضو رهبری‌ملی‌"جبهه‌ٔ ساندینیستی‌آزادی‌ملی"

پاسخ:مناسبات میان‌نیکاراگوئه وجمهوری دمکراتیک آلمان ودیگر کشورهای جامعه‌سوسیالیستی پس از پیروزی انقلاب ساندینیستی در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ (۲۸تیر ۱۳۵۹)بر پایه‌ٔ همبستگی استوار است ،که در دوران مبارزه علیه‌دیکتاتوری سوموزا پدید آمد . بدینسان ،کاملاطبیعی بودکه‌در همان‌روز پیروزی مناسبات‌دیپلماتیک میان‌نیکاراگوئه وجمهوری دمکراتیک آلمان‌برقرارو روز بروز ژرف‌تر شود . جمهوری دمکراتیک آلمان به‌نوسازی کشورماکمک معنوی ،سیاسی و مادی میکند . مردم و دولت‌نیکاراگوئه از همبستگی وکمک‌های بیدریغ جمهوری دمکراتیک آلمان‌عمیقا سپاسگزارند .



برای‌نخستین‌بارپس‌ازآزادی نیکاراگوئه ،ازکودکان یتیم نگهداری‌میشود .

امپریالیسم خبری

اهریمن هزار زبان گمراه سازی

بسود غارتگران وستمگران اجتماعی

یکی ازاصطلاحات بامحتوای روزنامه‌نگارانه ،که‌بویژه‌درسالهای‌اخیر مرسوم شده و درمطبوعات کشور ما هم بکارمی‌رود ،اصطلاح‌**امپریالیسم خبری** است .

مقصد از این اصطلاح آنست که رسانه‌های گروهی سمعی‌وبصری (البته‌با افزودن "مطبوعات") که در اختیار سرمایه‌داری امپریالیستی قرار دارند و به آخرین‌وسایل فنی و کادردرجه اول تبلیغاتی مجهزند ، شب و روزدرکارند ، تا ثابت کنند که جهان‌ضدامپریالیستی (اعم‌ازسوسیالیست‌یاغیرسوسیالیست) متجاوز ، تروریست ، خشن ، متعصب و کوته‌بین‌است و با ناسپاسی علیه‌ولی‌نعمت "متمدن" غربی خود برخاسته است .

"خطرکمونیسم" ، "خطرنیمکره‌ٔ جنوبی" ،مهمترین خطرهائی‌است که "فرهنگ پر فروغ غرب ودمکراسی را تهدید می‌کند" ! این محتوی با اشکال بسیارمتنوع و فریبنده تکرارمیگردد .

از انصاف نبایدگذشت ، مبلغان امپریالیستی کار خود را از جهت تبلیغی بدانجام نمی‌دهندو دروغهای بیشرمانه خود را ، تاآنجا که‌می‌توانند خوب در جهان پخش والقاء می‌کنند و آنرادربسته‌بندیهای گاه جذابی عرضه می‌کنند .

کارشناسان تبلیغات‌درکشورهای امپریالیستی (اعم‌ازجامعه‌شناس و روان‌شناس) دستورعملها وتوصیه های عملی‌فراوانی‌تدارک‌دیده‌اند ،که‌دزصدها کتاب گرد آمده‌است . این کتابها رادرکتابخانه‌هامی‌فروشند . بعضی شیوه‌های پلیدنیزهست که از اسراراست‌و درکشوهای سری نگاه‌می‌دارند .

مانمی‌خواهیم خواننده رابادکر ارقام واسامی ملول سازیم . "آنجاکه عیان است ، چه حاجت به بیان‌است" . ازموقعی که انقلاب درایران‌پیروز شد ، کشورهای‌امپریالیستی یک‌سلسله‌ایستگاه‌های رادیویی در اختیار دارو دسته‌های‌ضدانقلابی‌ایرانی‌مقیم‌خارج گذاشتند که با طرز مبتذل‌وناشیانه‌ای "دروغهای بزرگ "گوبلزی می‌گویند و درعین‌حال‌برنامه‌های‌فارسی مخصوص خود را نیز بسط داده‌اند .

انقلاب علمی‌وفنی عصرما ، سیاره‌ما رابسیار بهم نزدیک ساخته است . وسائل ارتباط واطلاع ماوراء مدرن ، که تمام‌سطح کره رامی‌پوشاند . دیگرمسئله عادی‌است . هم اکنون تلویزیون‌رنگین جهانی ،عکسبرداری‌وخبررسانی دائمی ازماهواره‌ها در فضا ،استفاده وسیع از سلاید ،کاست و ویدئو ،تلکس کمپیوتر و غیره امری رایج است . هررویدادی ، درهرنقطه‌ٔجهان ،تقریبابلافاصله‌در رسانه‌ها بازتاب می‌یابد و مفسران رسانه‌های گروهی‌امپریالیستی‌آنرا در مقطع دلبخواه خودشان تفسیر می‌کنند.

امپریالیسم‌از غرائز جانورانه : شهوت ، حماقت ، طمع ،سادیسم‌وآزار ـ دوستی ،کشش بسوی پول و ثروت ، تبدیل سیاست‌و علم‌به ماجراهای هیجان‌انگیز وافسانه‌های بی‌معنی ، جعل خبر و ضدخبر (دزن‌فرماسیون) و غیره حداکثر استفاده رامی‌کندوراهش راخوب بلد است ومشتریان خود را با علاقه به این نوع شیوه‌ها بارمی‌آورد و مایل است آنهاسطحی باشندوآسان‌در دام بیفتند .

طی‌قریب سه سالی که ازانقلاب مامی‌گذرد ، امپریالیسم‌خبری ده‌ها مرتبه تاریخ و روز معین کرد که درآن روز جمهوری اسلامی ایران‌سرنگون خواهد شد !

رضاپهلوی و بختیار بارها وعده دادندکه بزودی برمی‌گردند وچنین و چنان میکنند . "تسخیراحمق" و تاثیر در اذهان خوشباور از شگرد های امپریالیسم خبری است .

امپریالیسم خبری روی‌مبتذل‌ترین خصلت‌ها : نادانی ،بی‌خبری ، ساده‌بینی ،خوشباوری ،خواست‌اندیشی ، شیرک کردن و به میدان فرستادن ، استفاده‌می‌کند . برایش مهم نیست که درنتیجه‌ٔ این روش تبهکارانه‌اش ، افرادی که طعمه قرارمی‌گیرند ، دچار چه سرنوشتی شوند . برایش مهم نیست که‌دروغش فاش میشود . روزدیگردروغ را به نحو دیگری تکرار می‌کند . با تردستی حقه‌بازان حرفه‌ای ، انسانهارا بازیچه‌خویش میسازد . واژه "استحمار" که‌ساخته‌اند ،درباره امپریالیسم خبری کاملا صادق است .

روشنفکران صهیونیست در رسانه‌های گروهی‌نقش مهمی دارند . قدرت اقتصادی صهیونیست‌ها ،بویژه درآمریکا ، کارپول ریختن بپای این روشنفکران خود فروخته را مانند "آب خوردن" سهل و ساده می‌کنداین روشنفکران خود فروخته (مثلا مانند داریوش همایون و امیرطاهری و تورج فرازمند وطنی‌خودمان‌دررژیم‌گذشته) سفسطه ،هوش ، جاذبه ، فصاحت ، اطلاع و عوام‌فریبی خودرادراختیار "ارباب" قرارمی‌دهند .

کالاهای تبلیغاتی که‌امپریالیسم خبری درکارخانه عظیم خود تدارک می‌بیند ،بسیار رنگارنگ است . ازشایعه‌سازی مبتذل برای افرادبی‌اطلاع و بی‌خبر از همه جا ، تاکتابهای‌ضخیم "تئوریک" مملو از اصطلاحات کاملا "مدرن" یونانی ـ لاتینی واندیشه‌های "ژرف اندیشانه" تاکنفرانس های "علمی" و "فلسفی" در رسانه‌هاوتالارهای محلل دانشگاه‌های پرآوازه .

واژه "ژرف اندیشی" در سده‌ٔ نوزدهم در آلمان و روسیه متداول‌شد و منظور از این واژه طنزآمیز ژرف‌اندیشی بمعنای جدی این‌کلمه نیست ، بلکه سرهم بندی‌مطالب تجریدی و به ظاهربسیار علمی وفلسفی بانیت های آگاهانه کاملا معین است .

"ژرف اندیش" برای شما فاکت میآورد و دروغ هم نمی‌گوید . ولی آن فاکتی رامی‌آورد که دلبخواه اوست . حتی تامرز سه چهارم حقیقت‌هم‌پیش می‌رود ، تا یک‌چهارم زهر خالص (۱۰۰% خالص) دروغ را جابزندو او بلد است که چگونه جا بزند که شما حس نکنید وخود را سراپا با"علم و صداقت"روبرو بیانگارید !

مادرایران‌نمونه‌های وطنیش را داشتیم و داریم . شاه‌ملعون و زنش گروه "اندیشمندان دانشگاهی" ،راگرد می‌آوردند ،تادرباره "دیالکتیک‌دورنگر" شاهنشاهی (!) تصمیم‌بگیرند .

دانشگاه‌های آمریکا و اروپای غربی صدها والت‌رستو ،برژینسکی ، پوپر ، کیسینجر ،ریمون‌آرون‌دراختیار دارند . "حلقه‌ٔ وین" و "حوزه‌ٔ فرانکفورت" ومحافل رنگارنگ فلسفی راه می‌اندازند تا آنچیزی را ثابت کنند که بسود "ارباب" است .

برخی‌از آنها حتی نقاد و انقلابی‌وبیطرف ومستقل‌هم می‌شوند ! پس چه خیال کردید ؟!ولی درلابلای همه اینها "خط" ضدانقلابی‌ومحافظه‌کارانه‌ٔ موذیانه‌ٔخودرا جای می‌دهند . حداقلش آنست که شما راگیج می‌کنند و باور به حقیقت ، ایمان به مبارزه را در شما متزلزل می‌سازند ،به طوریکه‌خودبگوئید"همه‌اشرکلک‌است" .

ولی مگر این دروغ است که فئودالها وسرمایه‌داران از ثمره‌ٔ کار کارگر و دهقان ثروت می‌اندوزند و آنها را استثمار می‌کنند ؟

مگر این دروغ است که درجامعه‌های طبقاتی اکثریت کوخ‌نشین و مستضعف و پابرهنه ، زحمت می‌کشدو چیزی ندارد و اقلیت کاخ نشین و مستکبر و متفرعن ، شته‌وارازاین‌درخت تناور تغذیه می‌کند؟

مگر استعمار دروغ است ؟

مگر آسیا وآفریقا وآمریکای‌لاتین بوسیله کشورهای امپریالیستی‌چاپیده نمی‌شوند؟

مگر تبعیض نژادی و جنسی‌دروغ است؟

مگر این دروغ است که آمریکادر جهان دوهزارپایگاه وپانصدهزارارتش دارد وتا۱۹۸۵ برابر باهزاروپانصد میلیارد دلار خرج تسلیحات می‌کند؟ وووو....

ولی‌امپریالیسم خبری برای شما با اطمینان ثابت می‌کند که بله ،البته که‌همه‌اینها دروغ است . خطر تنها از سوی امام خمینی ،سرهنگ‌قذافی ، فیدل کاسترو ،ساندینیست های نیکاراگوئه ،سیاهان آنگولا وامثال‌آنها است که جهان را تهدیدمی‌کند ، ولی آقای ریگان‌مملوازعواطف و احساسات بسیار رقیق ومسیحانه صلح‌دوستی است ودوستان‌ایشان امثال پینوشه ، ملک خالد ،ضیاءالحق ،سلطان‌قابوس، ملک حسن ،بگین ، جعفرنمیری ، و امثالهم همه نمایندگان پاکوپاکیزه‌ٔ تمدن شیک ومعطر غربی‌هستند !

این را رسانه‌های گروهی امپریالیستی به شما **ثابت می‌کنند** .

چگونه بایدمردم جهان رااز‌این خطر ، از این سم مهلک ، که "امپریالیسم‌خبری" نام داردوهزارها روزنامه و مجله وکتاب شیک و خوش چاپ باعکسهای هیجان‌انگیز دردهها میلیون نسخه‌نشرمی‌دهدو صدایش به همه زبانها ، از قطب تا قطب منعکس است ، برحذر داشت؟

باید فریاد برآورد : مردم ! از این اهریمن مکار دروغ پرهیز کنید ! عقل ومنطق خود را بکاربرید ! سعی کنید از **حقایق اجتماعی** سردربیاورید، دنبال شایعه وهیجان نروید !

تفسیر وقایع مهم جهان

جولان نه، ایران!

درهمانحال که غاصبان اسرائیلی اعلام کردند که ارتفاعات جولان را بعنوان ملک پدری خودشان تصاحب کرده اندوبه هیچ روی آنرا به صاحبان اصلیش پس نخواهند داد، شیخان و شاهان مرتجع عرب درمنامه گردآمدند، تابهانه رویاروئی باخطری که گویا از جانب ایران استقلالشان را (کدام استقلال؟) تهدید میکند، "تدابیر فوق العاده امنیتی" اتخاذ کنند.

کنفرانس منامه چهره سران مرتجع عرب رابار دیگر چون آینه نشان داد. نماینده عربستان سعودی درکنفرانس، به نیابت از شیطان بزرگ، آمریکا ازکشورهای عضو "شورای همکاری خلیج فارس" (عمان، قطر، امارات متحده عربی، کویت، بحرین) خواست که جبهه متحدی برضد جمهوری اسلامی ایران (بگفته او "تروریسم در منطقه خلیج فارس"!) تشکیل دهند. عربستان سعودی اصطلاح "تروریسم" را نیز از فرهنگ شیطان بزرگ ـ امریکا بعاریت گرفته است. ریگان ودارودسته اش هرجنبش انقلابی هرکشور انقلابی هرشخصیت انقلابی را باکلماتی ازقبیل "تروریسم" "تروریست" وغیره توصیف وبدینسان توطئه ها و دسایس خودرا علیه آنان توجیه میکنند. چنین است که رژیم لیبی برای آنان یک رژیم "تروریستی" است وکوباونیکاراگوئه، نیز کسانی چون قذافی وکاسترو "تروریست"!

توطئه ایکه شاهان وشیخان مرتجع عرب زیر پرده "مبارزه باتروریسم درمنطقه" طرح ریزی کرده اند، جزئی تفکیک ناپذیر از سیاست امپریالیسم امریکا درخلیج فارس است، که ازفروش آواکس به عربستان سعودی گرفته، تامانور "ستاره درخشان" وایجاد پایگاه های نظامی وفرودگاه ها وغیره را شامل میگردد و لبه تیز همه آنها نیز متوجه جنبشهای انقلابی منطقه وقبل از همه انقلاب ایران وافغانستان وپیشگیری ازتحولات انقلابی درعراق است.

سران مرتجع عرب بی پرده به کمک حامیان امریکائی خود برخاسته اند. سخنان نایف بن ـ عبدالعزیز وزیر کشور عربستان سعودی و شیخ محمد آل خلیفه وزیر کشوربحرین، هنگام امضای قرارداد امنیتی، نشان میدهدکه امپریالیست ـ های امریکائی، بااحتساب تحولاتی که اخیرا " درجبهه جنگ تحمیلی عراق به سود ایران روی میدهد، تصمیم گرفته اندکه جبهه تازه ای علیه انقلاب اسلامی ایران بگشایند وبخشی از نیروهای مارابرای رهانیدن عراق از شکست نهائی به سوی این جبهه جلب کنند. اگر دراین جبهه، رویاروئی نظامی نیزصورت نگیرد، ناگزیرقسمتی ازنیروهای مارا به سوی خودخواهدکشاند، که خود کمک مستقیم به عراق است.

نایف بن عبدالعزیز درحالیکه بی شرمانه ایران رابه داشتن گرایشهای سلطه جویانه رژیم شاهنشاهی (ژاندارمی خلیج فارس) متهم میکرد، اعلام داشت که عربستان سعودی هراقدام ایران علیه کشورهای خلیج را حرکتی علیه امنیت خود تلقی خواهدکرد! وی سپس در یک کنفرانس مطبوعاتی درپایتخت بحرین گفت که گویا ایران علیه تمام کشورهای حوزه خلیج، ازعمان تاکویت توطئه بزرگی تدارک دیده است! بدینسان عربستان سعودی با طرح یک سلسله دروغهای بی اساس، جنگ مخفی خود با جمهوری اسلامی ایران رابه رویاروئی آشکار با انقلاب اسلامی ایران مبدل میکند.

بدنبال سخنان نایف بن عبدالعزیز، صدای آمریکا اطلاع دادکه به پیشنهاد بحرین یک نیروی ضربتی در خلیج فارس تشکیل خواهد شد، تادرصورت بروزخطری برای یکی ازکشور ـ های منطقه، به یاری آن کشور بشتابد. این نیروی ضربتی شاخه محلی "سپاه واکنش سریع آمریکا" خواهدبود و وظیفه اصلی آن نیز، علاوه بررویا ـ روئی باانقلاب اسلامی ایران، سرکوب جنبش ـ های انقلابی درهریک ازکشورهای منطقه (ازجمله عراق، در صورت بروزتحولات انقلابی) خواهد بود.

آری، برای شیوخ وملوک مرتجع عرب ایران انقلابی ازصهیونیست های غاصب جولان خطر ـ ناکتر است. نیروی ضربتی را زیر چتر آواکس ـ های امریکائی، برای سرکوب جنبشهای انقلابی منطقه تشکیل میدهند، اماسوریه را در برابر اسرائیل غاصب تنها میگذارندودرچنین حالتی چرااسرائیل جولان رانبلعد؟

بود بنده نازنین مشت زن!

حملات لفظی سران اسرائیل به دولت آمریکا و لغو یکجانبه پیمان استراتژیک اسرائیل وامریکا دربرابر "تعلیق "آن از سوی دولت ریگان، که البته به گفته سران هردوکشور "تاثیری در روابط حسنه "اسرائیل وامریکانخواهد داشت (!) نشانه آنست که بگین و دارو دسته اش به اهمیت مقام اسرائیل در استراتژی آمریکا بخوبی واقفند ومیدانند که تعلق خاطر امپریالیسم یانکی به یاراسرائیلی اش بیشترازآنست که با این درشتخوئی ها رشته محبت را بگسلد. منافع صهیونیسم جهانی در هیچجا از منافع امپریالیسم جدانیست ودرچارچوب این روابط است که امپریالیسم امریکا درشت گوئی بنده نازنین خودرا می پذیرد. امادرپشت پرده روابط حسنه ترازآنست که با این حرف ها درآن خدشه ای واردشود. خودسری اسرائیل نیز در چارچوب همین روابط شکل میگیرد. اسرائیل خودسرانه هیچ تصمیم مهمی رااتخاذ نمیکند. درمورد جولان نیز چنین است شارون وزیر دفاع اسرائیل صریحا اعلام کردکه تصمیم اسرائیل را درمورد الحاق بلندیهای جولان به خاک اسرائیل قبلا به اطلاع دولت امریکا رسانده شده است! و دراینجاست که چهره پلید و منافقانه امپریالیسم امریکا وعیار مانورها یش درشورای امنیت و در برابر محافل اجتماعی جهان وبه ویژه درقبال اعراب آشکار میگردد.



عین همین صحنه سازی در مورد بمباران تاسیسات اتمی عراق به وسیله هواپیماهای اسرائیلی انجام گرفت. پس از این بمباران، دولت امریکا اعلام کرد که تحویل ۲۲ فروند هواپیمای "اف ـ ۱۶" به اسرائیل را "باقیمانده از ۷۵ فروندی که بایست تحویل میداد و ۵۳ فروند آنرا تحویل داده بود واسرائیلی ها از همین هواپیماها برای بمباران وحشیانه برلبنان استفاده میکنند) به دلیل این عمل اسرائیل متوقف می کند! خیمه شب بازی طوری تنظیم شده بود که گویا امریکائی ها از این عمل اسرائیل قبلا اطلاع نداشته اند اولی چیزی نگذشت که پته ها روی آب ریخته شد. معلوم گشت که نه تنها آمریکائی ها از این تصمیم اسرائیل از پیش مطلع بودند، بلکه به نوشته روزنامه "السفیر" چاپ لبنان، حمله به عراق ازسوی سازمان های جاسوسی امریکا واسرائیل، آنهم به منظور بهره ـ برداری سیاسی ازآن در جنگ عراق وایران تهیه دیده شده بود و آواکسهای آمریکائی با خدمه امریکائی، که درعربستان سعودی مستقرند هواپیماهای اسرائیلی را راهنمائی میکرده اند.

پیوندامپریالیسم، صهیونیسم وارتجاع عرب محکمتر ازآنست که به روی یکدیگر پنجه بزنند. سخنگویان آنان هرچه بگویند، دراصل مطلب که اشتراک منافع آنان در رویاروئی با جنبش های انقلابی درجهان و منطقه است، تاثیری نخواهد داشت. انقلاب یک روند جهانی است وضدانقلاب نیز. وبه هرکجا نظر افکنیم، صحنه هائی ازاین رویائی رادر برابر حشم خود می بینیم.

شال عزا برگردن ریگان

ریگان و دارودسته اش، سرویس های جاسوسی امپریالیستی، بانکداران وانحصاراتی که برای بلعیدن لهستان سالها برنامه ریزی کرده بودند، اکنون ماتم گرفته اند. آرزوهای خام آنان برای بازگرداندن لهستان به دنیای سرمایه داری ویالااقل دورکردن آن از متحدان سوسیالیستی ـ اش، بایک ضربت قاطع بر بادرفت.

اوضاع لهستان به سرعت بحال عادی بازمی ـ گردد. وزارت کشور لهستان اعلام کرد که ۹۵ درصد کارخانه ها و موسسات صنعتی کار عادی خود را از سرگرفته اند. در ۴۳ استان کشور آرامش کامل برقرار است و تنها در ۵ استان که گاه گروه ـ هائی از آشوب گران دست به تظاهرات ضد دولتی میزنند، که با مداخله نیروهای انتظامی، بدون هیچ خونریزی، پایان می یابد. استخراج ذغال سنگ، یکی ازمهمترین رشته های اقتصادی لهستان، به سطح منظور در برنامه رسیده است. فریب خوردگان وگمراهان، آهسته آهسته درک میکنندکه کشورشان از چه خطرعظیمی نجات یافته است. اسناد ومدارکی که ارتباط جناح توطئه گر "اتحادیه همبستگی" را با سرویسهای جاسوسی امپریالیستی نشان میدهدودرمراکزاین اتحادیه کشف شده است، درتلویزیون ورشوبه تماشاگذارده شد.

ارتش مردمی لهستان، که از اعماق توده ـ های مردم برخاسته و با آنها پیوند ناگسستنی دارد، نقش عظیمی درخنثی کردن توطئه های ضد ـ انقلاب ایفا میکند. توطئه بطورکلی درهم شکسته شده است. اما ضدانقلابیون، طبق معمول، به سادگی از هدف های خود دست بردارنیستند، به ویژه آنکه ازهمدستان خوددر خارج کمک فراوان گرفته اند. دولت لهستان اعلام کردکه به محض رفع خطر حکومت نظامی، که طبق اصل ۳۳ قانون اساسی لهستان در کشوربرقرار شده است، جای خودرا به ارگان های دموکراتیک دولتی خواهد داد. هم اکنون برخی ازاین ارگان ها به کاررسمی خود آغاز نموده اند. کمیسیون های مجلس ملی (به لهستانی "سیم") وظایف عادی خودرا از سر گرفته اند. کمیسیون بودجه ودارائی برنامه اقتصادی سال آینده را از نظر میگذرانند.

بااینهمه مدت نسبتازیادی لازم است که زخم لهستان التیام پیدا کند. سنگی را که یک دیوانه در چاه می افکند، چهل عاقل نمی توانند به سادگی از چاه بیرون بیاورند. دیوانگان ضد ـ انقلابی طی یکسال و چند ماه اخیر سنگ های بسیاری راکه امپریالیسم امریکا بدست آنها داده بود، به چاه افکنده اند. هنوز هم دولت های امپریالیستی از دادن سنگ به دست مزدوران داخلی خود دست برنداشته اند.

باآنکه روشن بین ترین سیاستمداران غرب به بی حاصلی ماجراجوئی خود وشکستشان در لهستان پی برده اند، سرسخت ترین آنها و در راسشان دارو دسته ریگان حاضر نیستند به این سادگی دست از سرلهستان بردارند. ریگان پی درپی نطق و مصاحبه میکند و از ضربه ای که بر "دمکراسی نوپای!" لهستان وارد شده است، نوحه سرمیدهد. وی تهدید میکند که اگر حکومت نظامی درلهستان باقی بماند، آن کشور را در معرض "مجازات های اقتصادی وسیاسی" قرارخواهدداد!

استهزای تاریخ رابنگرید! دولت امریکا به برقراری حکومت نظامی در یک کشور جهان که طبق قانون اساسی آن کشوروبرای دفاع از نظام مردمی وقانونی آن کشور انجام گرفته ـ اعتراض میکند وحال آنکه تمام دیکتاتوریهای خونین نظامی جهان در نیم قرن اخیر برای سرکوب خلق ها وجنبش های انقلابی، همه و همه بطفیل پشتیبانی امریکا به وجود آمده وزیسته اند. هم ـ اکنون دودیکتاتوری خونین نظامی درهمسایگی ایران، در ترکیه وپاکستان وجود دارند، که هردوازنزدیکترین دوستان آمریکا به شمار می روند. درهمانحال که ریگان دولت مردمی لهستان رابه "مجازات های اقتصادی وسیاسی" تهدید میکند، سرگرم بررسی افزایش کمک همه ـ جانبه به این دورژیم نظامی ضدانقلابی است. از رژیم های دیکتاتوری خونخوار درآمریکای لاتین حرفی نمیزنیم.

روشن است که آنچه امپریالیسم آمریکا رابه تهدید وارعاب نسبت به جمهوری سوسیالیستی لهستان ودوستی ومدارا با "اورن" و "ضیاءالحق" وادارمیسازد، موضع گیری آنان در مسائل اساسی دنیای کنونی است: صلح یاجنگ، استقلال یا وابستگی، آزادی یا اسارت، عدالت اجتماعی یا غارت، سرمایه داری یا سوسیالیسم.

اکنون که بزرگترین رویاروبی بین دنیای سرمایه داری وسوسیالیسم در سال های اخیر، یکی در قلب آسیا (افغانستان) و دیگری در قلب اروپا (لهستان) باشکست مفتضحانه جهان امپریالیسم در شرف پایان است، دستگاه دروغ ـ پردازی "امپریالیسم خبری" با شدت هرچه بیشتر به حرکت درآمده است، تا ماهیت حوادثی را که دراین دونقطه جهان گذشته ومیگذرد تحریف کند.

حجت الاسلام معادیخواه وزیرارشاد اسلامی دریکی ازسخنرانی های خود گفت که امپریالیسم بدون دروغ نمیتواند به حیات خود ادامه دهد. ما به این سخن پرارج می افزائیم که همچنین بدون پذیرندگان این دروغ. اگر روزی فرا رسد که تمام مردم جهان تاآن حد آگاهی سیاسی یافته باشند که دیگر تسخیر احمق ممکن نباشد، فاتحه امپریالیسم را باید خوانده دانست.

در کشور ما، در دوران پس از انقلاب، رشدآگاهی سیاسی مردم پیوسته سیر صعودی داشته است. شاید اکنون پذیرندگان دروغ ـ های امپریالیستی درمیهن انقلابی ما ازبسیاری ازکشورهای جهان غیرسوسیالیستی به نسبت کمتر باشدوبهمین دلیل نیز کسانی که می خواهند دروغ های امپریالیستی را به حلق مردم ما فرو کنند، روز بروز با دشواری های بیشتری روبرو میشوند. بی اعتمادی مردم ما به آنچه خبرگزاری ـ های امپریالیستی پخش میکنند، ازتجربه های خودشان در دوران انقلاب سر چشمه میگیرد. شعار "مرگ بر آمریکا" شعار "مرگ بردروغ پراکنی امپریالیسم امریکا" نیز هست.

باکمال تاسف باید گفت که برخی ازدست ـ اندرکاران مطبوعات ماهنوز به حیله گری های "امپریالیسم خبری" عمیقا پی نبرده اند و حتی تحلیل ها واستدلالات خودرا بر پایه همین دروغ ها میریزند. چگونه است که مااخبار خود لهستان را نباید باور کنیم؟ چرا باید دروغ ـ های آسوشیتدپرس، فرانس پرس، رویتر و... را بجای سکه نقد بپذیریم؟ چرا باید باپذیرفتن این دروغ ها ناخواسته عمرامپریالیسم را درازترکنیم؟ چرا باید باپذیرفتن دروغ های امپریالیستی قلب ریگان را، که حتی دوستان اروپائیش اورا تنها گذارده اند تسلی دهیم؟

بگذاریم امپریالیسم آمریکا درماتم خود تنها بماند!

مجلس شورای اسلامی در هفته ای که گذشت:

برای احقاق حق محرومان و تهیدستان به اندازهٔ کافی کار نکرده ایم

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۳ جلسه علنی داشت. در این جلسات چند طرح و لایحه و از جمله "طرح توزیع عادلانه آب" به تصویب نمایندگان رسید. همچنین رئیس مجلس دربارهٔ اجرای مصوبات مجلس به دولت تذکر داد و خواستار عدم تعلل در این امر شد. نمایندهٔ قوچان درمورد لزوم رسیدگی به مشکلات وخواستهای محرومان و مستضعفان جامعه سخن گفت و عدهٔ زیادی از نمایندگان طی نامه ای اقدام تجاوزکارانه وبی شرمانه اسرائیل درغصب بلندی های جولان را به شدت محکوم کردند.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی درهفته گذشته روز یکشنبه ۲۹ آذر تشکیل شد. **محمد اسمعیل شوشتری** نماینده **قوچان**، یکی از ناطقین قبل از دستور این جلسه، طی سخنانی توطئه ـ های امپریالیسم آمریکا برای نابودی انقلاب اسلامی ایران را تشریح کرد و از جمله گفت:

"در عصر ما شیطان بزرگ آمریکا و امپریالیسم جهانی علیه انقلاب اسلامی ما با همهٔ ترفندها از هیچگونه توطئه فروگذار نکرده اند. اما در این میان ملت قهرمان ایران برهمه این توطئه ها فائق آمد، که دراین میان سهم بسزائی طبقهٔ محروم کشورمان دارند، زیرا در هر شرایطی این طبقه مستضعف هستند که به فرمان امام هرچه دارند در طبق اخلاص نهاده و به میدان آمده اند واین حقیقت را درمیان رزمنده های عزیز در جبهه های جنگ میتوان دید و اینجاست که باید به دولت تذکر دهم که ما در برابر این طبقه محروم وتهیدست، که اینگونه ایثار نشان میدهند، مرهون آنها هستیم. گرچه برای این طبقه، کار فراوان شده است ولی تا آنجا که حق آنهاست، حق این طبقه را انجام نداده ایم."

تذکر مهم مجلس به دولت

در پایان سخنان قبل از دستور، **حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی** رئیس مجلس شورای اسلامی، طی سخنانی به تاخیر در اجرای مصوبات مجلس توسط دولت وارگان های اجرائی اشاره کرد واز جمله گفت:

"اینگونه تاخیر ها درشان دولت جمهوری اسلامی ومجلس شورای اسلامی نیست، که قانونی بگذرد و به آن توجهی نشود."

رئیس مجلس آنگاه به برخی از موارد تاخیر اشاره کرد واز جملهٔ آنان "عدم روشن کردن وضع شرکت ها وکارخانجات تحت عملکرد بنیاد مستضعفان ظرف ۶ماه"، "عدم تنظیم قانون هزینه های درمانی وبهداشتی"، "عدم تنظیم لایحه مربوط به اجرای اصل ۴۹"، "عدم تنظیم طرحی برای هیئت های منصفه و دادگاه های متهمین سیاسی مربوط به قانون فعالیت احزاب از سوی شورای عالی قضایی" را برشمرد.

رئیس مجلس افزود: "ما خواهش میکنیم که مسئولین این تذکر را جدی تلقی کنند وبه مصوبات مجلس احترام بگذارند، تا ما مجبور نشویم تندتر از این اجرای مصوبات مجلس را از آنها بخواهیم".

رئیس مجلس در پایان بار دیگر تاکید کرد. "این تذکر، به عنوان تذکر جدی ونهایی است که به دولت میدهیم تاهرچه زودتر تکلیف امثال اینگونه موارد را روشن کرده وبه ما اطلاع دهد."

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا گزارش کار کمیسیون اصل ۹۰ برای اطلاع نمایندگان مجلس قرائت شد. سپس لوایح "تجدید نظر درقیمت واحد بهای مواد غذائی واحدهای ارتش جمهوری اسلامی ایران"، "الحاق یک بند به لایحه تعیین تکلیف کارکنان دربار سابق" ونیز "حذف شهرستان گرمسار از ردیف شهرستانهای مندرج در اصلاحیه تبصره ۲ ماده واحده قانون اعطای اعتبار برای اجرای قانون تربیت معلم وتربیت عمومی" پس از بحث وبررسی نمایندگان با مختصر تغییراتی بتصویب رسیدند آنگاه گزارش شور دوم "لایحه اجازه استخدام متخصصین پزشکی وپیراپزشکی خارجی" قرائت شد و مورد بحث قرار گرفت. طبق این لایحه متخصصین پزشکی خارجی با در نظرگرفتن "اولویت اسلام" و طبق نظر هیئت ۳ نفره متشکل از نمایندگان وزارتخانه های "بهداری، خارجه وعلوم وآموزش عالی" به مدت ۲ سال به استخدام دولت درمی آیند. سپس اشکالی که "شورای نگهبان" به "لایحه اجازهٔ استخدام حقوقدانان خارجی برای اجرای بیانیهٔ الجزایر و دفاع از حقوق ملت ایران گرفته بود، به بحث گذاشته شد وبا اصلاح جزئی در این لایحه، مجددا مورد تصویب قرار گرفت.

محکوم کردن تجاوز اسرائیل

در پایان این جلسه نامه عدهٔ زیادی از نمایندگان در محکوم کردن اقدام "جنایتکارانه وغاصبانه پارلمان اسرائیل" درمورد الحاق بلندی های جولان به قلمرو این کشور قرائت شد. در این نامه نمایندگان این اقدام را "راهزنی بی شرمانه" توصیف کردند و از رئیس مجلس خواستار شدند که از اتحادیهٔ بین المجالس بخواهد که پارلمان اسرائیل را از این اتحادیه اخراج کنند.

جلسه علنی بعدی مجلس روز سه شنبه اول دی تشکیل شد. درسخنان قبل از دستور این جلسه، **حسین نیا** نماینده **رودسر** طی سخنانی خطاب به مسئولان وگردانندگان امور کشور گفت:

"مبادا روزی که به عناصر وابسته رژیم منحوس و معدوم دل بسوزانید و افسون افسونگران شیطان کارگر بیفتد که گهگاه از بیان برادران درلباس درهم ـ ریختگی کشور وعدم تامین شغلی و غیره چنین ابهام می شود".

وی متذکر شد که: "سرمایه داران وابسته خائن وفئودال های فاسد مخالف "اسلام، روحانیت شیعه، امام و رهبر انقلاب" هستند.

موسوی تبریزی نماینده مردم **تبریز** نیز طی سخنانی خطاب به مسئولان کشور، به فرمان مهم **امام خمینی** درارتباط با "متخلفین و قانون شکنان" اشاره کرد و گفت:

"من به اولیاء امور تذکر میدهم که این فرمان را دربوروکراسی وکاغذ بازی درنیاورید. واقعا آنها که مسئول نیستند ودرکاری که دارند، منشاء اثری نیستند. اینها را اولیاء امور جدا تعقیب کنند شما نمیدانید این قانون شکنان، این متخلفین، آنهایی که حقشان نبود در کارها دخالت کنند، چه اوضاعی بر سر مملکتمان آورده اند.

> * رئیس مجلس: خواهش می کنیم مسئولان به مصوبات مجلس احترام بگذارند، تا مجبور نشویم تندتر از این اجرای آنها را بخواهیم.
> * نمایندهٔ تبریز: مسئولان باید جدی تر با پیام امام درمورد مجازات قانون شکنان برخورد کنند.
> * عده زیادی از نمایندگان درارتباط با اقدام تجاوزکارانه اخیر اسرائیل خواستار اخراج پارلمان اسرائیل از اتحادیهٔ بین المجالس شدند.

وی در پایان بار دیگر از مسئولان خواست که با این فرمان امام "جدی برخورد کنند" و درارتباط با آن "جدی کارکنند".

آنگاه مجلس وارد دستور شد و "لایحه تعیین حقوق قائم مقام وزیر" مورد بحث قرارگرفت. وپس از رای گیری رد شد. وزیر نفت طی سخنانی مشکلات پرسنلی وفنی این وزارتخانه و برنامه ـ های آتی آن را تشریح کرد. وی از جمله به تصمیم وزارت نفت در توزیع وسیع و گسترده گاز به تمامی نقاط کشور اشاره کرد و بر ادامه مبارزه برضد سیاست های استعماری امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکا، در سطح جهان تاکید کرد. وزیر نفت متذکر شد که در اوپک ایران به همراه لیبی در "راس پیکان مبارزه علیه امریکا" قرار دارند.

دستور بعدی مجلس، "طرح توزیع عادلانه آب" بود. کلیات این طرح پس از سخنان نمایندگان موافق ومخالف و توضیحات وزیر نیرو، به تصویب نمایندگان رسید. سپس تفسیر یکی از بندهای لایحه مربوط به "بنیاد امور جنگزدگان" ازسوی کمیسیون امور داخلی طرح شد و پس از بحث به تصویب رسید. درپایان جلسه لایحه مربوط به "شرایط انتخاب قضات" درشور دوم مورد بررسی قرارگرفت.

جلسهٔ علنی بعدی مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۲ دی تشکیل شد. درسخنان قبل از دستور این جلسه، **هاتفی** نماینده **قروه** طی سخنانی دربارهٔ توطئه های امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی ایران، به فعالیت های جاسوسی، حملهٔ نظامی مستقیم وغیرمستقیم، ترور وکشتار مردم ورهبران، ساختن مهره ها، پناه دادن به جنایتکاران"، تبلیغات ضدانقلابی و... اشاره کرد.

پس از سخنان قبل از دستور، **حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی** رئیس مجلس ترور استکی نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی ونیز فرماندار شهرکرد بدست عوامل ضدانقلاب را به شدت محکوم کرد وگفت:

"پیداست که ضدانقلاب باهدایت دشمنان خارجی و داخلی نیروهای ارزنده را، مخصوصا درمجلس شورای اسلامی هدف گیری کرده است".

رئیس مجلس آنگاه ضمن گرامی ـ داشت خاطرهٔ این نمایندهٔ شهید مجلس شورای اسلامی از مسئولین انتظامی بخصوص حفاظت سپاه پاسداران، خواست که درانجام وظایف محوله دقت بیشتری بخرج دهند.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث دربارهٔ جزئیات لایحه "شرایط انتخاب قضات" ادامه یافت و این لایحه به تصویب رسید. دستور بعدی مجلس شور دوم لایحه "مجوز استخدام توسط وزارت دفاع ملی" بود، که به تصویب رسید. آنگاه تشکیل "کمیسیون خاص" برای بررسی لایحه ملی شدن تجارت خارجی مورد بحث قرار گرفت وبا اکثریت آراء تصویب شد. سپس گزارش کمیسیون امور اقتصادی مجلس درمورد رد لایحه اصلاح تبصره ۳ لایحهٔ اصلاحیه قانون امور گمرکی قرائت شد. پس از بحث نمایندگان، نظر کمیسیون اقتصاد به تصویب رسید. درپایان این جلسه، تفویض اختیار به کمیسیون های مشترک برنامه وبودجه، امور دفاعی و امور اقتصادی ودارائی جهت بررسی وتصویب "لایحه راجع به وضع خدمتی داوطلبان غیرنظامی، که درمناطق عملیاتی با نیروهای مسلح همکاری میکنند، برای مدت ۳ سال" به بحث گذاشته شد و به تصویب رسید.

ترفند امروزی...

بقیه از صفحه ۱

حملهٔ موذیانه ومخفیانه وعلنی خویش قرارمیدهند و میکوشند تا به بهانهٔ دروغین "دفاع از اسلام" از جاذبه مردمی واجتماعی آن بکاهند، آنرا از سیاست، از انقلاب، از مردم دورکنند، اسلام راکه شریعت سهله وسمحه نام دارد، به شریعتی انتقام جو، تنگ نظر، غضبناک، متعصب وکهنه پرست مبدل ـ سازند.

نیروهای معینی کل جریان تجدد آمیزی راکه مدنیت صنعتی امروزی انسانی درخیرورفاه بشر و به مدد علوم طبیعی به وجود آورده است، (البته ریاکارانه) مورد حمله قرارمی دهند (در حالی که خود از ثمرات آن برخوردارند)، با دگرگونی های بنیادین اجتماعی و اقتصادی به سود مستضعفان مخالفت می کنند، درمدارس وادارات و کارخانه ها وروستاها، انسان های شریف هوادار انقلاب وپشتیبان خط امام، یا کسانی راکه ابداً خصومتی با انقلاب ندارند، تحت عناوین مختلف مجعول وبا استفاده ازقوانین وقواعد خودساخته ازکار بیکار می کنند، متهم می سازند و غیره وغیره، وهمه اینها راهم به نام "انقلاب اسلامی" انجام میدهند، تامردم را از انقلاب، ازاسلام واز رهبری انقلاب اسلامی رمنده وهراسنده کنند. این جریانی است که اکنون شاهد آنیم.

پس از فتنه لیبرال ها وطبس ونوژه وبنی صدر و "مجاهدین"، اینک این فتنه است که دم به دم بغرنج تر می شود وبالا میگیرد و حیثیت و موجودیت انقلاب راتهدید میکند.

دگراندیشانی که هواداران صدیق انقلاب وپشتیبانان راستین خط امام اند درست به سبب همین هواداری وپشتیبانی (ونه چیز دیگر) مورد انواع ناسزاها و افتراهای گستاخانه این افراد قرارمی ـ گیرند: "خائن"، "کثیف"، "ملحد"، "ستون پنجم روس"، "مرتد فطری"، "ترفندباز"، "توطئه گر خزنده"، "القاء گر شیطانی" وامثال اینها فقط نمونه هائی از این ناسزاها و افتراهاست. روشن است که برای فحاشی و افترازنی هم نبوغ خاصی لازم نیست! در واقع تمام جویده های ساواک را این جنابان نشخوارمیکنند ووقتی نیک بنگرید، "جرم" اصلی این دگراندیشان دفاع پیگیر و وفادارانه از خط ضد ـ امپریالیستی ومردمی امام است. دشمنی کین توزانه با اسلام خمینی ازاین طریق نیز میگذرد (زیرا ظاهرا دیوار دگر ـ اندیشان انقلابی را کوتاه یافته اند).

بعضی ها خود را به "نفهمی" میزنند و میپرسند: "مگر میشود که پیروان سوسیالیسم علمی از اسلام انقلابی پشتیبانی کنند؟ چرا نمی شود که پیروان راستین سوسیالیسم علمی، که انقلابیون صادق، مردم دوست و عاشق استقلال وآزادی ایران وشیفتهٔ سعادت زحمتکشان اند، ازاسلام انقلابی امام خمینی، که آنرا اسلام راستین می ـ نامند وهمین هدف ها را براساس قران و نهج البلاغه ودیگر ماثورات اسلامی و شیعی دربرابر خودنهاده و برجسته کرده است، پشتیبانی کنند؟ مگر عمل نشان نمیدهد که خواه خط امام وخواه خطی که پیروان سوسیالیسم علمی دنبال میکنند، درنبرد علیه امپریالیسم ودردفاع اززحمتکشان همانند وصحیح و منطقی وپی گیر بوده است؟

نیروهای معینی میکوشند که شرع راحتی علیه مسلمانان انقلابی پیرو خط امام نیز مورد تعبیر وتفسیر قراردهند، همانطور که قاضی شریح آنرا علیه حسین بن علی مورد تفسیر قرار داد. آخر حکم قاضی شریح نیز حکم "شرعی" بود، ولی موافق این حکم "شرعی" حتی امام مبارز شیعیان نیز "خارجی" ازآب درمیآمد!

از افراد ناآگاهی که دراین دام افتاده اند که بگذریم، سرنخ این ریا ـ کاری های "اسلام پرستانه" به "عمارت "لانگلی" در امریکا، که مرکز کل "سیا" ست، ختم میشود. ممکن است از اسلام آباد ورياض و قاهره وغیره نیز عبور کند، ولی به هرجهت آخر خط آنجاست. کارشناسان "سیا" هستند که اسلام ضیاء الحق را ساخته اند، اسلام گلبدین حکمتیار و دیگر "مجاهدین افغانی" راساخته اند، اسلام خالد و حسنی مبارک ونمیری را ساخته اند و حکم تکفیر امام خمینی راجپ وراست صادرمیکنند. وآنها هستندکه درایران می خواهندهمان "اسلام" را پیاده کنند.

سیا واینتلجنس سرویس شعبهٔ مخصوص اسلام دارند. هزاران کار ـ شناس "اسلام شناس" ازقبیل: سر ـ کیسیان (آلمان غربی)، الگار (انگلستان)، ردنسن (فرانسه)، کارکنان مرکز پژوهش ستراسورگ (فرانسه) مشغول بررسی هستند. همین بنی صدراز میوه های شجره خبیثه "اسلام شناسی" همین آقایان بود. حالا سنگر ضدانقلابی خود را در ایران نیز زیر نام اسلام بر پا کرده ـ اند. دشمن، برای این جگر سوختگان اسلام، امپریالیسم وفئودال ها و سرمایه داران وابسته نیستند، بلکه دشمن، آن ایرانیان میهن دوستی هستند ـ اعم از مسلمان وغیرمسلمان ـ که جرات کرده اند علیه این دیوان سیاه درون برخیزند.

یک چیز مسلم است وآن اینکه مردم ایران از این انقلاب از زبان پیروان راستین خط امام چیز هایی فهمیده اند: دهقان فهمیده است که زمین راخداوند به کارنده وآباد ـ کننده اشواگذارمیکند، نه به یک دزد غاصب بزرگ مالک، که آنرا به عرق و تریاک بدل سازد. کارگرفهمیده است که خداوند کار و سعی را منشاء ثروت میداند و "لَیس لِلانسان اِلاّ ما سَعیٰ" میگوید، نه اینکه یکی بیاید با دزدیدن کار کارگر میلیونر ومیلیاردر بشود!

مردم فهمیده اند، اینکه کسی به نام "حاجی" "بازاری شب بخوابد وصبح با دهها میلیون تومان ثروت تازه بر ـ خیزد، نتیجه اراده الهی نیست، نتیجه خرابی نظم اجتماعی است، والا خداوند کسانی را که "یکنزون الذهب والفضه" نکوهش نموده است.

این تحول درجامعه رخ داده و اینها را "خط امام" به مردم فهمانده است. این جوهر آن اسلام انقلابی است که برتوده ها آشکار گردیده است. اگرکسی واقعا دوست است، باید ازاین حیثیت اسلام شادمان شود.

سوسیالیسم علمی یک مذهب نیست، بلکه یک بینش اقتصادی و اجتماعی وسیاسی است و از اینکه بینش اسلامی این مطالب را برجسته میکند، خرسند است.

روزی بود که پشت سر اسلام ـ پناهان دروغین وسالوس تخت طاووس، ساواک، شهربانی طاغوتی، ارتش شاهنشاهی، لندن و واشنگتن، بمثابه دولت های مقتدر، ایستاده بودند، خوب، آنموقع کار خودرا آسان پیش میبردند. ولی امروز بنا به مثل معروف: "آن ممه ها را لولو برده است"! امروز عصرقیامت کبرای مردم علیه استکبار وتاراجگری است وبافرمان "اذبحوا" علیه انقلابیون، اعم ازمسلمان وغیر ـ مسلمان، نخواهند توانست جلوی این سیل تاریخی را بگیرند. همه نکته در این جاست.

سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه‌داری

مسائل کشاورزی ـ روستایی در کشورهای رشدیابنده و مقایسه دو نوع سیاست

بخش سوم

امروزه دیگر شبهه‌ای نیست که بهبود امور در تولید کشاورزی، تامین خواربار، رفع عقب‌ماندگیهای فنی ـ اقتصادی، مبارزه با انواع محرومیت‌های اجتماعی وفرهنگی در روستاها ازحادترین مسائل کشورهای رشدیابنده آسیا وآفریقا وآمریکای‌لاتین است. دولتهای کلیه این گروه ازکشورها، اعم از آنکه راه رشد سرمایه‌داری ویاراه رشد غیرسرمایه‌داری را پیش گرفته باشند، هریک به نحوی با این مسائل درگیرند وبه‌اقتضای راه‌رشدی که برگزیده اند، سیاست مخصوصی درقبال مشکلات تولید کشاورزی ونارسائی‌های جامعه‌روستائی اتخاذ کرده‌اند.

مطلب به حدکافی واضح است: بخش مهمی ازجمعیت جهان، و البته محروم ترین آنها، درهمین گروه ازکشورها زندگی می‌کنند، که‌دراکثریت خود، بین ۶۵ تا ۷۰ درصد، روستائی‌اند. در برخی از این کشورها، نظیر تایلند وسنگال، اهالی‌روستاها از ۸۰% جمعیت، کشورهم تجاوزمی‌کند. در ایران، بنابرنتایج آخرین سرشماری عمومی در ۱۳۵۵، یعنی حتی پس از چندین سال مهاجرت بی‌رویه‌روستائیان به‌شهرها، که‌ناشی ازسیاست‌کشاورزی ضد دهقانی رژیم پهلوی‌بود، بیش از ۵۲% جمعیت کشور وقریب‌به ۱۸ میلیون نفرروستائی اندوچنانچه اهالی مراکز دارای‌پنج‌تا‌ده‌هزارنفرجمعیت‌را هم، که درآن سرشماری جزء مناطق شهری محسوب‌شده‌است، منظورنمائیم، مردم روستائی ایران از ۶۰% جمعیت کشور تجاوز می‌کنند.

این‌حجم عظیم جمعیت‌روستائی برای گروه‌کشورهای رشدیابنده، از یک طرف نشانه مداومت ساختارهای اجتماعی ـ اقتصادی ما قبل‌سرمایه‌داری درآنها و ازطرف دیگر نشانه عقب ماندگی فنی و صنعتی این کشورهاست، چنانکه سهم مجموع کشورهای‌رشدیابنده‌آسیاوآفریقا ازتولیدات صنعتی‌جهان، فقط ۷/۷% است. به همین‌علل، دراین‌کشورهااراضی‌وسیعی، که حداقل بخشی از آنها را به شرط استفاده از پیشرفتهای علمی وفنی و صنعتی می‌توان به‌زیرکشت کشید، هنوز زراعت نمی‌شود. از مجموع اراضی کشورهای‌آمریکای‌لاتین، آفریقا، جنوب ومشرق آسیا فقط ۱۱/۵% به زراعت اختصاص داردو صرفنظر ازچراگاه‌ها و جنگلها، درحدودنیمی ازاراضی بایر است. در مورد ایران، بنابرآمار های رسمی (نشریه‌مرکزآمارایران ـ ۱۳۵۲)، بیش از ۳۰ میلیون‌هکتار اراضی قابل احیاء وعمران وجود دارد، که بدون استفاده افتاده‌است.

از این‌گذشته، دراراضی تحت کشت‌کشورهای رشدیابنده، از عواملی نظیرکودشیمیایی وتراکتوروماشین های کشاورزی دیگر کمتر بهره‌می‌برند. مثلا درسال ۱۹۶۵، دراین‌گروه‌کشورها، فقط از ۹۰۹۰۰۰ دستگاه تراکتور استفاده میشد، یعنی برای هر ۱۰۰۰ هکتارکشت ۱/۲ دستگاه‌وجود داشت. امادرهمان سال، کشورهای رشد یافته از ۱۲۴۴۴۰۰۰ دستگاه تراکتور استفاده می‌کردند، یعنی در مقابل هر ۱۰۰۰ هکتار، ۱۸/۸ دستگاه به کار گرفته شده بود. درسال ۷۳ ـ ۱۹۷۲ کشورهای رشد یافته، که فقط ۱۸% جمعیت جهان را دارند، بالغ بر ۴۰/۵ میلیون‌تن کود مصرف‌کردند، ولی درهمان‌حال مصرف کود در کشورهای رشدیابنده، با ۴۸% جمعیت‌جهان، فقط ۱۱/۵ میلیون تن بوده‌است.

با این ملاحظات بایدانتظار داشت‌که بارآوری نیروی کار درکشورهای‌رشدیابنده‌سطح‌نازلی داشته باشد. عقب‌ماندگیهای فنی‌ـ اقتصادی‌باعث شده‌است که‌مثلا درسال ۱۹۷۰ متوسط بازدهی سالانه‌یک‌کارگر دراین‌کشورها ۱۱/۵ مرتبه کمتر ازکشورهای رشد یافته‌باشد. این‌عقب‌ماندگی درزمینه تولیدات‌کشاورزی هم به چشم می‌خورد، چنانکه‌درمورد تولید برنج و گندم مقدار محصول‌هرهکتار، درمقایسه‌باکشورهای رشدیافته‌بین‌نصف‌تایک‌سوم و گاهی حتی کمتر از این مقدار است. مثلاحاصل ـ بخشی مزارع گندم درهلند پنج برابر پاکستان است. در عین حال، هرساله، عقب‌ماندگی عمومی کشورهای رشدیابنده از کشورهای‌رشدیافته، به تدریج بیشتر شده است، چنانکه تولید سرانه‌ملی‌ناخالص کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری که در سال ۱۹۵۳ معادل ۸/۴ برابرکشورهای رشدیابنده‌بود، به ۱۶ برابر در سال ۱۹۷۳ رسید.

بی‌علت‌نیست‌که گروه‌کشورهای رشدیابنده، باوجودحجم عظیم جمعیت روستائی خود وکثرت افرادشاغل در امور کشاورزی، ازنظرتولیدکشاورزی و تامین‌خواربار به سختی درمضیقه‌اند. مسئولیت چنین‌وضعی، ازیک لحاظ متوجه حکومت های منسوب به ملاکان بزرگ، سرمایه‌داران‌رباخوار و وابسته، اشراف وخوانین‌است، وازلحاظی دیگرمتوجه‌سیاست‌های‌استعماری ونواستعماری کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری وانحصارات امپریالیستی.

ازلحاظ اول بایدگفت که، بر اثر وجود روابط تولید ماقبل سرمایه‌داری، که‌طی‌سالهای متمادی بصورت‌مداومت انواع شکل‌های سنتی‌استثماربرروستاها وایل‌ها غلبه داشت وهنوزکم‌وبیش در اینجاوآنجا غلبه‌دارد، اشراف، ملاکان بزرگ، خوانین، حکام و روسای محلی امکان‌داشتند و یادارندکه‌زحمتکشان رشته‌های گوناگون تولید زراعی و دامپروری را به شدت استثمارکنند و با ثروت ناشی از غارت این‌زحمتکشان، درتنعم وعشرت بسربرند. برای آنان، دراین‌حالت، نیازی‌نبود ونیست‌که به منظور استفاده از فنون پیشرفته و دستاوردهای‌جدید علمی‌وصنعتی در زمینه تولیدکشاورزی به‌سرمایه‌گذاری بپردازندونگذارند که یک تاخیر صد ساله بازهم بیشتر به‌تاخیر بیفتد. اما ازلحاظ دیگر، سیاست‌های استعماری و نواستعماری دولتهای رشدیافته‌سرمایه‌داری‌وسلطه انحصارات‌امپریالیستی هم به‌نوبه‌خود مانع پیشرفت عمومی این‌کشورها وازجمله مانع پیشرفت‌در زمینه تولیدکشاورزی شده‌است. سرمایه‌های انحصارات امپریالیستی با تاراج منابع طبیعی وثمره‌کارمردم‌این کشورهاموجب ضعف بنیه‌مالی وفنی و مانعی در راه پیشرفت‌آنها شده‌اند. مثلا سود حاصله ازسرمایه‌گذاری در اغلب‌کشورهای‌آسیایی‌وآفریقایی برای تعدادی از انحصارات‌امپریالیستی، بیش از سه برابر سودی است‌که‌از سرمایه‌گذاری درکشورهای‌خودبدست می‌آورند. چنین تاراجی، مسلما انواع مشکلات وعوارض‌را، ازجمله بصورت مضیقه‌های تولید کشاورزی وتامین خواربار درگروه‌کشورهای‌رشدیابنده‌به جای گذاشته ومی‌گذارد.

درعین‌حال، نتایج ناشی‌ازاین قبیل مضیقه‌ها در درجه‌اول متوجه خانوارهای کم درآمد کشورهای رشد یابنده‌است، که عموما روستایی‌اند، چنانکه‌درایران، حتی‌به‌موجب آمارهای‌رسمی رژیم پهلوی، (نشریه ۷۷۶ مرکزآمارایران) خانوارهای روستائی‌در سال ۱۳۵۵ به طورمتوسط فقط ۱۲ هزار تومان درآمد داشتند وبودجه‌سالانه ۲۳/۴% این‌خانوارها کمتر از ۶هزار تومان‌بود. چنین‌ارقامی، اگربا هزینه زندگی درهمان‌سال‌مقایسه شود، تا حدی‌می‌تواندسختی‌معیشت زحمتکشان روستائی‌رامنعکس کند. بآسانی می‌توان نتیجه‌گرفت‌که‌خانوارهای‌روستائی‌کشورهای رشدیابنده‌محروم‌ترین‌گروه‌های اجتماعی‌کشورخودهستند و به لحاظ کمبود وگرانی‌خوراک وپوشاک و وضع ناگوارمسکن وبهداشت ودرمان‌بسختی رنج می‌کشند. مثلاً، باز هم بنا به آمار رسمی رژیم پهلوی، با اینکه‌مقدار مصرف سرانه گوشت‌قرمز درشهرهای ایران برای سال ۱۳۵۶ معادل ۳۳/۵۸ کیلوگرم بود، ولی در روستاهااز ۵/۸۶ کیلوگرم تجاوز نمی‌کرد. باید توجه داشت که‌این رقم طبعا بالاتر ازمقدار مصرف‌سالانه‌گوشت سرانه‌درخانوارهای محروم‌تر جامعه‌روستائی است، که دهقانان بی‌زمین‌وکم‌زمین، کارگران کشاورزی، زحمتکشان رشته‌های‌صنایع روستائی‌وقشرهای‌تحتانی تولیدکنندگان خرده پا را در برمی‌گیرد. این‌قبیل‌گروه‌های اجتماعی در روستاهای‌ایران شامل فقیرترین اهالی روستاهاست. از این‌لحاظ، وضع جامعه روستائی‌ایران کم وبیش مشابه وضع جوامع روستائی در اغلب‌کشورهای‌رشدیابنده‌است، که‌اکثریت‌جمعیت آن از حداقل عایدات‌نصیب می‌برند، با تحقیقات‌درموردشش‌کشور رشد یابنده معلوم شده‌است که فقط ۳/۸ تا ۱۸% عایدات جوامع روستائی آن‌کشورها نصیب ۶۰% واحدهای کم درآمدمی‌شود، درحالیکه نیمی‌ازعایدات را ۲۰% واحدهای پردرآمدمی‌برند.

لازم‌نیست درزمینه‌محرومیت از بهداشت، درمان، تحصیل، مسئله بیکاری‌ومحرومیت‌های‌اجتماعی دیگر سخنی‌گفته شود. مثلا، درموردبیکاری بنابرگزارش "سازمان‌بین‌المللی کار"، (مندرج درشماره ۱۰۷ ماهنامه پیام یونسکو) قریب به ۴۱% نیروی‌کاردرکشورهای رشدیابنده‌بیکار ونیمه‌بیکار است. درعین‌حال، ۸۰% بیکاران ونیمه بیکاران‌این‌کشورهاازنواحی‌روستایی‌اند.

امروزه، همه این‌قبیل‌مسائل‌حاد کشاورزی ـ روستائی کشورهای رشدیابنده آسیا وآفریقا و آمریکای‌لاتین‌به قدری واضح‌است که‌حتی سبکسرترین دولتهای‌گوش به‌فرمان‌انحصارات‌امپریالیستی ومخالفان پیشرفت‌اجتماعی هم ازکتمان‌آن عاجزمانده‌اند و هیچ دولتی‌دراین‌گروه‌از کشورها نمی‌تواند منکرلزوم اصلاحات درجامعه روستایی وبهبودامور درتولیدکشاورزی‌باشد؛ منتهی‌باید دیدکه هردولتی علل‌ومنشاء این‌مسائل را ازچه‌می‌داندوبه‌اقتضای ماهیت وامکانات خود به چه نوع اصلاحاتی، باچه‌مقدار ازوسعت‌و عمق و پیگیری، نظردوخته‌است. از این لحاظ، دراین‌گروه‌ازکشورها، میتوان دولتهایی را، که نظیر رژیم سابق‌ایران‌مقیدبه راه رشدسرمایه‌داری‌اند، با دولت‌های انقلابی‌همین‌گروه از کشورها مقایسه‌کرد، که یامشابه ویتنام و کوبا به راه سوسیالیستی رشد رفته‌اند و یا مشابه الجزایرولیبی‌ازراه‌سرمایه‌داری‌رشد تحاشی‌ورزیده‌اندو سیاست‌کشاورزی خود را درانطباق با راه رشدغیرسرمایه‌داری تنظیم‌کرده‌اند.

دولتهایی که‌راه‌رشدسرمایه‌داری رابرکشورهای رشدیابنده‌تحمیل میکنند عموما علل و منشاء مشکلات تولید کشاورزی‌ومسائل‌حاد جوامع روستایی خود رامنحصر درعقب‌ماندگی‌فنی و ناملایمات ناشی از وضع اقلیمی می‌دانند. آنها بر روابط تولیدمبتنی‌بر استثمارو نوع‌مالکیت بر زمین و آب زراعی‌حتی‌المقدورپرده‌استتارمی‌کشند، تا اساس استثمار از نیروی کاردر رشته‌های گوناگون تولیدکشاورزی مورد سئوال ودرمعرض تغییر بنیادی قرار نگیرد. چنین‌دولتهایی، اصلاحات در زمینه‌های فنی ـ اقتصادی، تقسیمات ارضی ووضع اجتماعی‌روستا واداره‌امور عمومی‌آنرا فقط درچارچوب روابط تولیدسرمایه‌داری جایزمی‌دانند، یعنی هرنوع‌اصلاحات مجاز، به رغم آنان، درتحلیل نهائی و درصورت موفقیت، به‌این نتیجه می‌رسد که ساختارهای ارضی وفنی و روابط تولید مبتنی بر شکل‌های استثمار ما قبل سرمایه‌داری به‌ساختارهاو روابط استثمار سرمایه‌داری تبدیل شود. در این صورت، چون‌این‌دولتها‌چنین اصلاحاتی را درانطباق با تسلط انحصارات‌امپریالیستی برکشور انجام می‌دهند، همپیوندی اقتصادی کشور خود وانحصارات را هم تشدیدمیکنند و ازاین رهگذر هردم‌صدمات‌دیگری‌به کشورمی‌رسانند. مثلا برخی‌نتایج اصلاحات‌این‌قبیل‌دولتهارامی‌توان‌در نمونه مشخص سیاست کشاورزی رژیم پهلوی برشمرد. آن رژیم، به ادعای نجات کشاورزی کشور ازعقب‌ماندگی، اعتبارات‌هنگفتی‌رابه‌صورت وام های کم‌بهره و حتی‌بلاعوض‌به‌بزرگ‌مالکان‌و سرمایه‌گذاران‌ارضی‌موسس واحدهای "کشت‌وصنعت"، "مجتمع شیر وگوشت"، "سازمان کشاورزی" و ازاین‌قبیل اختصاص می‌داد، چنانکه اعتبارات بانک‌کشاورزی از مبلغ ۵۱۸۸ میلیون ریال‌درسال ۱۳۴۶ به ۴۲۳۵۲ میلیون ریال در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت (سالنامه آماری ۱۳۵۶) و باگشاده دستی‌به کیسه کلان ملاکان وسرمایه‌گذاران‌غارتگرایرانی‌وغیرایرانی‌ریخته شد، درحالیکه‌دهقانان عضوتعاونی‌های روستائی وتولیدکنندگان‌خرده پا به‌سختی‌می‌توانستند وامهای‌کوچک‌و کوتاه‌مدت بگیرند. اماطی‌همان سالها تدریجا بر‌افزایش وارداتگندم، گوشت، برنج، ودیگر محصولات کشاورزی از خارج افزوده‌شد، چنانکه (طبق‌سالنامه‌آماری سال ۱۳۵۲) ازسال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ در مجموع ۱۷۴ میلیارد ریال‌تولیدات زراعی ودامی ازخارج واردکردندواز این رهگذربرهمپیوندی‌اقتصادی‌ایران وانحصارات امپریالیستی‌افزودند. در سال ۱۳۵۴ به ازای وارد کردن ۲۰۷۶۵۱۸ تن غلات ازخارج، بیش از ۳۶/۵ میلیارد ریال پرداختند (سالنامه آماری سال ۵۶). یکی دیگر از نتایج سیاست کشاورزی رژیم سابق، ورشکستگی و خانه خرابی تولیدکنندگان سنتی‌وخرده‌پای رشته‌های گوناگون تولیدزراعی ودامپروری بود که به‌ازای بسط‌روابط تولیدسرمایه‌داری وحمایت از سرمایه‌داران بزرگ خودی وبیگانه دامنگیر کشور شد. معوق ماندن حل واقعی مسئله ارضی، آوارگی زحمتکشان روستائی، ایجاد زمینه برای مهاجرت‌بی‌رویه‌به‌شهرهاو انواع‌عوارض ناگوار، از نتایج دیگر سیاست کشاورزی آن دولتهایی است که‌راه رشدسرمایه‌داری را برتعدادی‌از گروه کشورهای رشد یابنده تحمیل کرده‌اند.

ولی، در مقابل و به عکس، دولتهای انقلابی این‌گروه ازکشورها مشکلات‌جامعه روستایی‌وموانع پیشرفت تولیدکشاورزی رابا سیاستی درراستای راه رشد غیرسرمایه‌داری‌برطرف‌میکنند، که‌خطوط عمده‌آن سیاست‌عبارت‌است از: مصادره اراضی‌کلان ملاکان‌وواحدهای سرمایه‌گذاران‌بزرگ‌ارضی‌بسود دهقانان کم‌زمین‌وبی‌زمین وبه‌منظور ایجادتعاونی‌های‌تولیدکشاورزی‌وواحدهای دولتی، تقویت‌بخش عمومی در اقتصادروستایی‌مرکب‌ازدوشاخه‌تعاونی ودولتی، حمایت‌همه‌جانبه ازتولیدکنندگان خردپا در رشته‌های‌گوناگون زراعت‌ودامپروری وصنایع روستایی، از جمله به‌صورت‌تجمع داوطلبانه آنان درانواع تعاونی ها و تضمین خرید عادلانه محصولاتشان در عین قطع تدریجی‌نفوذسرمایه‌تجاری ومحوسلف‌خری‌ورباخواری، ایجاد سیستم های آبیاری وپایگاه‌های‌صنعتی‌بمنظورتامین ابزار وماشین‌های کشاورزی وتسریع روند اصلاحی در زمینه‌های فنی ـ اقتصادی، عمران ونوسازی جامعه روستائی خصوصا از لحاظ بهداشت و درمان وفرهنگ وآموزش های فنی و مبارزه بابیسوادی، ایجاد نهادهای نوین اجتماعی بمنظور تامین دخالت موثر روستائیان در اداره وکنترل امور عمومی‌روستاها و با تقویت واصلاح‌آن قبیل از نهادهای‌سنتی، که‌برای‌چنین منظوری مناسب هستند... با چنین سیاستی است که‌دولتهای‌انقلابی‌کشورهای‌رشدیابنده تاکنون‌بخشی از مسائل کشاورزی ـ روستائی خود را حل کرده‌اند. مثلا دولت الجزایر، بلافاصله پس از کسب استقلال، در حدود ۲/۵ میلیون هکتار از اراضی مرغوبی‌را، که‌استعمارگران‌فرانسوی در دوران‌سیادت خود بچنگ‌آورده‌بودند، به‌دهقانان واگذار کرد و چندسال‌بعد، در ۱۹۷۲، توانست ۷۰۰۰۰۰ هکتار و سال بعد ۳۰۰۰۰۰ هکتار از اراضی مزروعی بزرگ‌مالکان الجزایری را به ۶۸۰۰۰ خانوار روستایی واگذار کند. دولت الجزایراز سال ۱۹۷۷ به‌بعد، یکبار ۲۶۰۰۰۰ هکتار و در دفعات دیگر ۱۲۰۰۰۰ هکتارزمین و یک‌میلیون نخل رادرجنوب کشور به دهقانان‌بی‌زمین‌وکم‌زمین‌داد. حل‌مسئله‌ارضی درالجزایربایک‌سلسله اقدامات اجتماعی و اقتصادی‌دیگر و از جمله ایجاد تعاونی‌های زراعی و دامپروری ونوسازی روستاها همراه‌بود. دولت الجزایر تا دوسال قبل درحدود صد دهکده‌نوبنیاد ساخته وآنها را با مسجد، مدرسه، درمانگاه، "سلف‌سرویس" وفروشگاه مجهز کرده‌است. دولت‌الجزایر، بنا به‌تصمیمات کنگره اخیر جبهه آزادی‌بخش‌الجزایر، درنظرداردکه ایجاد این قبیل دهکده‌ها را طی چندسال‌آینده به هزار واحد افزایش دهد.

این قبیل پیشرفت‌ها منحصر به الجزایر نیست. کلیه دولت‌های انقلابی کشورهای‌آسیاوآفریقاوآمریکای لاتین، نسبت به‌طول‌مدتی که در راه رشدغیرسرمایه‌داری پیش‌می‌روند ونیز نسبت‌به‌امکاناتی که دارند، در زمینه حل مسائل کشاورزی‌ـ روستایی خود موفقیت‌های‌شایان‌تقدیری به‌دست آورده‌اند.

دولت‌انقلابی‌کوبا، هنوز قبل‌از آنکه براه سوسیالیستی‌رشد گام‌نهد، درنخستین‌سال‌پیروزی‌انقلاب (۱۹۵۹) املاک‌چندین‌هزار هکتاری اشراف کوبائی وانحصارات امپریالیستی‌و از جمله املاک گروه "مورگان" و گروه "راکفلر" را مصادره کرد و سه سال بعد توانست از املاک‌بیش‌از ۶۶ هکتار سلب‌مالکیت‌کند وآنهارا، به موازات ایجادتعاونی‌ها، به‌زحمتکشان‌روستایی واگذار نماید. البته‌در کوبا که‌باایجاد نظام‌سوسیالیستی یک‌مرحله تاریخی به‌جلو رفته دولت توانسته‌است، طی سالهای بعدازانقلاب، اراضی‌جدیدی رابه‌زیر کشت‌بردو برحجم تولیدات کشاورزی به‌مراتب‌بیفزاید. مثلا تولید سالانه‌مرکبات‌از ۶۰ هزارتن به ۲۲۵

بقیه‌در صفحه ۱۲

بمناسبت سالگرد انقلاب مردمی کوبا (۱۱ دی ۱۳۳۸ / ۱ ژانویه ۱۹۵۹)

کوبای انقلابی

جزیرهٔ آزادی



کاسترو درسال ۱۹۵۷

نام رسمی: "جمهوری کوبا" (REPUBLICA DE CUBA)

سرزمین: کشور سوسیالیستی واقع در دریای کارائیب؛

وسعت: ۱۱۰۹۲۲کیلومتر مربع، مرکب از جزیرهٔ اصلی کوبا، "جزیرهٔ جوانان" (ISLA DE PINOS سابق، ۲۳۴۰کیلومتر مربع) وبیش از ۱۶۰۰ جزیرهٔ کوچک، که‌بیشتر آنها بری از سکنه است. (۳۷۱۵)کیلومتر مربع)

سکنه: ۹۷۰۶۳۶۹ نفر (۴۹۰۹۵۸۶مرد و ۴۷۹۶۷۸۳ زن) یعنی ۸۷/۵۱نفر در هر کیلومترمربع (۱۳۶۰).۶۹/۰۱درصد مردم کوبا شهرنشین و ۳۰/۹۹درصد روستانشین هستند؛

پایتخت: هاوانا (LA HABAN) با ۱۹۲۴۸۸۶نفر جمعیت؛

زبان رسمی: اسپانیولی؛

پول: پسو(کوبا)=۱۰۰سنتاوس

کوبا از ۱۴ آستان تشکیل میشود: کاماگی (CAMAGUEY) سین‌فوگوس (CIENFUEGOS) سیگودآویلا (CIEGO DE AVILA)، گرانما (GRANMA)، گوان‌تانامو (GUANTAN-AMO)، هاوانا (LA HABANA) شهرهاوانا، لاس‌توناس (LASTUNAS) ماتانساس (MATANZAS)، سانکتی اسپیریتوس (SANCTI SPIRITUS) پینارد‌ل‌ریو (PINAR DEL RIO)، سانتیاگودکوبا (SANTIAGO DE CUBA)، ویاکلارا (VILLA-CLARA) وجزیره جوانان (ISLA-DE LA JUVENTUD).

مهم‌ترین شهرها: سانتیاگو دکوبا (۳۲۶۰۰۰)، کاماگوئه (۲۳۰۹۰۰)، هولگوئین (۱۶۱۶۰۰)، سانتیاکلارا (۱۵۲۴۰۰)، گوانتانامو (۱۵۵۲۰۰)

ترکیب سکنه: کرئول (۷۰ درصد) مولاتو (۱۷درصد) آفریقائی‌ـآمریکائی (۱۲درصد)، آسیاسی (۱درصد).

مذهب: رومی‌ـ کاتولیک.

اقتصاد، اوضاع عمومی: کوبا تا پیروزی انقلاب کشوری بودنیمه‌مستعمره کشاورزی، بکلی وابسته به‌ایالات متحده آمریکا و بااقتصاد تک‌فرآورده‌ای (شکر). کنسرن‌های بزرگ ایالات متحدهٔ آمریکا بیش از ۳۰درصد نیشکرزارهای کوبا را دراختیار خود داشتند. انحصارات آمریکا از طریق الیگارشی بومی درواقع برسراسر اقتصاد کوبا فرمانروایی می‌کردند. کوبا نخستین گام بزرگ‌را در راه رشد اقتصادی مستقل پس ازانقلاب، با اصلاحات ارضی بنیادی برداشت. اموال بزرگ‌مالکان خارجی وداخلی مصادره و مالکیت زمین‌برای‌کوبایی‌ها به ۶۷هکتار محدود شد. چندی بعد کارخانه‌های متعلق به‌کنسرن‌های آمریکائی و دیگر کشورهای امپریالیستی ملی‌گشت. دولت کوبا آنگاه به‌دولتی‌کردن مهم ترین شاخه‌های صنعت همت‌گماشت. بدینسان روند دگرگونسازی اقتصاد ادامه‌یافت، بطوریکه‌امروزه تولید صنعتی کوباتماما دردست دولت‌است. اکنون مناسبات تولیدی سوسیالیستی در کوبا فرمانروا است.

امپریالیسم ایالات‌متحده آمریکا کوشید، تا با ارعاب وتخریب این روند رابازدارد. امریکابیاری "سازمان‌کشور‌های‌امریکائی" محاصره و تحریم سیاسی واقتصادی‌را علیه کوبا اعمال داشت. اماکمکهای‌بیدریغ کشورهای‌سوسیالیستی این‌محاصره‌وتحریم رابا‌شکست روبرو ساخت. اتحادشوروی نفت مورد نیاز کوبا را دراختیار آن‌قرار داد. کشورهای‌سوسیالیستی با عقد قراردادهای درازمدت، فروش شکرکوبا را تامین کردند. پس از چندی (۱۹۷۵)، فشار "سازمان‌کشورهای‌آمریکائی" به خاتمهٔ تحریم و محاصره انجامید. تنها ایالات متحدهٔ‌آمریکا تابه‌امروز به تحریم اقتصادی‌کوبا ادامه‌میدهد.

حزب کمونیست و دولت سوسیالیستی کوبا، پابپای صنعتی‌کردن کشور، به‌گسترش کشاورزی، به‌ویژه‌شاخه تولید‌شکر، توجه‌خاص‌مبذول‌می‌دارند. درکوبا بیست‌سال‌است (از۱۹۶۱) که انحصار دولتی بازرگانی وارز خارجی برقرار است. دولت سوسیالیستی هم‌چنین بانکها، نهادهای‌مالی، ترابری وبازرگانی‌داخلی را بدست خودگرفته است. کوبا، براین اساس و در پرتو کمکهای‌بیدریغ کشورهای سوسیالیستی، سوسیالیسم‌را شالوده‌می‌ریزد. در سال ۱۹۷۶شماره شاغلان‌بخش‌دولتی درکوبا برابر با ۲۴۶۹۰۰۰بود.

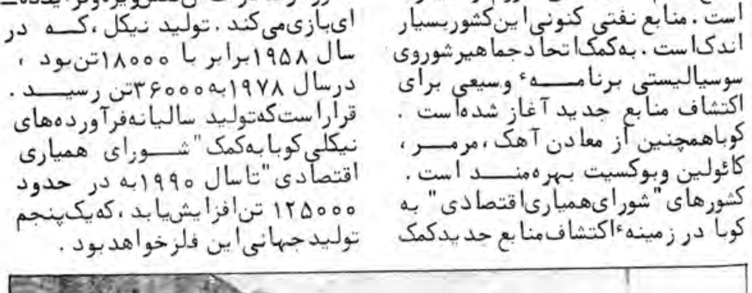
منابع زیرزمینی: کوبا دارای منابع مهم‌نیکل، آهن، کروم و غیره است. منابع نفتی کنونی این‌کشوربسیار اندک‌است. به‌کمک‌اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی برنامهٔ وسیعی برای اکتشاف منابع جدید آغاز شده‌است. کوباهمچنین از معادن آهک، مرمر، کائولین وبوکسیت بهره‌مند است. کشورهای "شورای‌همیاری‌اقتصادی" به کوبا در زمینهٔ‌اکتشاف‌منابع جدیدکمک میرسانند. هریک ازکشورهای "شورا" اکتشاف زمین‌شناسی یکی‌ازاستان‌های کوبا رابه‌عهده‌دارد.

صنعت: مهم‌ترین رشته های صنعتی‌کوبا عبارتست‌از: تولید شکر، تنباکو، ماشین‌های‌کشاورزی، ساختمان (ازجمله‌سیمان)، صنایع شیمیایی و نساجی و معادن دراین زمینه، هم‌چنین باید ازتبدیل فرآورده های کشاورزی وتولید روم، فرآورده‌های چرمی، صابون، عطر، دارو و نوشابه یادکرد.

جدول‌شماره ۱ روندرشدتولید صنعتی کوبا رادرسالهای‌اخیر نشان‌میدهد.

قرار است‌که دربرنامه پنجساله جاری، تولید صنعتی بطور میانگین سالیانه ۵درصد رشدکند.

معادن‌کوبا هرچه‌بیشتر اهمیت اقتصادی‌می‌یابد. صنایع نیکل این کشوردرصادرات‌آن‌نقش‌ویژه‌وفزاینده‌ای‌بازی‌می‌کند. تولید نیکل، که در سال ۱۹۵۸برابر با ۱۸۰۰۰تن‌بود، درسال ۱۹۷۸به ۳۶۰۰۰تن رسید. قراراست‌که‌تولید سالیانه‌فرآورده‌های نیکلی‌کوبا‌به‌کمک "شورای همیاری اقتصادی" تاسال ۱۹۹۰به در حدود ۱۲۵۰۰۰ تن‌افزایش‌یابد، که‌یک‌پنجم تولیدجهانی‌این فلزخواهدبود.



سربازخانه "مونکادا" پس‌ازحملهٔ رزمندگان‌کوبایی به‌آن. فرماندهی این عملیات‌رافیدل‌کاستروبعهده‌داشت.

توسعه اقتصاد‌ملی و کوشش‌برای بهبودشرایط زندگی مردم، بخش انرژی‌راهرچه‌بیشترباوظایف‌سنگینی روبرومیسازد. درسال۱۹۷۸ تولید انرژی ۲۰۰۰مگاوات، یعنی درحدود ۵برابرپیکرهٔ ۱۹۵۸بود پیش از پیروزی‌انقلاب تنها ۸۷درصد خانه‌های‌شهری‌و ۹درصد خانه‌های‌روستائی‌ازروشنائی برق‌بهره‌مندبودند.

افزایش چشمگیر تولید سیمان‌و مصالح‌ساختمانی یکی ازشرائط بنیادی توسعه‌بخش ساختمان در کوبا بود. تولید بخش ساختمان از ۴۳۶میلیون پسو درسال ۱۹۷۰به ۱/۲میلیارد پسو درسال ۱۹۷۸رسید. قرار است‌که درسال ۱۹۸۵تولید سالیانه‌سیمان‌به ۴/۵میلیون‌تن‌برسد.

درکوبا درسالهای‌اخیر، رشته‌های بکلی‌جدیدی‌چون‌صنایع تولید و تبدیل‌ماهی‌واسکله‌احداث‌میشود. این‌صنایع فزون برآنکه‌به‌اقتصاد کوبا پویایی ویژه‌میبخشد، دردرجه‌نخست تامین‌نیازمندی‌های اقتصادی ـ اجتماعی این‌کشور را در نظر دارد.

جدول‌شماره ۲ تولید‌مهم‌ترین‌فرآورده‌های‌صنعتی کوبا رادرسالهای اخیرنشان‌میدهد.

کشاورزی: شرائط طبیعی مساعد برداشت چندباره‌برخی ازمحصولات را در کوبا درهرسال ممکن‌میسازد. "انستیتوی ملی‌اصلاحات ارضی" ("اینرا")، که در سال ۱۹۵۹تاسیس یافت، اجرای‌اصلاحات‌ارضی را در کوبا بعهده‌گرفت. پس از انحلال "اینرا"، درسال ۱۹۷۶، وظائف آن به‌وزارت کشاورزی سپرده‌شد.

نخستین و دومین اصلاحات ارضی به‌پیدایش‌بخش سوسیالیستی درکشاورزی کوبا انجامید، که‌امروز ۷۹درصد زمینهای قابل کشت‌کوبارا دربرمی‌گیرد. برپایهٔ رهنمود نخستین کنگره "حزب‌کمونیست‌کوبا" در سال ۱۹۷۵ دربارهٔ تکمیل‌مناسبات‌تولیدی سوسیالیستی در کشاورزی، از سال ۱۹۷۷، به‌رهبری "اتحادیهٔ ملی دهقانان‌خرده‌پا" ("آناپ")، ابتکارات ارزنده‌ای در راستای‌ایجاد تعاونی‌های‌تولید‌کشاورزی‌بر پایه‌اصل داوطلبی بعمل آمد.

جدول‌شماره ۳ تولید مهم ترین فرآورده‌های کشاورزی کوبارادرسال‌های‌گذشته‌نشان‌میدهد.

مساحت‌زمین زیرکشت، که‌درسال ۱۹۷۵برابر با ۳/۵میلیون‌هکتاربود قراربوددرسال۱۹۸۰ به ۴/۸ میلیون هکتار گسترش یابد (برای این سال ارقامی در دسترس نیست. برای افزایش محصولات کوشش‌های‌فراوانی برای‌آبیاری مزارع‌بکارمیرود. درسال ۱۹۷۵ ۵۸۰۰۰۰هکتارزمین آبیاری می‌شد.

یکی‌از اولویت‌های‌اقتصادی کوبا افزایش‌تولید شکر است. همخوان با اهمیت این رشته برای اقتصاد کوبا ۱۷ سال‌پیش(۱۹۶۴)وزارتی بنام "وزارت صنایع شکر" تاسیس‌شد. کوبایی‌ها برای بالابردن‌کارایی‌تولید به‌تدابیر وسیعی برای‌بازسازی صنایع شکر همت‌گماشته‌اند. مساحت‌نیشکرزارهای کوبادرحدود ۱/۵میلیون‌هکتار است. مکانیزاسیون برداشت‌محصول نیشکر (سافرا ZAFRA-) هرچه‌بیشتر توسعه‌می‌یابد. بر پایه‌آمار سه سال پیش (۱۹۷۸) درجه مکانیزاسیون برابر با ۳۹درصد بود. دراین‌زمینه کمباین‌های مخصوص برداشت محصول نیشکر، که برای نخستین‌بار در کوبا بکمک‌اتحادجماهیر شوروی‌سوسیالیستی ساخته‌میشود، دارای اهمیت به‌سزاست. در سال‌های ۱۹۷۶–۱۹۸۰، در مقایسه با سالهای ۱۹۷۱–۱۹۷۵، محصول شکر در کوبا ۲۵ درصد افزایش‌یافت.

دیگر اولویت‌کشاورزی‌کوبا مرکبات

بقیه‌درصفحه۹

مهم‌ترین رویدادهای تاریخ کوبا

۱۴۹۲ـ کریستف‌کلمب کوبارا کشف می‌کند.
۱۵۱۴ـ تاسیس هاوانا
۱۸۶۸ـ ۱۸۷۸ـ جنگ اول استقلال علیه استعمارگران‌اسپانیائی.
۱۸۹۵ـ ۱۸۹۸ـ جنگ دوم استقلال
۱۸۹۹ (اول‌ژانویه)ـ پایان استعمار اسپانیا و آغاز مداخلات ایالات متحده آمریکا درکوبا.
۱۹۰۲ (۲۰مه)ـ اعلام تشکیل جمهوری کوبا.
۱۹۰۳ـ قرارداد با ایالات‌متحده آمریکا دربارهٔ پایگاه گوآنتانامو
۱۹۲۴ـ شروع دیکتاتوری ماچادو.
۱۹۲۵ (۱۷اوت)ـ تاسیس نخستین حزب‌مارکسیستی ـ لنینیستی کوبا (حزب کمونیست‌کوبا) ازسوی کارلوس‌بالینو و خولیوآنتونیوملا
۱۹۳۳ـ (۱۲اوت) سرنگونی ماچادو، دیکتاتور کوبا،
۱۹۴۰ـ وحدت "حزب‌کمونیست‌کوبا" با "اتحادیه انقلابی" وتشکیل "حزب سوسیالیستی خلق"
۱۹۴۵ (۲۴اکتبر)ـ عضویت در "سازمان ملل‌متحد"
۱۹۵۲ (۱۰مارس)ـ کودتای باتیستا
۱۹۵۳ (۲۶ ژوئیه)ـ حملهٔ‌گروهی، به‌رهبری فیدل‌کاسترو، به "پادگان مونکادا"، آغاز مبارزهٔ مسلحانه "جنبش ۲۶ژوئیه".
۱۹۵۶ (۲دسامبر)ـ پیاده‌شدن سرنشینان گرانما" در "اورینته"
۱۹۵۷ (۱۳مارس)ـ هجوم دانشجویان چپ‌افراطی به‌کاخ ریاست‌جمهوری، تشکیل "رهبری انقلابی ۱۳ مارس".
۱۹۵۹ (۱ژانویه)ـ پیروزی انقلاب مردمی
۱۹۵۹ (فوریه)ـ فیدل‌کاسترو نخست‌وزیرمی‌شود.
۱۹۵۹ (۱۸ژوئن)ـ کناره‌گیری‌رئیس‌جمهورموقت‌وانتخاب دکتراوسوالد و دورتیکوس‌تورادو به‌این‌سمت.
۱۹۶۰ (۱۷مه)ـ ایالات‌متحدهٔ‌آمریکاکمک‌خود‌را به کوبا قطع می‌کند.
۱۹۶۰ـ (ژوئیه)ـ مصادره پالایشگاه‌های‌نفت ایالات‌متحده‌امریکا در کوبا
۱۹۶۱ (۳ژانویه)ـ ایالات‌متحده آمریکا مناسبات خود را با کوبا قطع میکند
۱۹۶۱ (۱۶آوریل)ـ اعلام سرشت سوسیالیستی انقلاب کوبا.
۱۹۶۲ (۲۸اکتبر)ـ موضع قاطع اتحادشوروی تهدیدات مداخله گرانهٔ ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا را در کوباعقیم میگذارد.
۱۹۶۴ (ژوئیه)ـ اعلام محاصرهٔ‌کوبا ازسوی "سازمان‌کشورهای‌آمریکایی".
۱۹۶۵ (۱اکتبر)ـ تغییر نام "حزب متحد انقلاب سوسیالیستی" به "حزب کمونیست‌کوبا"
۱۹۶۹ (ژوئن)ـ شرکت نمایندگان "حزب‌کمونیست‌کوبا" در جلسهٔ مشورتی احزاب‌کمونیست وکارگری در مسکو بعنوان ناظر.
۱۹۷۲ (مه‌ـ ژوئیه)ـ سفر فیدل کاسترو به اتحادشوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی.
۱۹۷۲ـ (ژوئیه) کوبا به "شورای‌همیاری اقتصادی "می‌پیوندد.
۱۹۷۸ (۱۷اکتبر)ـ عضویت‌در "سلا".
۱۹۷۵ (۲۲ـ ۱۷ دسامبر)ـ نخستین‌کنگرهٔ "حزب‌کمونیست‌کوبا"
۱۹۷۶ (۲۴ فوریه)ـ اتخاذ نخستین قانون‌اساسی سوسیالیستی
۱۹۷۹ (۷ـ۳سپتامبر)ـ ششمین کنفرانس‌سران کشورهای غیر متعهد درهاوانا
۱۹۸۰ (۲۰ـ۱۷دسامبر)ـ دومین‌کنگرهٔ "حزب کمونیست‌کوبا"

کوبای انقلابی...

بقیه از صفحه ۸

است، که فزون بر شکر دارای اهمیت صادراتی است. درسال ۱۹۷۶ مساحت باغ‌های مرکبات بیش از ۲۰۰۰۰۰ هکتار بود. تولید سالیانه مرکبات، که در سال ۱۹۶۴ برابر با ۱۱۹۲۹۴ تن بود در سال ۱۹۷۸ به ۲۸۰۰۰۰ تن رسید.

در کشاورزی کوبا همچنین به دامپروری توجه خاص میشود. تولید شیر در کوبا پیوسته رو به افزایش بوده و در سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۸ دوبرابر شده است. تولید تخم مرغ، که درسال ۱۹۶۵ برابر با ۷۲۰ میلیون دانه بود، در سال ۱۹۷۸ به ۱/۷ میلیارد دانه افزایش یافت. جدول شماره ۴ شماره دام‌های کوبا را در سالهای اخیر نشان میدهد.

پیش از انقلاب، علیرغم منابع غنی، ماهیگیری در کوبا تقریبا بی اهمیت بود. در پرتو پایه‌گذاری تعاونی‌های ماهیگیری و گسترش ناوگان صید ماهی در اقیانوس، این صنعت روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد. محصول ماهی که در سال ۱۹۵۹ برابر با ۱۹۰۰۰ تن بود، در سال ۱۹۷۸ به بیش از ۲۰۰۰۰۰ تن رسید.

بازرگانی خارجی: ۸۵ درصد صادرات کوبا شکر و مشتقات آنست. فرآورده‌های گیاهی و نیکل نیز از مهم‌ترین اقلام صادراتی کوبا هستند. این کشور همچنین تنباکو، مرکبات و برخی مواد غذایی صادر می‌کند. صادرات نیکل کوبالت ــ سولفات کوبا برابر با ۲۳/۲ میلیون پسو بود. ۸۰ درصد مبادلات بازرگانی خارجی کوبا با کشورهای سوسیالیستی است. در این زمینه اتحاد شوروی، با ۳۴۵۲/۱ میلیون روبل، در مقام اول قراردارد.

جدول شماره ۵ مبادلات بازرگانی خارجی کوبا را در سالهای اخیر نشان می‌دهد.

کوبا در ۲۱ تیر ۱۳۵۱ (۱۲ ژوئیه ۱۹۷۲) به "شورای همیاری اقتصادی" پیوست. این کشور همچنین در "بانک بین‌المللی همکاری اقتصادی" و "بانک سرمایه‌گذاری بین‌المللی" عضویت دارد و در همه کمیسیون‌ها و کمیته‌های "شورای همیاری اقتصادی" فعال است. با شرکت کوبا در روند هم پیوندی اقتصادی سوسیالیستی، در چارچوب "شورای همیاری اقتصادی"، گام بزرگی در راه تحکیم جامعه کشورهای سوسیالیستی برداشته شد.

مهم‌ترین شریکان بازرگانی خارجی کوبا در جهان سرمایه‌داری عبارتند از: ژاپن، کانادا، اسپانیا و بریتانیا. در مناسبات اقتصادی و علمی ــ فنی کوبا با کشورهای آمریکای لاتین، مکزیک مقام مهمی حائز است.

وضع زحمتکشان: پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری باتیستا، کوبا در همه گستره‌های زندگی اجتماعی به دستاوردهای درخشانی دست یافت. درسال ۱۹۵۸ از ۲/۲ میلیون زن و مرد کوبایی در سن کار تنها ۶۲ درصد شاغل و ۱۰ درصد نیمه شاغل بودند. امروزه در کوبا از بیکاری نشانی نیست. سطح زندگی زحمتکشان کوبا، به‌ویژه در روستاها، پیش از پیروزی انقلاب بسیار نازل بود. ۶۰ درصد روستائیان در کلبه‌هائی محقر زندگی میکردند. درآمد سرانه از ۳۶۴ پسو در سال ۱۹۵۸ به ۶۵۰ پسو درسال ۱۹۷۸ افزایش یافت. در کوبا، برپایه برنامه خانه‌سازی فراگیر، هرچه بیشتر در روستاها و مراکز صنعتی برای زحمتکشان خانه ساخته میشود (در سال ۱۹۷۸: ۱۶۵۰۰ واحد).

یکی از بزرگترین دستاوردهای اجتماعی کوبا تامین برابری زنان با مردان، به‌ویژه در روند کار است. در حالیکه درسال ۱۹۵۹ تنها ۱۹۴۰۰۰ زن کوبایی کار می‌کردند، این رقم در سال ۸۱ به درحدود ۸۵۰۰۰۰ رسید. (تنها درسال ۱۹۷۷، ۵۲۰۰۰ زن وارد روند تولید شدند). بدینسان، اکنون یک سوم زحمتکشان کوبا زن هستند. این سهم دربخش هایی چون آموزش و پرورش بهداری و صنایع نساجی به ۶۰ درصد می رسد. اکنون ۳۸ هزار زن کوبایی، مدیر کارخانه و موسسات و سازمان‌های گوناگون هستند. تنها در پنج سال اخیر برشماره زنان کوبایی، که در اقتصاد، سیاست علم و فرهنگ دارای سمت‌هایی برجسته‌اند، ۱۰ هزار افزوده شده است.

جدول شماره ۱ — تولید صنعتی (۱۰۰=۱۹۷۰)

۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸
۱۰۴	۱۱۱	۱۲۵	۱۵۲	۱۵۶	...	...

جدول شماره ۲ — تولید مهم‌ترین فرآورده‌های صنعتی کوبا (به میلیون تن)

	۱۹۵۸	۱۹۷۰	۱۹۷۳	۱۹۷۵	۱۹۷۷	۱۹۷۸
شکر	۵/۹	۸/۳۵	۵/۲۵	۶/۴	۶/۴	۷/۳
سیمان	۰/۷	۰/۷	۱/۷۵	۲/۱	۲/۵	۲/۷
نیکل	۰/۰۲	۰/۰۳۶	۰/۰۳۵	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶	۰/۰۳۶
فولاد	۰/۰۲۴	۰/۱۴	۰/۲۲	۰/۲۴	۰/۳	۰/۳۵
انرژی برق (میلیارد کیلووات ساعت)	۲/۵	۴/۰	۴/۶	۶/۵	۷/۰	...
پارچه (میلیون مترمربع)	۶۰	...	۱۲۴	۱۴۵	...	۱۵۰
کود	۰/۲	۰/۵۷	۰/۶۶	۱/۰	۱/	۱/۱

جدول شماره ۳ — تولید مهم‌ترین فرآورده‌های کشاورزی (به ۱۰۰۰ تن)

	۱۹۵۸	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۷۷	۱۹۷۸
برنج	۲۲۵	۳۲۶	۳۸۶	۴۵۱	۴۲۰
سیب‌زمینی	...	۴۶	۱۲۱	۱۵۰	۲۱۵
شیر	...	۳۶۹	۵۹۱	۶۳۰	۷۰۰
مرکبات	۱۰۰	۱۵۵	...	۲۲۴	۲۸۰
قهوه	...	۲۹	۲۵	۲۹	۲۷
ذرت	...	۱۱۵	...	۳۶۵	...
تخم مرغ (میلیون دانه)	۲۸۰	۱۴۲۵	۱۸۵۱	...	۱۷۰۰

جدول شماره ۴ — شماره دام (میلیون راس)

	۱۹۶۳	۱۹۷۰	۱۹۷۲	۱۹۷۵	۱۹۷۸
اسب و قاطر	۰/۴۸	۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۸	۰/۷
گاو	۶/۷	۵/۷۲	۵/۳۴	۷/۵	۸/۰
خوک	۱/۲۱	۱/۴۹	۱/۴۵	۱/۵	۱/۵
گوسفند	۰/۲	۰/۲۸	۰/۳	۰/۳	۰/۳

جدول شماره ۵ — مبادلات بازرگانی خارجی (میلیارد پسو)

	۱۹۵۹	۱۹۶۵	۱۹۷۰	۱۹۷۳	۱۹۷۵	۱۹۷۸
صادرات	۰/۶	۰/۷	۱/۱	۱/۲	۳/۰	۳/۲
واردات	۰/۷	۰/۹	۱/۳	۱/۵	۳/۱	۳/۵

هواداران صادق ولی ناآگاه «مجاهدین خلق» بتدریج آگاه می‌شوند و به جبهه انقلاب می‌پیوندند

● هواداران صادق ولی ناآگاه «مجاهدین خلق» را می‌توان و باید با حوصله و پیگیری ارشاد کرد و به جبهه انقلاب بازگرداند.

بدنبال چاپ پاسخ ما به نامه یکی از هواداران "سازمان مجاهدین خلق" (اتحاد مردم ــ شماره ۱۰۳) تاکنون نامه‌های متعددی از هواداران "مجاهدین خلق" دریافت داشته‌ایم. این واکنش ــ صرفنظر از چگونگی آن ــ خود نشان‌دهنده آنست که بحث درباره مشی و سیاست و روشی که بسود انقلاب و یا به زیان انقلاب است ــ و بر این اساس بررسی مشی و سیاست و روش "سازمان مجاهدین خلق" ــ مفید و موثر است و حداقل در درازمدت میتواند هواداران صادق، ولی ناآگاه "مجاهدین خلق" را از مشی و سیاست و روش ضدانقلابی رهبری "مجاهدین خلق" جداکند و آنها را به جبهه انقلاب بازگرداند.

درمیان نامه‌های رسیده، برخی هنوز حاوی ناسزا و اتهام به "اتحاد مردم" است، که به مخالفت با مشی و سیاست و روش ضدانقلابی رهبری "مجاهدین خلق" برخاسته، امری که تازگی ندارد و شایسته پاسخگوئی هم نیست. ولی برخی دیگر از این نامه‌ها، صرفنظر از قضاوت‌ها و ارزیابی‌های نادرستی که هنوز درآنها وجود دارد، در اساس حاکی از آگاهی به ضدانقلابی بودن مشی و سیاست و روش رهبری "سازمان مجاهدین خلق" و نشانه روی آوردن نویسندگان آنها به جبهه انقلاب است.

در زیر مامهمترین نکات یکی از جالب ترین این نامه‌ها را چاپ می‌کنیم، باشد که هواداران صادق ولی ناآگاه "مجاهدین خلق" بیش از پیش درباره ماهیت ضدانقلابی مشی و سیاست و روش رهبری "سازمان مجاهدین خلق" تامل کنند و چون نویسنده نامه، تا به کلی دیر نشده، به جبهه انقلاب بازگردند.

ف.غ ــ هوادار سابق "سازمان مجاهدین خلق"، درابتدای نامه اش مینویسد:

"من یکی از هواداران سابق مجاهدین خلق هستم. دیشب با خواندن اتحاد مردم شماره ۱۰۳ (نامه یکی از هواداران مجاهد و پاسخ اتحاد مردم) ــ که (نویسنده نامه) ترور را به دو قسمت خوب و بد، خلقی و ضدخلقی، انقلابی و ضدانقلابی تقسیم کرده بود و شما را متهم کرده بود که هر ترور یا جنایت سیاسی را به حساب سازمان مینویسید، این حرکت را مثبت و مفید تلقی کردم که هواداران سازمان از تحریم روزنامه‌ها و نشریات دگراندیشان دست برداشته و آنها را مطالعه میکنند. وظیفه خود دانستم از تحلیل‌های سازمان طی این دوسال و نیم بعد از انقلاب مروری بکنیم، به این امید که هواداران صادق معیارهای ذهنی را کنار بگذارند و واقعیت‌ها را قبول بکنند.

ببینیم چرا سازمان اکنون در جبهه ضدانقلاب و براندازی قرار گرفته و دست آخر بارسیدن به تروریسم کور به ضد هدف‌هایی که داشته، رسیده است؟

سازمان میخواست ایادی داخلی امپریالیسم را از بین ببرد، برعکس آنها را تقویت کرد، زیرا ایادی داخلی امپریالیسم (سرمایه‌داران ــ بزرگ مالکان ــ ساواکی‌ها ــ افراد سرسپرده رژیم سلطنتی ــ اویسی‌ها ــ پالیزبانها ــ آریاناها ــ انواع مائوئیستهای رنگارنگ) دست به جنایت میزنند و بحساب سازمان تمام میشود. زیرچتر سازمان دست به ترور و بمب‌گذاری برای به‌وجودآوردن جو وحشت و ناامنی و با احتکار مواد اصلی زندگانی مردم و ایجاد گرانی و تورم میخواهند توده‌ها را از انقلاب مایوس بکنند و انقلاب را از درون مسخ بکنند.

سازمان میخواست به اصطلاح قشریون و انحصار طلبان را تضعیف بکند (آنها) تقویت شدند و انحصار طلبی ضربه بزرگی به انقلاب می‌زند. برای آزادیهای دمکراتیک مبارزه میکرد. می‌بینیم بعد از شروع شدن ترور، آزادی‌های دمکراتیک خیلی محدود ..ه است".

هوادار سابق "سازمان م هدین خلق" در ادامه نامه خود از ه دران ناآگاه "مجاهدین خلق" م‌ی د:

"سازمان در تحلیل خ لاب به سازمان چریک‌های فدائی هرگونه درگیری را درآن زمان (درگیری‌های گنبد) به نفع امپریالیسم و به ضرر انقلاب می‌دانست و ازآنها خواست که ا .حه را کنار بگذارند و با امام خمینی و . رحو م آیت الله طالقانی درباره علل درگیری صحبت کنند. حالا که امپریالیسم آمریکا هارتر از آن زمان شده است، چون امید خود، یعنی لیبرال‌ها را که حافظ منافع امپریالیسم بوده، از دست داده و نیروهای واکنش سریع همینجا بیخ گوش ما در خلیج فارس مستقر هستند تا با یک اشاره به ایران حمله کنند، چرا سازمان در مقابل خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی ایستاده است؟

تنها راه نجات سازمان، البته نه برای رهبری که دیگر امید برگشت نیست، بلکه برای اعضا و هواداران صادق محکوم کردن تروریسم است تا چهره تروریست‌ها و بمب‌گذارها که امید امپریالیسم امریکا هستند مشخص و عریان شود و توده‌ها، بقول امام خمینی این تفاله‌های امپریالیسم آمریکا را بیرون بریزند.

اما سئوال من از مجاهدین این است: نیروهای واکنش سریع آمریکا در خلیج فارس مستقر و مجهز و آماده برای هرگونه عملیات نظامی هستند و اگر توطئه‌های آمریکا برای شکست انقلاب ضدامپریالیستی ایران (حمله صدام و توسعه تروریسم) با شکست مواجه شود، آمریکا از نیروهای واکنش سریع که روزانه مخارج هنگفتی برای آمریکا دربردارد، حتما علیه ایران استفاده خواهد کرد.

شما مطمئنا در مقابل تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا خواهید ایستاد. معنی این عمل اینست که شما از این رژیم در مقابل تجاوز نظامی آمریکا دفاع خواهید کرد. حالا چرا با تروریسم پایه‌های این نظام را سست میکنید؟"

هوادار سابق "مجاهدین خلق" سپس می‌افزاید:

"سازمان دست به یک تاکتیک خطرناک زد و آن اتحاد با لیبرال ها علیه با صطلاح ارتجاعیون و قشریون بود با نظری کوتاه به حرکت‌های لیبرال‌ها و پیروان خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی، راه غلطی که سازمان درآن قدم گذاشت و ضربه آنرا به انقلاب بعد از یکسال می‌بینیم، مشخص میشود:

الف ــ سیاست خارجی ــ امام خمینی آمریکا را دشمن اصلی خلق های مستضعف دانسته و از مردم با هرعقیده و مسلکی خواسته است تا در مقابل شیطان بزرگ آمریکا متحد شوند. لیبرال‌ها سیاست گام به گام میخواستند جاده سازش با امپریالیسم آمریکا را هموا. .ند و آمریکا را از زیر ضربه خارج ک. ... امام خمینی شوروی را مطرح میکردند تا آمریکا (مد سی شود).

ب ــ سیاست داخلی ــ اما خمینی نهادهای انقلابی را تقویت کرده و خواستار گسترش و توسعه آنها بود. اما لیبرالها با نقاط ضعف و خطاهائیکه گاهی از نهادهای انقلابی سرمی‌زد، بر کلیه کارهای مثبت نهادها خط بطلان کشیده و آنهارا تضعیف میکردند. امام خمینی خواستار قاطعیت در مقابل افراد سرسپرده رژیم سلطنتی بود. اما لیبرال‌ها نه تنها از آنها دفاع، بلکه آنهارا از زندان آزاد میکردند (به‌خصوص خلبان شاه سرهنگ معزی، که به دستور بنی صدر از زندان آزاد شد و سرانجام بنی صدر ورجوی همراه او به پاریس فرار کردند)

ج ــ اقتصادی ــ امام خمینی همیشه خواستار عدالت اجتماعی و رفع ستم از طبقات محروم جامعه است لیبرالها با مصادره اموال سرمایه‌داران بزرگ و ملی کردن کارخانه‌ها به طور موذیانه مخالفت میکردند و می‌گفتند برای از بین بردن بیکاری باید این آقایان سرکار برگردند. با ملی کردن تجارت خارجی (وکوتاه کردن) دست دلالها و واسطه‌ها (که خون طبقه محروم را می‌مکند) مخالف بودند. بنی صدر گفت: "تا وقتی که با استقلال ترسیم ملی کردن تجارت خارجی معنی ندارد".

سازمان مجاهدین خلق تمام فعالیت خودرا روی مبارزه با ارتجاع گذاشت و هیئت حاکمه را همگن و مرتجع میدانست، درصورتیکه در هیئت حاکمه عناصر واقع بین و روشن بین بودند که با انحصار طلبی و تنگ نظری مخالف بودند و خواستار آزادیهای دمکراتیک و اجرای قانون اساسی بودند."

هوادار سابق "مجاهدین خلق" سپس درمورد شیوه صحیح برخورد با هواداران ناآگاه و فریب خورده "مجاهدین خلق" می‌نویسد:

"در مورد کسانی که مستقیما اسلحه به دست دست به ترور میزنند باید با قاطعیت عمل کرد. اما درمورد هوادارانی که دستگیر میشوند باید با درایت و آگاهانه عمل کرد و برنامه‌های تربیتی برای آنها ایجاد کرد تا در یک محیط دور از وحشت حقایق را درک کنند و به‌قول امام تمام قلم‌ها و مسلسلها را به‌سوی آمریکا نشانه بروند.

البته مسئولان مملکتی باید صبر بیشتری داشته باشند. انتظار اینکه اینها طی یک یا دو هفته به اشتباه‌هایشان پی ببرند نداشته باشند. سعادتی مجاهد که عضو کادر مرکزی بود و سالها با رژیم سلطنتی مبارزه کرده بود، پس از دوسال فهمید راهی که سازمان درپیش گرفته اشتباه است و به‌خاطر اینکه نگویند توانائی ادامه مبارزه را نداشت و خیانت کرد، حتی زندگی خودرا در این راه گذاشت. به نظر من جریان سعادتی نه به این زودی ولی در درازمدت در درون سازمان رشد خواهد کرد.

هوادار سابق "مجاهدین خلق" درپایان نامه خود می‌نویسد:

"خواهران و برادران عزیز ممکن است برمن ایراد بگیرند که با نوشتن این مقاله به سازمان ضربه میزنم. ولی به نظر من مسئله سازمان یا فلان حزب یا گروه در این مقطع مطرح نیست، بلکه مسئله مبرم و اساسی تحکیم و گسترش و برگشت ناپذیری این انقلاب بزرگ و اسلامی است که بیش از ۷۰ هزار شهید و صد ها هزار معلول داده‌ایم و اگر این انقلاب شکست بخورد، دژخیمان امپریالیسم مجاهد و حزب‌الهی را ازهم سوا نمی‌کنند و همه را قتل عام خواهند کرد. پس لااقل شما در برگشت پذیری انقلاب نقشی نداشته باشید. تاریخ و آیندگان این اشتباه بزرگ را بر شما نخواهند بخشید."

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هشدار می دهیم!

خطر تجاوز امپریالیسم آمریکا و مزدورانش از کشورهای ارتجاعی مجاور به میهنمان جدی است

هم میهنان مبارز وانقلابی!

اطلاعات وشواهد موجود بطوربسیارجدی حاکی ازآن است کهامپریالیسم آمریکا با شکست های اخیرارتش تجاوزگر صدام و با شکست نقشهٔ خائنانه وجنایتکارانه بنی صدر و رجوی وهمهٔ باندهای ضدانقلابی وسلطنت طلب ـ اکنون برای نابودی انقلاب ما وسرنگونی جمهوری اسلامی نقشه جدیدی طرحریزی کرده است.

امپریالیسم آمریکا می خواهد یکبار دیگر توطئه اشغال بخش مهمی ازخاک میهن ما وتشکیل یک دولت ضدانقلابی در مناطقی که نقشهٔ اشغال آنرا کشیده است، امتحان کند. این همان توطئه ای است که هدف اصلی تجاوز صدام به خاک ایران بود امامقاومت دلیرانه ویکپارچه خلق ما آن را درهم شکست.

درمردادماه سال گذشته، زمانی که بیش از یک ماه به آغاز هجوم گسترده رژیم صدام به میهن باقی مانده بود. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بنا به وظیفه ملی، میهنی وانقلابی خود طی اعلامیه ای از خطر تجاوز قریب الوقوع ارتش صدام به ایران و نقشهٔ گسیل نیروهای ضدانقلابی سلطنت طلب و وابسته به امریکا به مناطق اشغالی باوضوح تمام پرده برداشت. متاسفانه در آن زمان چون بنی صدر در راس این فرماندهی کل قوا بود، به این هشدارهای ما وهمهٔ نیروهای مدافع انقلاب ومدافع استقلال وآزادی ایران توجه نشد و به همین علت بخشی از خاک میهن ما به اشغال جنایتکاران مزدور صدام درآمد و این جنگ بدین شکل به ما تحمیل شد.

اکنون یکبار دیگر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نسبت به تکوین یک توطئهٔ تجاوزکارانهٔ جدید به خلق قهرمان ایران هشدار می دهد. تمام شواهد نشان می دهد پس از شکست توطئه براندازی جمهوری اسلامی از طریق توسل به جنایتکارانه ـ ترین عملیات تروریستی، اکنون دوباره امپریالیسم آمریکا ودولت های ارتجاعی مجاور مجددا آماده می شوند تا از جانب جنوب، جنوب شرقی و شمال غربی وارد خاک ما شوند و مناطق وسیعی را به اشغال خود درآورند. و اگر بتوانند یک دولت دست نشاندهٔ متشکل از ضدانقلابیون فراری در این مناطق برای خود تشکیل دهند.

تمام شواهد نشان میدهد که شکست های جبران ناپذیر وپیاپی ارتش صدام در جبهه های کرخه نور، آبادان بستان و گیلانغرب، که ثمرهٔ حماسه آفرینی های رزمندگان مسلح ماست، امپریالیسم آمریکا ودیگر رژیم های ارتجاعی را به فکر تدارک توطئه تجاوزکارانه جدیدی انداخته است.

دولت ریگان طرح عملیات اشغال برق آسای نواحی نفت خیز جنوب ایران را، که در زمان کارتر تهیه شده بود، تکمیل کرده است. برای این عملیات اسم رمز **تریب وایر** "انتخاب شده است ومانورنظامی اخیر امریکا وتقویت نیروهای "**تجاوزسریع** آن در منطقه خلیج فارس ودریای عمان به منظور تمرین وتدارک طرح اشغال جنوب ایران صورت گرفته است الکساندرهیگ درکمال وقاحت اعلان کرده است که برای روی کارآوردن دولتی در ایران، که طرفدار ارزش های غربی باشد، ازهیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

وزیر دفاع دولت ریگان اخیرا به ترکیه رفته است و از دولت ارتجاعی ترکیه خواسته است که علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان نقش فعالتری برعهده بگیرد. دولت آمریکا از همهٔ کوشش های ژنرال های ترک برای تدارک حمله به ایران وبسیج و سازماندهی افسران ارتش شاه و دیگر ضدانقلابیون فراری وسیعا حمایت می کند. هم اکنون در پادگان های ارتش ترکیه دهها هزاراز این نیروهای سلطنت طلب به هزینه دولت امریکا و ترکیه وکمک های مالی بیدریغ سرمایه داران فراری ایران نگهداری می شوند. روستاهای مرزی ترکیه حالت کاملا نظامی به خود گرفته و سکنهٔ غیر ـ نظامی آن تخلیه شده اند. مردم مرز نشین ایران نیز در اوج نگرانی اموال و رمه های خودرااز محل هایی که درمعرض خطر قرار دارند، خارج می کنند. دارو دسته ضدانقلابی قاسملوی خائن با پایگاه ـ های ضدانقلابیون فراری در ترکیه مراودهٔ منظم دارند. قاسملو اخیرا گفته است که با عضویت در "**شورای مقاومت ملی**" امکانات وسیعی به دست آورده است. خوانین مرتجع آذربایجان غربی، کردستان وکرمانشاهان نیز با دولت های عراق وترکیه نزدیکترین روابط را برقرار کرده اند.

سفرالکساندر هیگ وزیر خارجهٔ امریکا به پاکستان، که به علت حوادث لهستان به تاخیر افتاد، فرار است درآینده نزدیک انجام شود. این مسافرت دوهدف دارد. کمک های بیشتر به مزدوران افغانی وپاکستانی علیه انقلاب افغانستان وکمک های بیشتر به پاکستان برای به پایان بردن تدارکات نظامی برای تهاجم به ایران در منطقه سیستان وبلوچستان. امپریالیسم امریکا به حکام نظامی پاکستان ۳/۲ میلیارد دلار کمک کرده است. دولت پاکستان درمرزهای خود با ایران از ماه ها پیش به این طرف مشغول ساختن راه های ارتباطی واستحکامات نظامی بوده است. بخش مهمی از ضدانقلابیون ایران نیز در پاکستان گردآمده و به تمرینات وتدارکات نظامی مشغولند. خوانین مرتجع سیستان وبلوچستان هم با دولت پاکستان و هم با مرتجعین آنسوی خلیج فارس مناسبات تنگا ـ تنگی برقرار کرده اند.

دوهفتهٔ قبل **کنان اورن** رئیس دولت فاشیست ترکیه به پاکستان رفت وبا **ضیاء الحق** رئیس دولت فاشیست پاکستان، که هر دو از شناخته شده ترین رژیم های امریکائی منطقه بشمار می روند، ملاقات وراجع به هماهنگی نقشه های تجاوزکارانه علیه میهن ما مذاکره کرده است. آخرین تصمیم مشترک دولت های آمریکا، ترکیه، عربستان وپاکستان و شیوخ مرتجع خلیج فارس برای هجوم به ایران و اشغال مناطق جنوبی و غربی ایران حاکی از آن بوده است که این نقشه برای زمستان امسال به اجراگذاشته میشود. تسریع وتشدید فعالیت دیپلماتیک ونظامی مرتجعین منطقه در یک ماهه اخیر کاملا هشدار دهنده است.

هم میهنان آگاه و مبارز!

اکنون که توطئهٔ مشترک مجاهدین، لیبرال ها وسلطنت طلبان وهمهٔ گروهک های ضدانقلابی با شکست مواجه شده است، اکنون که جنگ تحمیلی صدام میرود که به سود ما به پایان پیروزمند خود نزدیک شود، اکنون که انقلاب ما می رود که گام ـ های بسیار مهمی به سود توده های وسیع مردم محروم وزحمتکش بردارد. بزرگ مالکی و کلان ـ سرمایه داری رابراندازد وغارتگری سرمایه داران و فئودالها رامهارکند. اکنون که پایه های انقلاب ما می رود که با بدست آوردن پیروزیهای بسیار مهمی برسرمایه داری وفئودالیسم مستحکم گردد امپریالیسم امریکا ومرتجعین کشورهای مجاور و همهٔ دستجات ضدانقلابی داخلی مسلما بیکار ننشسته اند وبیکارهم نخواهند نشست. همهٔ دشمنان خلق ما برای اینکه جلوی انقلاب ما را بگیرند، بخصوص برای اینکه نگذارند انقلاب ریشه پایگاه های اجتماعی مهم آنها، یعنی سرمایه داران بزرگ وفئودال ها را ازدل جامعه بکند وبرای مردم زحمتکش کاری بکند، دست به دست هم می دهند که برماهجوم بیاورند، قسمتی از خاک ما را اشغال کنند، میهنمان را دستخوش تجزیه سازند. این نقشه ای است که در زمان کارتر تهیه شده واکنون تکمیل گردیده است. مافدائیان خلق ایران (اکثریت) نسبت به خطر اجرای این نقشه به همهٔ نیروهای مبارز وانقلابی، به میلیونها مردم مبارز وزحمتکش میهن وبه دولت جمهوری اسلامی هشدار می دهیم.

هم میهنان آگاه و مبارز!

اکنون که دشمنان داخلی و خارجی ما از توطئه و تجاوز علیه انقلاب ما و میهن انقلابی ما دست برنمی دارند، وظیفهٔ ما چیست؟ آیا وظیفه ای مهمتر و حیاتی تر از دفاع از این میهن انقلابی سراغ داریم؟ امپریالیست ها به سرکردگی امریکای جنایتکار و همهٔ رژیم های ارتجاعی منطقه قصد دامن زدن به تجاوز به حریم میهن ما را دارند. در برابر این توطئه ها وظیفهٔ یکایک ماست که به هر طریق که می توانیم و درهرحدی که ازعهدهٔ ما ساخته است، در راه حفظ استقلال یکپارچگی وتمامیت میهنمان ودفاع ازدستاورد های انقلابمان، در راه سرافرازی وسعادت مردممان بکوشیم. بایستیم و تاپای جان بانثار همه هستی خود پیروزی هایی راکه در انقلاب بدست آورده ـ ایم، حفظ کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای مدافع انقلاب وجمهوری اسلامی ایران را، باهرمرام وعقیده ای که باشد، فرامی خواند صفوف خودرا فشرده تر سازند. دشمن اصلی امپریالیسم امریکا وعمال جنایتکار آن را از یاد نبریم و همانگونه که **امام خمینی** رهبر انقلاب بارها تاکید کرده اند، ازهرگونه تفرقه ودشمنی بپرهیزیم وراهی در پیش نگیریم که خواست و نیاز دشمنان ماست. اتحاد، رمز پیروزی ماست، رمز شکست ناپذیری ماست. ما از همهٔ نیرو ـ های مدافع انقلاب وپشتیبان خط ضدامپریالیستی ومردمی **امام خمینی** مصرانه می خواهیم که از یاد نبرند که اگر امروز ما دست به دست یکدیگر ندهیم وهمهٔ نیروهایمان را برای مقابله با این توطئه تجاوزگرانه امریکائی به کار ببندیم تاریخ قضاوت سختی درباره ما خواهد داشت. اگر همه با هم متحد باشیم، امریکا وهمهٔ دشمنان انقلاب راحتما شکست خواهیم داد. مایه کمال تاسف ماست که می بینیم، چه درمیان مسئولین جمهوری اسلامی وچه درمیان سایرنیروهای مدافع انقلاب کسانی یافت میشوند که علیرغم خطراتی که بطور بسیارجدی انقلاب ما را تهدید می کند. دست از تفرقه جویی و کینه پراکنی علیه یاران صدیق انقلاب نمی شویند. مافدائیان خلق (اکثریت) با تمام نیرودر سراسر ایران، در هرکجا که باشیم، ازهیچ کوششی برای نزدیک کردن، فشرده کردن و متحدکردن همهٔ نیروهای مدافع انقلاب دریغ نخواهیم کرد. ما ازهمهٔ مدافعان انقلاب می ـ طلبیم که در این لحظات حساس که سرنوشت میهن مان مطرح است، برای مقابله با دشمنان انقلاب واستقلال و آزادی مان متحد شوند و توطئه عوامل دشمن را برای دامن زدن به تفرقه ونفاق میان مردم ومنحرف کردن توجها نان از خطراتی که انقلاب را تهدید میکند، در نطفه ناکام گردانند.

خطرتشدید تجاوز نظامی به میهن ما جدی است. درچنین شرایطی دفاع ملی وآمادگی وهشیاری همهٔ ما مهم ترین وظیفهٔ ماست. ما درآغاز جنگ عراق با ایران ازهمگان خواستیم که به بسیج بپیوندند. متاسفانه در ماه های بعد، بدون توجه به این امر بسیارمهم که دفاع ازمیهن انقلابی وظیفه و دین هر عنصرانقلابی است که باید ادا کند، جز مسلمانان پیروخط امام سایر انقلابیون را ازپیوستن به بسیج محروم ساختند. با این سیاست، سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و سایرانقلابیون، از پیوستن به بسیج مستضعفین محروم شده اند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انحصاری کردن بسیج را سیاستی نادرست می داند وازمقامات مسئول انتظار دارد که با اتخاذ یک سیاست صحیح ازسایرمدافعین انقلاب دعوت کنند، باهرمرام وعقیده ای که باشند، به بسیج بپیوندند. ما تاکید داریم که تا دیر نشده ضروری است که این سد را بردارید، درهای بسیج را به روی نیروهای راستین انقلابی بگشائید. امید و آرزوی خلق، خلق قهرمان ماست که ارتشی واقعا ۲۰ میلیونی داشته باشد. ارتشی که تمام خلق را دربرگیرد.

دفاع در برابرتجاوز، نیروهای مسلح قوی می خواهد. تهیه سلاح های پیشرفته وکارساز ازمنابعی که برای ماوابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی بوجود نیاورد، برای ادامه دفاع از استقلالمان ضرورت حیاتی دارد. سازمان ما روی ضرورت اتخاذ یک سیاست صحیح ومستقل ومنسجم درتهیه سلاح های ضروربرای دفاع ازمیهن انقلابی مان تاکیدجدی دارد. واقعیت این است که سلاح های سنگین ارتش ایران عمدتا از امریکا وانگلیس تهیه شده است. این کشورها امروز بزرگترین دشمنان ماهستند. آنها به ما اسلحه نخواهند داد. اگر هم بدهند، استقلال ما را گروگان می ـ خواهند. آنهاوقتی به ما اسلحه می دهندکه ایران مال آنها باشد. ارتش ما باید تقویت شود. سپاه باید تقویت شود. پاسداران باید به سلاح سنگین مجهز شوند. اینها همه ضرورت هایی غیرقابل چشم پوشی است. مردم می خواهند که نیروهای مسلح ما نیرومند باشند. مردم انتظار دارند به همهٔ درنگ ها وتردیدها درزمینهٔ تهیه بدون قید وشرط سلاح های نیرومند ازکشورهایی که مدافع انقلاب واستقلال ماهستند، پایان داده شود. هر تاخیری دراین زمینه زیان های بسیار جدی ببار خواهد آورد.

کمیتهٔ مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بدین وسیله اعلام میکند که همهٔ فدائیان خلق (اکثریت) در سراسر ایران آماده ـ اند که چه در جبهه ها وچه در پشت جبهه ها به مبرم ترین وظایف خود برای دفاع دربرابرتجاوز عمل کنند. فدائیان خلق، درهرکجا که باشند، پیوستن به خدمت وظیفه وقرارگرفتن تحت فرماندهی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران راوظیفهٔ خود می شمارند. آنها از دیگران نیز دعوت می کنند که این وظیفهٔ میهنی راانجام دهند. فدائیان خلق (اکثریت) شرکت در دفاع مسلحانه از انقلاب وجمهوری را حق و وظیفهٔ انقلابی خود و همهٔ نیروهای انقلابی میدانند. فدائیان خلق (اکثریت) موکدا می خواهند که کلیه محرومیت های قانونی و غیر قانونی در راه پیوستن همهٔ نیروها در دفاع از میهن از میان برده شود.

هم میهنان مبارز!

انقلاب ما لحظات حساسی راپشت سرمی ـ نهد. توطئهٔ جدید امپریالیست ها ومرتجعین در حال تکوین است. خلق ما بی گمان توان آن را دارد که این توطئه را نیز درهم شکند. دست در دست یکدیگر بگذاریم، باهرمرام وعقیده ای که هستیم چه در جبهه های جنگ، چه در جبهه های تولید، چه در سایرسنگرهایی که هستیم، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را که ثمرهٔ خون دهها هزار شهید ماست، برپا وسرافرازنگاه داریم. امروز تاریخ ازتک تک ما فداکاری وجانبازی می طلبد، عزم وشورانقلابی می طلبد، اتحاد ویکپارچگی می طلبد همه باهم حول رهبری **امام خمینی** متحد شویم وهمهٔ توطئه های تجاوزکارانه امپریالیست ها ومرتجعین رادرهم شکنیم.

برقرارباد اتحادبزرگ همهٔ نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی وعدالت اجتماعی

پیروزباد انقلاب بزرگ ضداستبدادی، ضدامپریالیستی ومردمی ایران

کمیتهٔ مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۶۰

شرکت فعال در جنگ عادلانه بر ضد تجاوزگران صدام آمریکایی یک وظیفهٔ انقلابی است

چهل کلید سیاوش

درافسانه‌ها آورده‌اند که مغولی شیخ عطار را اسیر کرد. پس از گفت و شنیدی، که به مذاق مغول خوش‌نیامد تیغ برکشید و در دم سر از تن او جدا ساخت. اما شیخ خم شد، سرخویش بر گرفت و برگردن نهاد و سرودن منظومه "بی‌سرنامه" را آغاز کرد. و در برابر چشمان حیران مغول، پس از پایان آوردن منظومه، دوباره جان داد.

گویا منظور بافندگان این افسانهٔ ساختگی وبسیار خوش‌آمدنی، آن بوده که برای بزرگ‌مردی چون عطار، که در حق فنا شده است، مرگ وجودندارد مرگ وزندگی عطارها دردست خود آنهاست. اما از گذرگاه این افسانه به این اندیشه نیز توان رسید که شاعر راستین، تا هنگامی‌که تعهدو رسالتش را به‌انجام نرساند، خاطر آسوده‌نمی‌باید وحتی با سربریده می‌سراید.

سیاوش‌کسرائی که، آشنا و ناآشنا اورا از خودشان میدانند وصمیمانه‌اش **سیاوش** میخوانند، از زمرهٔ چنین شاعران متعهد است. او جزبه‌مردم نمی‌اندیشد و جزبه‌مصلحت آنان چیزی نمی‌سراید. **سیاوش** در تمام سال‌های خوب و بد راه مردم رفته است و با این خصلت شهرهٔ شهر شده.

"چهل‌کلید" "سیاوش" گزیدهٔ چهل وچند شعر است و هدیه‌ای به چهل سالگی دوست. **احسان‌طبری**، استاد وانسان گرانمایهٔ روزگار ما، در مقدمه‌ای بر **"چهل کلید"**، به حق نوشته‌است که:

"این جنگ کارنامه و دردنامهٔ این‌ایام است."

شکست‌ها، تردیدها، بیم‌وامیدها دربدری‌ها وهزارها درد بی درمان و درمان‌پذیر سی‌چهل‌ساله اخیر در این مجموعه بازتابی شاعرانه دارد. ازاین شعرها ساده نباید گذشت. بسیاری از این‌سروده‌ها سالها مونس وغمخوار دل سوختگان وشکسته‌دلان سرزمین‌مابوده. درسرمائی که‌سنگ رامی‌ترکاند، دل ها به‌این‌آتش گرم میشد. درشبهائی که‌تک وتوک ستاره‌ای تارهای لرزان پریده رنگش را در تاریکی دامنگیر می‌تنید، این‌پرتو، روشنائی بخش جانها بود. بیشتر این سروده‌ها، حتی اگر درکتاب ودفتر هم گردنمی‌آمد، درنهانگاه سینه‌ها محفوظ میماند وسالهای‌سال‌به زندگی شریف و پنهانی‌اش ادامه‌میداد که‌به‌قول حافظ:

به‌روزواقعه غم باشراب بایدگفت
که‌اعتماد بکس‌نیست درچنین‌زمنی

شعر **سیاوش** در آن ایام محرم و مرهم دلهابود. دلهای‌نومید را به‌هم پیوند میداد. دستهای گریزان را به هم گره‌می‌بست. نگاه‌های رمنده وفرو‌افتاده را درهم میدوخت. وگاهی‌چنان دردل وجان زمزمه‌کنندهٔ به خلوت نشسته می‌نشست، که **سیاوش** در این میان فراموش میشد و هرکس گمان‌می‌برد که‌خود، سرایندهٔ این شعرهای خوب وصمیمی است، و آنچه زمزمه میکند، زاده طبع وپنداراوست. و شاید والاترین آرزوی شاعران‌آزادهٔ مردم‌دوست همین باشد که خود از میان برخیزندوشعرشان بی واسطه برلب ها بنشیند. افسوس که **سیاوش** در پاره ای از این شعرهای قدیم دراین مجموعه، به‌مصلحت یابه‌اعتبار تجربه، دست برده‌است. ولی به‌گمان‌ما "به‌روزگاران شعرنشسته بردل" را نباید دوباره پیراسته و آراسته کرد، حتی اگر بااین بزک مختصر زیبائی‌اش چندین برابر شود.

اشعاراین مجموعه رابه سه بخش میتوان‌کرد: بخش نخست شعرهای‌پیش ازکودتای ۳۲، دوم سروده‌های بعد از کودتا تا چندماه پیش ازانقلاب، وسوم دوران هیجان‌انگیزماه‌های پیش از انقلاب تا مهرگان امسال وچهل‌سالگی دوست. شعرآزاد "در گذر از خوان هشتم"، که در مقدمه آمده، به همین بخش تعلق دارد.

سیاوش از اشعار پیش از ۳۲، تنها پنج‌شعر را برگزیده است. اشعار این‌دوران، که به‌فراوانی درجرایدآزاد آن‌ایام به‌چاپ‌میرسید وپاره‌ای از آنها هنوز ورد زبان جوانان قدیم است، اگر چه ازاعتلا واوج **سیاوش** حکایت‌نمیکند ولی از آتشی تند وفرازنده لبریزاست. درشعر **"پس‌ازمن‌شاعری آید"**، که حاصل آن روزهاست، از آیندهٔ تابناکی سخن میگوید که شاعرش از رنج‌ها ونگرانی‌های طاقت‌سوز شاعران نسل‌های پیشین بی‌خبر است. او دیگر ناچارنیست "باموج اشک آرزو"ها را بشوید. نمیداند که "غنچه‌های عمرناسیراب "سیاوش‌ها در کام اوشکفته‌است بااینوصف‌شاعران امروزین "لبهای‌ناسپاس"اورا" در دهان شعرهای خود می‌بوسند". واما **"اسم‌شب"** معروفترین و **"فرهادها"** بهترین شعر برگزیدهٔ این بخش‌است.

بخش‌دوم، که به گمان‌ما پربارترین و والاترین شعرهای **سیاوش** رادر برمیگیرد، زادهٔ دوران شکست و نامرادی است. در روزگاری که‌نمی‌توان باصراحت سخن گفت، او ازپائیزبرگ‌ریز مدد میگیرد. وبه هنگام "گریختن تابوت‌های گل از دروازهٔ گشودهٔ پائیز" اشک میریزد. آن‌چنان غمگین است که پنداری در سپیده‌دم تیرباران تک تک گلوله‌ها را درسینهٔ پر احساس‌ونشانده اند. برای‌پائیز، این "بیوه‌عزیز غم‌انگیز مهربان"، غصه میخورد که چنین بی‌مرد مانده‌است.

واز آن پس سیاوش، به جان‌سختی، با کشاکش روزگار دست وپنجه نرم‌میکند، باآن که در میکدهٔ عشق را بسته، سبوی عاشقان را درهم شکسته‌اند به‌ظاهر از میخوارگی دست میشوید، اما باتمام قلبش فریادمیزند:

باآنکه‌گرفتندزلب توبه‌وپیمانه زدستم
بامحتسب‌شهربگوئیدکه‌هشدار
هشدارکه‌من‌مست‌می‌هرشبه‌هستم

ودر آن هنگام که "چراغ‌ها یک‌به‌یک خاموش‌میشود و شهر از تک و پو می‌افتد" وهرکس‌سردرلاک‌خود میبرد و کم‌کم بیزاری و بی‌حوصلگی‌ودل زدگی برهمه‌چیز سایه می‌اندازد، **سیاوش** هربهار باپرواز مرغان حس میکند که آرزوئی در دلش پرمیکشد ویقین‌دارد که:

بال‌دارد، بال‌دارد مرغ‌عشق
بازخواهدکرداوپروازها

واین "بال دارد" را چه زیبا و سجع تکرار کرده‌است. به‌تدریج تیرگی بیشتر وانبوه‌تر میشود، تا آنجا که چشم چشم را نمی بیند ودست دست رانمی شناسد. **سیاوش** که نمی خواهد در خاموشی وتیرگی گم شود، به‌بهانهٔ ستودن **یوری گاگارین** — انسان فضانورد، از پردهٔ دود آلـــود مجاور خویش فراتر میرود و به ستایش‌انسان می نشیند. ستارگان رابه سجده‌انسان وامیدارد وازدوست داشتن آغازمیکند وسرانجام‌درسال ۱۳۳۷ منظومهٔ ماندگار **"آرش کمانگیر"** رامی‌سراید که بدون تردید در دنیای شعر نو یک واقعه است. **سیاوش** "آرش کمانگیر" رابه‌نام سردارامید **خسرو روزبه** سروده است، ولی آنچنان هوشمندانه این منظومه‌را درقالب کلام می‌ریزدکه‌حتی به‌تیرجانشکارآرش بوارهای‌بلندرخنه‌ناپذیرشکافته می‌شودواین منظومه حتی در آن‌روزگار سیاه تمام درها را به روی خود باز میکند. در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان جای میگیرد ولب و دهان جوانان ونوجوانان‌را معطر میکند. بسیاری از مادران از آن پس به‌فرزندان‌نورسیده نام **"آرش"** می‌نهند و با آرزوهای‌فرو خورده، به‌امید برومندی آنان می‌نشینند. اما سماجت شب‌چندان‌است که دل **سیاوش** هم غمین میشودوبهانه میگیردواوبرای‌آرام‌کردنش‌آوازمیخواند:

غم‌نشسته باغ جان‌من
جنگلی است بی‌شکوفه، لیک
بنگر ای بهاردیررس
شاخه‌ها جوانه‌دارد

شاعر با تمام این‌اوضاع‌واحوال در روزهائی که‌حتی تنفس دشوارمی‌شود، درنمیماند. ازهرگوشه جهان که ندائی به‌گوش‌میرسد، بی پرواوعاشقانه بدان‌سوپرواز میکند. و در میهن غم‌زدهٔ خویش بازوبند پهلوانی رابه بازوی ستبرجهان‌پهلوان **تختی** می‌بندد و در یکی‌از پاکیزه‌ترین اشعارش "روی آزرمگین و خوی پاک و صافی سخن گفتن آن یل پولاد دست" را می‌ستاید وهمچنان در تاریکی به‌جرقه های گاه‌به‌گاه چشم میدوزدویک‌لحظه چشم غمگین وامیدبارش نمی آساید. ودرسال ۱۳۴۲ "باور" رامی‌سراید، که درروح‌ناباوران‌زمانه‌آشوب‌به‌پامی‌کند:

باورنمی‌کند دل‌من‌مرگ‌خویش را
نه، نه من این یقین‌را باورنمی‌کنم
تاهمدم من است نفس های زندگی
من با خیال‌مرگ دمی سرنمی‌کنم

وغزلی برای‌درخت میگوید که در نهایت رعنائی و کمال‌است وشاید یکی از زیباترین شعرهای او باشد:

وقتی که بادها
دربرگهای درهم تولانه‌میکنند
وقتی که بادها
گیسوی سبز ترا شانه می‌کنند
غوغایی‌ای درخت.

اما **سیاوش** دل پولادین‌ندارد. امیدهایش دروغین‌و قالبی نیست. انسان است وشاعری‌حساس وهوشیار. امکان‌ندارد غم زمانه روح عزیزش را درهم نشکند. در لحظه‌هائی زودگذر تلخی‌یاسی بسیارزیبادرکام اومی ماند:

من درصدف‌تنها
بادانه‌ای باران
پیوسته‌میا میختم‌پندار مروارید بودن‌را
غافل‌که‌خاموشانه‌می‌خشکد
درپشت‌دیواردلم دریا

این لحظه‌ها دیری نمی‌پاید و بازبه رسن امید چنگ می‌زند ودراین روزهای توان‌سوز، بازهم، غمگسار مهربانش، شعراست. در سالهائی‌که گروهی از شاعران به‌پوچی و یاوگی می‌آمیزند و تاب می خورند، **سیاوش** از اندیشهٔ روشن و سخن پاکیزه جدا نمیشود. او تابش صبحدم را درپشت دیوارهای ضخیم می‌بیندو "هربهار سرودشررا چون ردخون آهوی‌مجروح برهرستیغ می‌افشاند وآنگاه‌عطر تلخ جوانشرابابالهای‌مهاجم‌تاذهن‌دشت های‌گمشده می رانـد و درجشن‌های دوهزاروپانصدساله باآن همه شکوه (!) وزرق وبرق، باشعردلنشین "اشاره"، سراسر شکوه‌شوشرا دربرابر کرمکی سخت کوش، که ازساقه‌ای تن پرانحنای خودرا بالامیکشد، ناچیز و بی‌رنگ‌می‌بیند.

واما بخش سوم با شعر وحدت وآغازشور انقلابی مردم رنگ میگیرد شاعر زیرکانه تمام هم‌نفسان و پاکان روزگار و دوستداران انقلاب رادرزیر ردای وحدت میخواهد و آرزو میکند وازاین پس، روزهای تنگ وتار را فراموش‌میکند و باخلق به‌خیابان‌می‌شتابد. بامردم فریاد میزند. تفنگ بر دوش میگیرد. اشک شوق می‌ریزد. به جبهه می رود. باآمریکا درمی‌افتد و به‌شادی "رنگ‌باختن‌ستارگان پرچم امریکا درآفتاب" دست‌می‌افشاند. امام‌بزرگوار و ستودهٔ خلق را ستایش میکند. در بهشت‌زهرا شهیدان رابه خاک می‌سپارد. و در این دوران بیشتر با شعرآزاد به بیان مقصودمی‌پردازد. گوئی برای خروش و فریاد درهوای آزاد وزن و قافیه را دست و پاگیر می‌بیند و نمی خواهد از خلق پرجوش و شتابنده واپس‌ماند. **"بر سکوی ماهمه"**، **"بهشت‌زهرا"** و **"خانهٔ خیابان‌شانزده‌آذر"** فرصت پرداختن به‌ریزه‌کاری‌ها وقالب‌گیری‌معمول‌نیست. دراین‌شعرهای‌آزاد، به‌سنت همیشگی، شاعر کلمات‌و تعبیرات زیبا و شسته و رفته‌را بکار میگیرد ومیکوشد، تاتعادل جوهرشاعرانه ودرونمایه فکری‌اش بر هم‌نخورد. زمانه شعر ویژه خودرامی‌طلبد و **سیاوش**، که شاعر برازندهٔ دوران خویش‌است، حتی‌درخشکسال ادب‌پس‌ازانقلاب، سرسبزی وطراوت شعرش را حفظ میکند، که مرغ عشق، کم‌وبیش، بالهای گشوده‌تری دارد و پرواز جانانه‌ای را طلب میکند. شاعر هم‌پاره‌ای از قیدهارا از دست و پای این‌مرغ برمیدارد. او میخواهدشعرش ازحصار کتاب و روزنامه‌فراتر رود. به دیوارهای شهر نقش ببندد. در اجتماعات خوانده شود. بر دکان نانوائی بوی نان راببوید. و منتهای کوشش خودرا در این راه‌به کارمی‌بندد. "ازقرق‌تا خروسخوان" یکی‌از این‌شعرهای آزاد است که در آذر۵۷ دوماه پیش از انقلاب، سروده. دراین محدوده هم **سیاوش** قواعد و نظم مخصوصی‌را درنظر دارد. کلمات و تعبیرات رابیهوده و بی‌پناه‌رهانمی‌کند و ازتجربه‌های‌پرثمرش‌بهره‌بسیار میگیرد. دربیشتر "پاره" های **"ازقرق تاخروسخوان"**، جملهٔ "شب‌ماچه باشکوهست" را تکرارمیکند. وبا این تکرار ستون‌هائی زیربنای شعرش‌می‌گذارد که‌استوار وپابرجا بماند. در دو "پارهٔ "آخر، که دیگر این تکرار را لازم‌نمی بیند وحس میکند که بدون این‌ستون هم بناپابرجامیماند، با آهنگ‌شتابنده‌تر وتکضربه‌های‌موثرتر به‌پایان شعر نزدیک‌میشود و رای نهائی را درآخر صادر میکند که: "**صبح‌حتمی الوقوع است.**" دراین شعر کلمات غیر شاعرانه، که‌دربارگاه شعرا معمولا بارنمی‌یافت، راهی به درون‌مي‌یابد. تعدادشان‌انگشت‌شمار است: "متحد — نظامیان — ترحیم — حتمی‌الوقوع" وشاید یکی دو کلمه دیگر. **سیاوش** این کلمات بیگانه‌و چموش را به آسانی رام و دست‌آموز میکند و زبری و زمختی شان را می‌رباید. وقتی میگوید:

شب ما چه با شکوه‌است
وقتی که نظامیان
درمحاصرهٔ چشمان شب‌زنده‌دارمان
اسیرند

درمحاصرهٔ چشمان سیاه‌شب‌زنده‌داران، "نظامیان" به‌آسودگی دراین‌پادگان مستقرمیشوند و در آخرین پارهٔ شعر:

کشتگان
سحر را نمی‌بینند
اما
صبح حتمی‌الوقوع‌است

وقتی که "کشتگان‌سحر رانمی‌بینند" وزنده‌ها انتظار سوزان صبح را در سینه دارند، مفهوم "حتمی‌الوقوع" باشوق در دلهامی‌نشیند و کسی، به شکل آن کاری ندارد.

سیاوش با این شعر خاطرهٔ آن شبها را زنده میکند که دلهـا در تاریکی بهم می‌پیوست وبکی میشد و دریک رود جریان‌می‌یافت. لحظه‌های نابی از زندگی و خروش‌مردم ما دراین اشعار قاب میشود. شاعر آتش درون راباطنینی خوش‌وآهنگی دلنواز بیان‌میکند، اما باانسی که ماایرانیان باشعر موزون داریم، درشعرهای آزاد حلقهٔ گمشده‌ای‌راحس میکنیم وای‌کاش **سیاوش** کمتر به‌این شیوه سخن‌میگفت.

واما این بحث بی‌ثمرخواهدبود اگر ازمقام بلند **سیاوش** در کارگاه شعر نوچیزی‌نگوئیم. حالا که گرد و خاک سالها فرونشسته و درآسمان پاک وآبی بسیاری ازنهفته‌ها آشکار شده، شایدبتوان‌گفت که روی تنه‌محکم‌وپیچ خوردهٔ شعر**نیما**، شاخه‌های‌سرسبزی روئیده‌وهریک ازسوئی ببالاگرائیده‌اندوهرکدام سرسبزی‌وطراوت‌خود را دارندودرگوشه‌ای‌ازاین‌درخت‌گل‌وبرگ داده‌اندوجائی‌رازیرسایه‌خودگرفته‌اند. شاعرانی مانند سهراب سپهری، سایه، فروغ‌فرخزاد، اخوان‌ثالث، ودیگران‌هر یک رنگ وعطر و صفای تازه‌ای به‌این فضابخشیده‌اند. واگر چه این باغ هنوز دربرابرباغ شکوهمندادب‌کهن فارسی‌ناچیزمینماید، اماآراستگی‌وباروری‌وتنوع‌رنگهای‌آن‌انکارناپذیراست. شعر **کسرائی** نیز در این‌میان ویژگی‌های خود را دارد. شعـرش اندام خواستنی و حساب‌شده‌ای دارد، که کمال و رعنائی این‌اندام را در "اشارهٔ "خاموشانه" و "غزلی‌برای درخت میتوان‌دید وبه‌تحسین نشست. اشعار موفق و درخشان او کم‌نیست. با مهارتی کم‌نظیر جوهر شعری را با اندیشه‌ها وپندارهایش می‌آمیزد. تغزل درسخن او موج‌میزند. اما او این عطر رابه سر و روی دردمندان‌وستم‌دیدگان می‌پاشد. او در کنار آزادگان آرزو مند می‌نشیند. دردش را در میان دردمردم می‌جوید وغم خودرا دراین میان، عاشقانه‌گم میکند. همهٔ این ویژگی ها باعث شده که‌**سیاوش** از چهره‌های مشخص و درخشان شعر نوبه‌حساب‌آید وحتی پس‌از انقلاب، که‌بسیاری از نام‌های مشهور از خاطره‌ها محومیشوند **سیاوش** درخشش‌بیشتری می یابد. او این توفیق را نه‌تنها مدیون توانائی واستعداد شگرف‌شاعری، بلکه مرهون اعتقاد و ارادت صادقانه‌اش به‌مردم است و میتوان‌امیدوار بود که‌عطرباورهای‌اوهمواره درفضالبریز خواهدبود:

می‌ریزدعاقبت
یک‌روزبرگ‌من
یک‌روزچشم‌من‌هم درخواب‌می‌شود
زین‌خواب‌چشم‌هیچکسی‌راگریزنیست
امادرون‌باغ
همواره عطرباورمن‌درفضاپراست.

باتحکیم و تقویت جبههٔ متحد نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی جبههٔ متحد ضد انقلاب را درهم شکنیم!

متحدان بنی صدر - سرمایه داری لیبرال ایران (۹)

لیبرال ها: حمله به نیروهای مدافع انقلاب - سکوت تائید آمیز

در برابر گروهک های ضد انقلابی

یکی از اجزاء نقشه جبهه متحد ضد ـ انقلاب به رهبری بنی صدر فراری، برای مسخ ودرنهایت شکست انقلاب اسلامی ایران، حمله به یاران نزدیک امام خمینی، سازمانها واحزاب هوادار و همه رهروان انقلاب بود. سرمایه داری لیبرال ایران، که خواب حکومت آینده، حکومت میانه روها را، که ریگان رئیس جمهور آمریکا وعده آن را داده است، می دید، دراجرای این امر نقشی اصلی بر عهده داشت، نقشی که دقیقا با آنچه سایر متحدانش درجبهه بنی صدر: رهبری خائن "مجاهدین" وگروهکهای "رنجبر"، "پیکار"، "جبهه ملی" ... انجام می دادند، هماهنگ وهم سو بود.

حمله جبهه متحد ضد انقلاب به نیروها و گروه های هوادار انقلاب، به موازات تعمیق انقلاب، چهره عریان ـ تری به خود می گرفت و درون این جبهه سرمایه داری لیبرال ایران، روز به روز دلائل خود را برای حفظ ظاهر آراسته از دست می داد. اگر در آغاز این طور مطرح می شود که:

"... حالا چطور است؟ آیا اختناق وجود دارد؟ اگر واقع بین و اهل جرات وانصاف باشیم، باید بگوئیم همان شقوق وشیوه ها با تغییر عناوین و شعارها، کم یا بیش ودربعضی موارد به وجه شدیدتر، به انضمام تازه هایی حکمفرماست..." (۷ آبان ۵۹ – "میزان" ـ ازمقاله مهندس بازرگان تحت عنوان "اختناق شاخ ودم ندارد")

و یا اینکه ... این روش ها (دستگیری صادق قطب زاده) روش کسانی است که تصور می کنند قباله مکتب ومسلمانی وایمان فقط به نام آنها صادرشده ... روش کسانی است که به مردم تکیه ندارند..." (۱۹ آبان ۵۹ – میزان)

ویا: "... خود محورگردن، خود راقیم ومالک انقلاب واسلام دانستن و دیگران را مستثنی نمودن وکنار زدن ... نه تنها مطابق با روح اسلام نیست، بلکه تنها عاملی است که می تواند یکبار دیگر ملت مسلمان را به شکست سختی مبتلا سازد. آنان که خودرا متولی وقیم انقلاب می شمارند ... از یک سو انحصارگریها می کنند و از سوی دیگر می خواهند که در همه امور دخالت کنند..." (۹ آذر ۵۹ – میزان)

پس از مدتی دیگر جائی برای رودربایستی نمانده بود. بهمین جهت مسئله از قالب این ایراد وآن ایراد گذشت و به هماوردخوانی آشکار رسید. موضع گیری لیبرال ها در جریان دستگیری صادق قطب زاده نمونه بارز این برخورد بود. آنها با چاپ کاریکاتورهای مختلف، از جمله غول بی شاخ و دمی که قطب زاده را در درون قفس حمل می کرد و یا با نیش وکنایه ـ های جوراجور وسپس اعلام این که:

"... اگر قطب زاده ومبلغی قابل توقیف باشند، دوسوم مردم ما به همان جرم قابل توقیف هستند..." (۱۸ آبان ۵۹ – میزان) حمله جدید خودرا به گردانهای انقلابی آغاز کردند.

"... مردم ... دربرابر هیولای بی شاخ و دم اختناق عاقلانه عکس ـ العمل نشان دادند و ... ثابت کردند



که اگر ... مسولان انقلاب ... مردم را آزاد بگذارند، انقلاب ... بدست خود مردم تداوم می یابد..." (۳۰ آبان ۵۹ – میزان)

حمله به نیروهای مسلمان مدافع انقلاب

اما این "هیولای بی شاخ و دم" مدت زیادی زیرهمین اسم هم باقی نماند. طاقت لیبرالها طاق شده بود و وقت آن بود که این حمله جدید وارد مرحله متکامل تری شود:

"... ای امام، این نودولتان را بجای خودشان نشان..." (۱۳ بهمن ۵۹ – میزان)

واین "نودولتان" چهره شان هم باید مشخص می شد:

"... دکتر بهشتی از رسانه های گروهی بطور ممتاز و استثنائی استفاده کرده و به تبلیغات می پردازد ..." (۲۷ بهمن ۵۹ – میزان)

وچندی بعد، همصدا با بنی صدر صریحا "خواستار کناره گیری شهید دکتر بهشتی از سمت ریاست دیوانعالی کشور شدند:

"... به نظر ما جامعه اسلامی امروز ایران به صورتی است که رئیس قوه قضائیه نمی تواند سمت دبیر کلی حزب را به عهده داشته باشد ودر عین حال بی طرفانه درمورد فردی که متعلق به حزب اوست ... قضاوت کند ... به نظرما، موجبات تضعیف مقام ریاست دیوانعالی دروضع موجود نهفته است و اگر ریشه این شکل بصورت کناره گیری رئیس دیوانعالی کشور از حزب و یا ریاست دیوانعالی صورت نگیرد، بدون تردید، اطمینان به قوه قضائیه جلب نخواهد شد..." (۹ فروردین ۶۰ – میزان)

وبرای اینکه موضع خود را در قبال به اصطلاح طرفین دعوا کاملا روشن کرده باشند، فردای همان روز، مقاله ای بمنظور اعلام حمایت مجدد خود از ابوالحسن بنی صدر درج کردند:

"... امام ... فرماندهی کل قوا را ... به رئیس جمهور منتخب ملت واگذار نمودند ... که نگرانی قوای مسلح کاهش یابد ودلهای مدافع اسلام ومرزبانان ایران به کارخود گرم شود..." (۱۰ فروردین ۶۰ – میزان)

البته این مقاله ضمنا یادآور موضع مخالف آنان در برابر پیروان خط امام نیز بود:

"... مدعیان پیروی از خط امام درکنار امام امت سایه ای ... بوجود آورده اند که ... بمراتب نیرومندتر ... ازمقام رهبری است ..." (همانجا)

وتنها شهید دکتر بهشتی نبود که هر روز با ضربت تازه ای ازجانب این جاده صاف کن های آمریکا روبرو بود، همه یاران صدیق امام خمینی مورد حملات خصمانه قرارگرفتند، بدینگونه:

"... فریاد همه ملت این بود که مرگ براشخاصی که ستمگرند..." (۹ اسفند ۵۹ – میزان – گزارش میتینگ "نهضت آزادی" درامجدیه)

ویا: "... ۱۷ اسفند (روزسخنرانی چهارنماینده" نهضت آزادی" در امجدیه) بعنوان آغازشکستن طلسم انحصارگرایی وگروه گرایی درجامعه ما تلقی گشت وپشت آنان که مواضع قدرت را بستن دهان ها وشکستن قلم ها و ازبین بردن اندیشه های مخالفان خود می ـ پنداشتند، لرزاند..." (همانجا)

عاقبت هم به زبان لیبرالی نوشتند که:

"... ازپدیده های چشمگیری که درحکومت های مطلقه ... حکمفرماست، عارضه مطلق بینی است ... در این نظام افراد درکلیه حالات خوب ندیابد خادمند یاخائن ... دراینگونه جوامع مردم مایلند وجودالگوهای فوق طبیعی راباورکنند و رهبران خود را به سرحد معجزه آفرینی برسانند. برای افراد نبوغ قائل شوند وسطح فکری آنان را به اندازه ای بالا ببرند که سئوال کردن یا توضیح خواستن ... ازآنان را کاری بیهوده وحتی گناه بشمرند ... بدین دلیل درجامعه ای با چنین فرهنگ مقاماتی قدرتمند و درعین حال غیر ـ مسئول که در راس آنان سایه خدا قرار می گیرد، برهمه گسترده و درهمه جا نفوذ می کند ... بدون شک جامعه انقلابی ما هنوز دچار چنین فرهنگی است..." (۱۰ خرداد ۶۰ – میزان)

این "رهبران" موردنظر حتما شهید بهشتی و شهید رجائی و نظائر آنها نبودند، زیرا آقایان لیبرال، چه چیزها که به اینان نسبت نداده بودند آیا جز این بود که سرمایه داری لیبرال ایران جرات اهانت به رهبری انقلاب را هم بدست آورده بود؟ به تاریخ نقل قول فوق دقت کنید: ۱۰ خرداد ۶۰! این درست در اوج روزهائی است که لیبرالها به گمان خود کار انقلاب را پایان یافته می دیدند و درهمزبانی کامل با همه اعضای جبهه متحد ضد ـ انقلاب سعی دربی اعتبارکردن رهبر انقلاب داشتند. (وتوده ها با فریاد "درود برخمینی، مرگ بربنی صدر" چه جواب دندان شکنی به جبهه متحد ضدانقلاب دادند)

حمله به دگراندیشان مدافع انقلاب

واما درمورد احزاب وسازمانهای پیرو سوسیالیسم علمی. لیبرالهای مسلمان دوآتشه وضدکمونیست درمقابله با دگر اندیشان بسیار ثابت قدم بودند، اما ثبات قدمی که فقط شامل کمونیست های طرفدار انقلاب میشد، والا کمونیست ـ نماها وچپ های آمریکایی وتربچه های پوک ـ این محصولات مشترک چین ـ آمریکا، ازگزند این مقابله درامان بودند.

نگاهی به گذشته نشان می دهد که "میزان" ارگان سرمایه داری لیبرال ایران، درست به سیاق "انقلاب اسلامی" "مجاهد"، "پیکار"، "رنجبر"، "صدای آمریکا"، "بی بی سی"، "صدای آزاد" و ... درتمام طول انتشار خود، حتی کلمه ای علیه گروهکهای ضد ـ انقلابی ننوشت. "میزان" حتی یک کلمه درباره "پیکار"، که از همان آغاز شعار سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را داده بود، ننوشت. "میزان" حتی یک "تو" هم به انواع و اقسام مائوئیست های آمریکایی نگفت. "میزان" درباره "کومه له" و "قاسملو" و "شیخ عز ـ الدین" سکوت کامل کرد.

اما برعکس هرچه دشنام واتهام درآستین داشت، نثار نیروهای مدافع انقلاب ـ نیروهای مسلمان پیرو خط امام ونیروهای پیرو سوسیالیسم علمی ـ کرد. هیچ شماره "میزان" نبود که در آن گوشه چشمی هم به انواع دشمنان انقلاب اشاره شده باشد. وهیچ شماره ای از "میزان" منتشر نشد که پر از دشنام واتهام به نیروهای مدافع انقلاب نباشد.

به تبع این سیاست بود که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قهرمان های اول کابوس های سرمایه داری لیبرال ایران و دربرابر "رنجبر" آمریکایی و ... متحدین آن بودند. بویژه حمله به حزب توده ایران موزیک متن روزنامه ـ های "میزان" و "انقلاب اسلامی" بود. هرمقاله ای دراین روزنامه ها، ازهر چه آغاز می شد، باربط و بی ربط، به حمله به حزب توده ایران اختتام می یافت. کاریکاتورهای مبتذل این روزنامه ها به طورعمده سوژه شان حزب توده ایران بود. لیبرالها و باند بنی صدر به محض آنکه قلمشان به کاغذی، دستشان به میکروفنی وزبانشان به گوشی میرسید، دق دل خود را خالی و به این حزب حمله میکردند.

ودرست همین لیبرالها وباند بنی صدر ومائوئیست های آمریکایی بودند که تصحیح موضع فدائیان به سود انقلاب نیز به مذاقشان خوش نیامد وچه مقاله ها که درحمله به فدائیان اکثریت ننوشتند "گناه" بزرگ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم این بود که ازانقلاب وجمهوری اسلامی ایران دفاع می کرد، والاجناح "اقلیت" این سازمان، برغم موضعگیری خصمانه دربرابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، هرگز از گل نازکتر هم ازلیبرالها نشنید.

ضمنا موضع لیبرالها و باند بنی صدر در حمله به دگر اندیشان انقلابی، بویژه پیروان سوسیالیسم علمی ودر درجه اول حزب توده ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درست همانند آنچیزی است که رادیو آمریکا، رادیو بی بی سی، رادیو بغداد، رادیو اسرائیل، رادیو اویسی، رادیو بختیار وهمه نشریات امپریالیستی و ضدانقلابی داشتند ودارند. آیا این تصادفی است؟!

آری، لیبرالها، باحمله به نیرو ـ های مدافع انقلاب وسکوت تائید آمیز دربرابر گروهک های ضدانقلابی، در تلاش تضعیف جبهه انقلاب وهموار کردن راه برای روی کارآمدن دولت میانه ـ روی ریگان پسند بودند.

(ادامه دارد)

سیاست کشاورزی...

بقیه از صفحه ۷

هزارتن ارتقاء یافت و تولید شیر، که در سال ۱۹۶۲ معادل ۱۹۲ میلیون لیتر بود، در ۱۹۷۸ به ۵۷۰ میلیون لیتر رسید و تمام دانش آموزان شهری و روستائی درکشور همه روزه شیرمجانی میخورند.

در کوبا روند اصلاحات فنی ـ اقتصادی در امور کشاورزی به سرعت پیشرفت می کند، مکانیزه شدن امور درتولید نیشکر پیش می رود و دروی مکانیزه جایگزین درو بادست میشود. به همین لحاظ، به زودی ساختمان کار ـ خانه عظیمی که بتواند هرساله ۶۰۰ کمباین برای دروی نیشکر تولید کند، به پایان خواهد رسید. دولت کوبا برای تولید دستگاه های جدید تهیه کود هم بودجه مکفی اختصاص داده است، چنانکه درسال ۱۹۷۸ بیش از یک میلیون تن کود، که معادل پنج برابر سال ۱۹۵۸ بود، تولید شد. کودهای نیتروژنی، که پیش از انقلاب وجود نداشت، امروزه در کوبا تولید میشود درعین حال همه این دستاوردها به موازات پیشرفت های بزرگی در زمینه تامین مسکن، آموزش، درمان، بهداشت، ورزش وغیره برای جامعه روستایی کوبا تحقق یافت. مثلاانواع مراقبت های پزشکی برای ساکنان روستاها تضمین شده است و همه کودکان درسنین تحصیل به مدرسه می روند، درحالیکه حتی پردرآمد ـ ترین کشورهای رشد یابنده، که راه سرمایه داری را در پیش گرفته اند، از این لحاظ به کلی عقب مانده اند.

درسال ۱۳۵۱، یعنی وقتی که ده سال از لاف و گزاف رژیم پهلوی درمورد مبارزه با بی سوادی وتشکیل سپاه دانش می گذشت، به موجب آمار ـ های رسمی همان رژیم، بین ۱۳ میلیون روستایی شش ساله به بالا، که درروستا ـ های دارای کم تر از پنج هزار نفر جمعیت سکونت داشتند، بیش از ۱۰ میلیون نفر به کلی بیسواد بودند.

پس از این مقایسه، اکنون وقت تشریح خطوط اساسی سیاست کشاورزی درراه رشد غیر سرمایه داری است، کاری که به عهده بخش های آتی این سلسله مقاله هاست. ادامه دارد

تهاجم اقتصادی گسترده و پرشتاب امپریالیسم ژاپن به کشورهای "جهان سوم"

* ژاپن ۸۸ درصد انرژی اولیه‌ٔ خویش را از منابع خارجی بدست می‌آورد.
* نیمی از صادرات ژاپن به‌کشورهای "جهان سوم" میرود.
* استراتژی سرمایه‌داری ژاپن آنستکه برمنابع موادخام کشورهای "جهان سوم" مستقیما سلطه یابد.
* ژاپن، برخلاف نص صریح قانون اساسی خود، ارتشی ۲۴۰ هزار نفری دارد.

"اگر کشورهای صنعتی پیشرفته نتوانند خواست‌های کشورهای رشد یابنده را برآورده سازند، امکان دارد که کشورهای اخیر الذکر نه‌تنها خواستار اصلاح نظام موجود شوند، بلکه آنرا بکلی ردکنند. درچنین حالتی ممکن است که منافع ژاپن ودیگر کشورهای صنعتی پیشرفته باخطر بی‌ثباتی مناسبات اقتصادی وبازرگانی باکشورهای رشدیابنده و روابط خصمانه باآنها روبرو گردد. ازاین‌گذشته، سر درگمی که احیانا از این بابت در سیستم‌های بین‌المللی سیاسی ونظامی پدید خواهدآمد، میتواند خطری برای وجود همه کشورها، از جمله خودکشورهای رشد یابنده باشد."

جملات بالا، که از گزارش **"کمیسیون امنیت ملی ژاپن"** به‌نخست‌وزیر آن‌کشورگرفته شده‌است، به‌خوبی حاکی از طرز تفکر مسلط در میان مسئولان اقتصاد ژاپن‌است در این جاعزم راسخ برای دفاع ازسرمایه‌داری‌جهانی باآگاهی بر آسیب‌پذیری‌اقتصادی ژاپن‌تلفیق می‌یابد.

ژاپن درسال ۱۹۷۳ بر وابستگی خودبه بازرگانی بین‌المللی واقف شد. این کشور، که دارای جمعیتی بس متراکم است، موفقیت اقتصادی خویش رابرپایه واردات موادخام بنا نهاده‌است. ریشه این استراتژی رشد را باید درنوسازی کشور در دوران **"میجی"** جستجو کرد، لیکن از جنگ دوم جهانی به‌اینسو این استراتژی عمق به‌مراتب بیشتری یافته‌است.

آگاهی افکار عمومی بر این واقعیت و بازتاب آن در نگرانی سرمایه‌داران ژاپن، در سال ۱۹۷۳ آغازشد. درژوئن‌این‌سال، ایالات متحده‌آمریکا صدورسویا (یکی‌ازعمده‌ترین مواد غذایی در ژاپن) و پنبه به این‌کشور راتقریبا قطع کرد. چندی بعد **"شوک‌نفت"** اقتصادژاپن رابه‌لرزه‌درآورد.

ژاپن، چه‌در زمینه‌موادغذایی و چه صنعت، سخت به‌خارج‌وابسته‌است. این‌کشورهر چنداز نظرتولیدبرنج، سبزی ومیوه‌تااندازه ای خودکفاست، ولی دیگر موادغذایی مورد نیاز خود، ازجمله‌گندم، سویا و ذرت را از خارج واردمی‌کند. ژاپن کمتر از ۵۰٪ کالری‌موردنیاز خودرا میتواند در داخل‌تامین‌سازد. درگستره انرژی وضع ازاین‌نیزبدتراست، زیراکه‌این‌کشور ۸۸ درصدانرژی اولیه‌خویش را ازمنابع خارجی بدست‌می‌آورد. ۹۹ درصدنفت، که‌سه چهارم این‌انرژی اولیه را تشکیل میدهد، از محل واردات‌تامین‌می‌گردد.

با این‌همه، ژاپن، این‌دومین قدرت اقتصادی جهان‌سرمایه‌داری، مصرف انرژی بسیارنازلی دارد. نزدیک‌به ۶۰ درصد مصرف انرژی ژاپن رابابد در بخش صنعت جستجو کرد. این‌کشور از نظر مصرف سرانه انرژی در جهان درمقام بیست وهفتم قرار دارد— یک سوم کمتر از میانگین کشورهای عضو **"سازمان بین‌المللی انرژی"**.

فزون براین، ژاپن مواد خامی را نیز، که برای رشته‌های فلزکاری، پارچه‌بافی و تبدیل چوب بکار میبرد، واردمی‌کند.

بخش عمده واردات ژاپن، که درحدود ۷ درصدبازرگانی جهان غیرسوسیالیستی‌را تشکیل میدهد، خواربار و مواد خام صنعتی را دربرمیگیرد. سهم کالاهای نهایی کمتر از ۲۵ درصد است. یادآور میشویم که این پیکره برای ایالات متحده آمریکا ۶۰ درصد و برای "جامعه‌اقتصادی اروپا" ۴۵ درصداست.

برای آنکه تصور کامل‌تری از نقش ژاپن دربازارجهانی داشته‌باشیم، لازمست‌که‌اهمیت صدورکالاهای‌نهایی را در سیاست اقتصادی "توکیو" در نظربگیریم. رقابت‌پذیری‌وگسترش صادرات کالاهای‌صنعتی ونوسانات‌مساعد "ین" (واحد پول‌ژاپن) به‌رکوردهای جدیدی‌درمازاد ترازبازرگانی ژاپن‌انجامیده‌است (۱۹۷۷: ۱۷ میلیارد دلار، ۱۹۷۸: ۲۵ میلیارد دلار). این وضع در سال گذشته تغییر یافت، اما گرایش کنونی ترازبازرگانی ژاپن را به‌سوی کسری در پیوند با این واقعیت باید دید که، سهم صادرات تلویزیون، اتومبیل، منسوجات سنتتیک و کشتی سازی در تولید اجتماعی اکنون بین ۴۰ تا ۸۰ درصد در نوسان‌است.

بدین ترتیب تاحدی به اهمیت حیاتی بازارجهانی برای اقتصاد ژاپن پی‌میبریم.

حال‌باید پرسید که: در این زمینه مناسبات اقتصادی "توکیو" با "جهان سوم" چگونه‌است؟

درحدودنیمی ازصادرات ژاپن به‌این‌گونه کشورها میرود. صادرات ژاپن به‌کشورهای "جهان‌سوم" از ۷/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۴۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ افزایش یافت. رشد واردات ژاپن نیزازکشورهای "جهان‌سوم" بطورکلی با ارقام نامبرده همرو بود و از ۷/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۴۲/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ رسید، که‌بیش‌از ۵۰ درصد واردات کل ژاپن راتشکیل میدهد.

بررسی ارقام بالا از ساختار بازرگانی خارجی ژاپن پرده برمی‌دارد. مقایسه‌ترکیب واردات (۷۵ درصدموادخام) و صادرات (۹۷ درصد کالاهای نهایی) نشان‌میدهد که سهم‌ژاپن در تقسیم بین‌المللی کار کاملا با مدل کلاسیک کشورهای رشدیافته‌سرمایه‌داری تطابق دارد. ژاپن به‌کشورهای "جهان سوم" کالاهای نهایی صادر می‌کند وبرای به‌کار انداختن چرخ اقتصاد صنعتی خود احتیاج گریز ناپذیر به‌مواد خام آنهادارد.

هم‌پیوندی اقتصاد ژاپن با اقتصاد جهانی از آغاز سالهای ۶۰ باشتاب بیشتری به‌پیش رفت. ازسوی دیگر، سرعت رشد مناسبات اقتصادی این کشور با "جهان‌سوم" —به‌ویژه پس از ۱۹۷۳ و افزایش پی در پی قیمت نفت — از این هم بیشتر بوده‌است.

درحالیکه سهم واردات ژاپن از کشورهای "جهان‌سوم" درسال ۱۹۷۰ چهل درصد بود، این‌پیکره درسال ۱۹۷۸ به ۵۵ در صد رسید.

فعالیت‌اقتصادی بین‌المللی "توکیو" تنها به‌داد و ستدهای وارداتی — صادراتی محدودنیست. حتی میتوان‌گفت که‌یکی از ویژگی‌های سالهای ۷۰، افزایش حرکت‌سرمایه ژاپنی بود. سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در خارج دراوایل سال ۱۹۸۰، بالغ بر ۳۲ میلیارد دلار می‌شد. بیش ازیک‌سوم این مبلغ در سه سال اخیر سرمایه‌گذاری گردیده‌است.

استراتژی سرمایه‌داری ژاپن، که از عدم دسترسی به‌موادخام موردنیاز خویش هراس دارد، آنستکه در کشورهای "جهان‌سوم" هر چه‌بیشتر مستقیما بر منابع مواد خام سلطه یابد.

مدتی است که گرایش‌های جدیدی در سرمایه‌گذاری‌های ژاپن درخارج‌به‌چشم می‌خورد. ژاپن ازیکسو در کشورهای پیشرفته مجتمع‌های صنعتی می‌سازد وازسوی‌دیگر در "کشورهای صنعتی نوپا"ی "جهان‌سوم" به سرمایه‌گذاری دست‌می‌زند.

ژاپن تقریبا در سراسر جهان سرمایه‌گذاری کرده‌است، اما ۴۴ درصد این سرمایه‌گذاری‌ها در سه‌کشورمتمرکز است: ایالات متحده (۷/۴ میلیارد دلار)، اندونزی (۳/۹) وبرزیل (۲/۷). بدین ترتیب، گذشته از ایالات‌متحده (که‌ژاپن باآن از پایان جنگ دوم جهانی دارای مناسبات نزدیک‌اقتصادی بوده‌است) دوکشور "جهان‌سوم" با منابع عظیم طبیعی، ازهمه‌بیشتر سرمایه‌های ژاپنی‌رابخود جذب کرده‌اند.

فعالیت‌های شرکت‌های‌خصوصی ژاپن و بنگاههای‌دولتی— مانند **"بنیاد همکاری اقتصادی باماوراء دریاها"**— دردوکشور برزیل واندونزی نشان‌میدهدکه "توکیو" ازباصطلاح مناسبات میان "شمال" و "جنوب" چه‌برداشتی دارد.

بی‌گمان، برزیل کشوری‌است که‌سرمایه‌داران ژاپن ازهمه کشورهای "جهان سوم" بیشتر بدان چشم‌امید بسته‌اند. به‌گفته **یوکو کی‌تازاوا**، اقتصاد دان ژاپنی:

"پیش از پایان سده کنونی، سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در برزیل از مرز ۵ میلیارد دلار خواهد گذشت" و برزیل پس‌ازایالات متحده دومین آماج سرمایه‌گذاری‌های ژاپن‌در خارج خواهدبود.

در دهه گذشته‌سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در برزیل نه‌برابر شده و "توکیو" امروز، پس از ایالات‌متحده‌آمریکا و جمهوری‌فدرال‌آلمان سومین‌شریک بازرگانی خارجی برزیل است. انتظارمیرودکه‌ژاپن به‌زودی از آلمان غربی سبقت بگیرد.

به‌ویژه پس از دیدار **گایزل**، رئیس‌جمهور برزیل، از ژاپن در سال ۱۳۵۵، همکاری اقتصادی میان دو کشور به شکل پروژه‌های غول‌آسایی درآمده‌است (شرکت‌های مختلط سرمایه‌داران خصوصی ژاپن ودولت برزیل). برای‌نمونه میتوان از طرح‌های زیر نام برد: شرکت سرمایه‌ژاپن دربهره‌برداری از منطقه آمازون از طریق تاسیس "آلبراس" ("میتسوئی آلومینیوم" و چند شرکت دیگر ژاپنی‌وکمپانی برزیلی "سیاواله‌ریودوسه")، استخراج آهن در "کارایاس" ازسوی "نیبراسکو" (نیپون‌استیل وسیاواله‌ریودوسه)، پروژه توسعه‌ٔکشاورزی در "سرادو"، طرح‌جنگلداری "تئی‌خین‌دسن ول وی‌منتوآکریکوآریو"، کاغذسازی "کانیبراس" ("اوجی‌پیپرکامپانی" و "سیاواله‌ریودوسه")

نگاهی به‌فعالیت‌اقتصادی طرح های نامبرده نشان‌میدهد که سرمایه‌داران ژاپنی‌به ویژه به‌واردکردن فرآورده‌های نیمه نهایی علاقمندند. آنها ازاینراه ازیکسو بعلت تنوع منابع برداشت، از دریافت پیوسته‌ٔ این فرآورده‌ها بهره‌مند می‌شوند و از سوی دیگر تنهابه ایالات‌متحده وابسته‌نیستند.

همین‌انگیزه را در سرمایه‌گذاری‌شرکت‌های ژاپنی در اندونزی نیز میتوان یافت. چهار سال است که‌شرکت‌های "کانسای‌الکتریک" و "اوسکاگس" سالیانه ۷/۵ میلیون‌تن گاز مایع از "باداک" در "کالی‌مانتان" و "آرون" در شمال "سوماترا" دریافت‌می‌دارند. فزون بر این، میتوان از پروژه‌های "آساهان‌آلومینیوم ("میت‌سوبی‌شی‌کارپوریشن")، کشاورزی و تبدیل چوب ("میت‌سوئی اندکامپانی") و نساجی، شیمی وسیمان سازی نام‌برد.

در کنار فعالیت‌های چشمگیر شرکت‌های ژاپنی در اندونزی، باید از دو ویژگی دیگرمنافع ژاپن دراین‌منطقه جهان نیز یاد کرد: مناسبات خاص ژاپن با "آسئان" ("آسئان ۱۴ سال پیش تاسیس شد وکشورهای عضو آن عبارتند از: تایلند، فلیپین، مالزی، سنگاپور و اندونزی) وایجاد منطقه اقتصادی قدرتمندی در اقیانوس‌آرام.

کشورهای "آسئان" ازده‌درصدصادرات ژاپن بهره‌مند می‌شوند و ۱۵ درصد واردات آنرامی‌پوشانند. یک‌چهارم مبادلات‌بازرگانی خارجی "آسئان" باژاپن‌است (مقام‌اول). اما ازآنجاکه‌بازار این کشورها چندان‌اهمیتی ندارد، تراز بازرگانی خارجی آنها با ژاپن برای کشور اخیر منفی است: واردات ژاپن از کشورهای "آسئان"، که ۹۰ درصد آنرا مواد خام (ازجمله نفت) تشکیل میدهد، در سال ۱۹۷۹ بالغ بر ۱۶ میلیارددلاربود، درحالیکه صادرات‌آن به‌این‌کشورها ۱۰ میلیارد دلار هم نمی‌شد. این‌گرایش همچنان ادامه‌دارد.

ژاپن از همه کشورهابیشتر دراین‌منطقه سرمایه‌گذاری‌می‌کند (یک سوم کل سرمایه—

بقیه‌درصفحه ۱۴

دانستنی هایی چند درباره‌ٔ ژاپن

وسعت: ۳۷۲۳۹۳ کیلومتر مربع
جمعیت: ۱۱۸ میلیون‌نفر
پایتخت: توکیو (بیش‌از ۱۱/۵ میلیون‌نفر)
زبان: ژاپنی
پول: ین=۲/۳۳ سنت
حکومت: سلطنت‌مشروطه. امپراتور (**"تنو"**) هیروهیتو. بالاترین نهادقانونگذاری‌پارلمان (مرکب از دومجلس) است، که در آن‌حزب کلان‌بورژوایی "لیبرال‌دمکرات" بیش‌از ۲۵ سال است که‌اکثریت‌دارد (درانتخابات ۱۹۸۰ ۴۸ درصدآراء). دیگر احزاب پارلمانی عبارتند از: "حزب‌سوسیالیست" (۱۹ درصد) "حزب‌کمونیست" (۱۰ درصد)، حزب‌خرده‌بورژوایی — بودایی "کومه‌ئیتو" (۹ درصد) و "حزب‌سوسیال‌دمکرات" (۷ درصد). نخست وزیر کنونی ژاپن **زنکوسوزوکی** نام‌دارد.

برخلاف قانون‌اساسی پس‌از جنگ ژاپن (ماده ۹)، که‌نگهداشت نیروهای مسلح را **"برای‌همیشه"** منع می‌کند، این کشورامروز، بار دیگر، ۲۴۰۰۰۰ نفر سرباز (باصطلاح نیروهای دفاع‌ازخود") دارد. ژاپن از نظر بودجه‌نظامی درمیان‌کشورهای‌غیرهسته‌ای‌مقام سوم راحائز است.

اوضاع اقتصادی - اجتماعی

ژاپن از حیث فراورده کل اجتماعی‌پس از ایالات‌متحده، و ازنظر صادرات پس‌از ایالات‌متحده وجمهوری فدرال آلمان درمیان کشورهای‌صنعتی سرمایه‌داری در مقام‌سوم‌قرار دارد. سهم صنعت‌وکشاورزی‌درتولید فرآورده کل اجتماعی به‌ترتیب ۴۰ و ۵ درصد است. سرمایه‌وتولید در ژاپن بی‌اندازه متمرکز است:

۱۶ کنسرن بزرگ ژاپن ۲۹ درصد مجموع‌فروش رادردست دارند و در پایان سالهای ۷۰ در زمره‌ٔ ۱۰۰ کنسرن بزرگ جهان ۲۷ کنسرن‌ژاپنی دیده‌می‌شدند. ۳۹ درصد نیروی‌کار ژاپن در صنعت، ۱۳ درصد در کشاورزی و ۱۳ درصددر خدمات‌شاغل‌است.

نرخ‌رشداقتصادی ژاپن در سال‌های ۷۰ به‌طورمیانگین ۵ درصد و نرخ‌تورم ۱۰ در صد بود. در ژاپن **رسما** ۱/۲ میلیون نفر بیکارند ولی در واقع خیل بیکاران‌ژاپن ۳-۲ میلیون نفر را در برمی‌گیرد.

مصارف اجتماعی ژاپن پائین‌تر از دیگر کشورهای غربی‌است. انتظارعمر در ژاپن ۷۶ سال‌است.

رویدادهای مهم‌تاریخی

۱۸۶۷: انقلاب‌بورژوایی‌نافرجام
۱۸۸۹: سلطنت مشروطه
۱۹۰۴-۵: ادغام کره
۱۹۳۷: آغاز جنگ باچین
۱۹۳۹: تجاوز علیه جمهوری خلق مغولستان
۱۹۴۱: اعلان‌جنگ‌به‌ایالات‌متحده‌آمریکا و بریتانیا
۱۹۴۵: تسلیم بلاشرط ژاپن، اصلاحات‌ارضی، تقسیم اراضی بزرگ‌مالکان
۱۹۵۱: "قراردادامنیتی "باایالات متحده‌ٔ آمریکا و واگذاری پایگاه نظامی به‌این کشور
۱۹۵۴: قرارداد "کمک‌دفاعی" با ایالات متحده آمریکا
۱۹۵۶: پایان رسمی جنگ با اتحادشوروی، عضویت در سازمان ملل متحد
۱۹۷۲: مناسبات دیپلماتیک با جمهوری خلق چین.

اتحاد مردم
شماره ۱۰۹ دوره سوم دوشنبه ۷ دی ماه ۱۳۶۰

درهفته...

بقیه‌ازصفحه۱۵

اتخاذ تصمیماتی مقابله با سودجویان‌را آغازکرد. اما این‌تجربه‌بازهم‌نشان داد که‌تاپایگاه‌سرمایه‌داری غارتگر وابسته ازکشور مابرچیده‌نشده، ترور اقتصادی‌و توطئه علیه‌انقلاب، ادامه‌خواهدداشت.

ادامه‌توطئه‌سرمایه‌داران در موردبرنج

ودرست در همین‌حال که‌بخشی‌از غارتگران‌به‌احتکار پیاز پرداخته‌اند، توطئهٔ‌بخشی دیگر از آنها علیه طرح خرید برنج توسط‌دولت، ادامه دارد.

وزیرکشاورزی در گفت‌وگوئی با روزنامه‌اطلاعات در هفته گذشته اعلام کرد. "درمورد برنج‌که نیز کالای استراتژیک است. امسال دولت خود عهده‌دار تهیه وتوزیع آن‌شد واز این طریق توانست میلیاردها‌تومان‌استفاده نامشروع‌واسطه‌های‌سودجورا ازبین‌ببرد واسطه‌های مذکور ازشیوه‌های‌مختلفی برای‌ضربه‌زدن‌به‌طرح خرید برنج در شرایط‌فعلی استفاده‌کرده و می‌کنند تا بتوانند بار دیگر به‌مطامع خود دست یابند" (اول‌دی‌۱۳۶۰)

وزیر کشاورزی در همین‌مصاحبه باردیگر شایعه‌توقف خرید برنج را به شدت تکذیب کرد وافزود که‌کار خرید وتوزیع برنج ادامه خواهد یافت.

تغییرسیستم‌مالیاتی

آقای **محمد قاسم‌محمدیان معاون** درآمدهای مالیاتی وزارت‌اموراقتصادی ودارائی درمصاحبه‌ای اعلام کرد که سیستم مالیاتی کشور تغییر خواهد کرد معاون‌وزیر گفت: "سیاست‌دولت‌ووزارت اموراقتصادی‌ودارائی این‌است‌که‌درصد مالیات‌های‌غیرمستقیم‌راکاهش‌و‌مستقیم را افزایش دهند. زیرا مالیات‌های‌غیر مستقیم در اکثرموارد‌گستردگی در تودهٔ مردم دارد وبه‌همین‌مناسبت‌درمواقعی‌که ضرورتی ندارد نباید این‌گونه‌مالیات گرفته‌شود، بلکه باید تنها مالیات‌های مستقیم‌را بیشتر وصول کرد. این‌آهنگ درتمام‌کشورها به‌خصوص‌درکشوراسلامی وانقلابی ماباید اجراشودونرخ‌مالیات تصاعدی‌گردد. بااین‌صورت‌که‌افرادی‌که درآمد و ثروت‌کمتری دارند، مشمول مالیات‌نشوندوبرعکس‌کسانی‌که‌از درآمد و ثروت بیشتری برخوردارند مالیات بیشتری‌نیزپرداخت‌نمایند" (اطلاعات ـ اول دی ۱۳۶۰)

اظهارات معاون وزارت امور اقتصادی‌ودارائی دراینمورد که‌درآینده ازبارطبقات‌کم درآمدتر ومحروم جامعه‌ کاسته خواهد شدوسیستم مالیاتی‌کنونی که‌بسود غارتگران وطبقات‌مرفه تنظیم گردیده‌است، دگرگون‌خواهدشد، مورد تائید ما وهمهٔ‌نیروهای‌انقلابی‌وتوده‌ های‌میلیونی مردم‌است.

این‌دگرگونی‌ضروری باید هرچه‌سریع‌تر تحقق پذیرد.

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۸)

اوجگیری یهودستیزی و مهاجرت بی سابقهٔ یهودیان به سرزمین فلسطین



سرکوب وحشیانهٔ انقلاب ۱۳۰۸ (۱۹۲۹)، آتش جنبش آزادیبخش را خاکستر پوش‌کرد. سیل کوچندگان‌یهود زیرتیغ پرگزند یهودستیزی، به سوی "سرزمین موعود" جاری‌شد. درحالی‌که میانگین سالانهٔ‌شمارکوچندگان‌یهودی درخلال‌سال‌های ۱۳۰۵ (۱۹۲۶) تا ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) به ۷۲۰۱ تن‌می‌رسید، به‌یکباره درسال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) شمار کوچندگان یهودی از راه‌های قانونی و غیر قانونی‌برروی هم به ۴۰۰۰۰ افزایش یافت‌ویهودیان ۱۹درصد کل‌جمعیت فلسطین را تشکیل دادند، که این‌خود هنوز آغاز بود، سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳). سال روی کارآمدن فاشیسم درنده‌خوی هیتلری در آلمان، درنتیجهٔ آزار و شکنجهٔ‌نازی‌ها، مهاجرت‌یهودیان از آلمان‌اوج‌بی‌سابقه وفزاینده‌ای به خود گرفت. دراین‌سال، قراردادی رسمی میان‌شرکت‌حمل ونقل صهیونیستی هاورا" وبانک "رایش" آلمان‌بسته‌شد مبنی براینکه یهودیان‌بتوانندسرمایه‌های‌خودرا به وسیلهٔ این‌شرکت به فلسطین منتقل کنند، یعنی دارایی‌خود را به‌صورت کالاهای آلمانی‌درآورندو به هنگام ترک‌گفتن کشور، آن‌را به فلسطین بفرستند. درسال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) ۳۰۰۰۰تن، درسال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) ۴۰۰۰۰تن و در سال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) ۶۱۰۰۰ تن یهودی‌آلمانی‌ناگزیربه‌کوچ به‌سرزمین فلسطین شدند. پدیدهٔ مهاجرت سیل‌آسای یهودیان از آلمان وتنگتر شدن تسمهٔ‌یهودستیزی بازتاب تردیدناپذیر پیوندها و مناسبات‌نهفته ای‌است، که‌میان‌سردمداران‌صهیونیسم وفاشیسم هیتلری جوش‌خورده‌بود.

پژوهشگرانی‌که‌انگیزه‌های‌بنیادین همکاری تنگاتنگ سردمداران‌برجستهٔ صهیونیسم وفاشیسم را بررسی کرده‌اند علت این همکاری انکارناپذیروپنهانی را راندن یهودیان به سرزمین فلسطین می‌دانند. "**داوید**" و "**چون‌کمیکه**" نویسندگان کتاب "راه‌های پنهانی" (لندن ۱۹۵۴) می‌نویسند:

"**فرستادگان صهیونیسم برای نجات یهودیان به‌آلمان‌نیامده‌بودند... آنهادرپی زنان و مردان جوانی چشم‌می‌گرداندند، که مایل به‌رفتن به فلسطین و آمادهٔ مبارزهٔ و جنگ‌درراه فلسطین‌باشند.**"

لوی‌اشکول، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، یکی از آن "همکارانی" بود که، باشرکت مستقیم او، ادارهٔ کذایی فلسطین "ـ که‌زیرچتر حمایت نازی‌ها کارمیکرد ـ سرگرم "گزینش" پناهندگان بود.

دیویدفلینکر، روزنامه نگار امریکائی، در ۳ خرداد ۱۳۴۲ (بیست وچهارم ماه‌مه ۱۹۶۳) درمجلهٔ [illegible] مورگن‌ژورنال" نوشت‌که:

"**بن‌گوریون در مقام رئیس نمایندگی یهود" دراورشلیم، طی دههٔ سی قراردادی تحت‌عنوان"مسئله‌انتقال باحکومت‌هیتلر منعقد کرد، که به موجب آن‌اموال یهودیانی که‌آلمان را ترک‌گفته‌بودند، بصورت‌کالا به‌فلسطین، منتقل‌میشد، وبدین‌ترتیب‌مانع‌ازاجرای تحریم کالاهای آلمانی‌می‌گردید...**"

اگرنازیسم بر پاسازندهٔ‌کوره‌های آدم‌سوزی‌ومسئول‌روانه‌ساختن ۶میلیون یهودی‌به‌کام آتشناک‌آنها، ونیزصدها هزارتن به‌خارج ازآلمان‌بود، سرمایه‌داری "**دمکراتیک**"، به یاری جنبش صهیونیستی، مسئول گسیل بسیاری‌از مهاجران‌یهودی‌به‌سرزمین فلسطین بود. ارقام‌زیر روشنگر است:

ازهمهٔ ۲۵۶۲۰۰۰ یهودی‌که از اجاق‌های‌شکنجه‌بار وهستی سوز قربانگاه‌های‌نازی‌به‌سلامت‌گریختند و، ایالات‌متحده آمریکا تنها پذیرای ۱۷۰۰۰تن (۶/۶دهم درصد) و بریتانیا ۵۰۰۰۰تن (۱/۹درصد) گردیدند. حال‌آنکه راه یافتگان به فلسطین ۸/۵درصد ازآن‌شمار را دربر می‌گرفت [illegible] ۱۹۳۰۰۰۰ تن‌یهودی (۷۵/۳درصد) پناهنده شدند.

پیامدهای اقتصادی اجتماعی این‌کوچاندن‌ها راهنگامی به‌روشنی می‌توان‌درک‌کرد که‌به‌خاستگاه طبقاتی مهاجرین‌نظر کنیم: زحمتکشان شوربخت، طعام‌کوره‌های آدم سوزی، در دامن‌مهربان‌سوسیالیسم، در اتحاد شوروی، پناه‌می‌جستند، وحال‌آنکه سرمایه‌داران در "سرزمین‌موعود" یا کشورهای سرمایه داری. درسال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) نسبت‌چشمگیر ۱۱ در صد (۳۲۵۰تن) ازکوچندگان به فلسطین سرمایه‌دار بودند، در سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) این نسبت به ۱۲ درصد (۵۱۲۴تن) و درسال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) به‌ده‌درصد (۶۳۰۹تن) رسید. البته آماج‌اصلی سردمداران صهیونیسم تنها تمرکز سرمایه‌یهودیان درفلسطین نبود (چنانکه تاسال ۱۳۱۵ (۱۹۳۶) سرمایه انباشته درفلسطین ۳۰۰۰۰۰۰۰ پوند فلسطین سرمی‌زد.)، بلکه به وجود آوردن "پرولتاریای یهود "ازراه تکامل بخشیدن به‌روند تولیدبربنیان توسعهٔ‌صنایع نیز بود. این سیاست‌با شعله‌ورساختن آتش نژادپرستی وشوونیسم‌کور، برخاسته از سرشت‌ایده‌ئولوژی صهیونیسم، تحت شعار "تنها کارگران یهودی را بکارگیرید" به‌اجرا درمی‌آمد.

نتایج پیشبرد این‌سیاست‌چنین شد: درسال ۱۳۱۴ (۱۹۳۵) سرمایه‌داران‌یهود ۸۷۲موسسه صنعتی رااز‌کل ۱۲۱۲ موسسه با ۱۳۶۷۸ کارگر در فلسطین در چنگ داشتند، حال آنکه در ۳۴۰موسسه‌صنعتی فلسطینی تنها درحدود ۴۰۰۰ کارگر سرگرم کار بودند بنابر یک‌آمار رسمی‌درشهریورماه ۱۳۱۶ (سپتامبر ۱۹۳۷) یک کارگر متوسط یهودی دستمزدی تا۴۳۳درصد بیشتر ازهمتای عرب‌فلسطینی خود دریافت میکرد.

هماهنگ‌بااین‌سیاست، خریداری زمین‌ازسوی‌سازمان‌های‌صهیونیستی دگر بار‌درسطح وسیعی آغاز شد. به عنوان نمونه، زمین‌های شرکت صهیونیستی "اسکان‌یهودیان"، که در سال ۱۳۰۸ (۱۹۲۹) یک‌میلیون‌دونم‌بود، درسال (۱۹۳۰) به‌یک‌میلیون و ۲۵۰ هزار دونم‌رسید. ازسوی دیگر، افزایش‌بی‌سابقه‌بهای‌زمین، گرایش فئودال‌ها و بزرگ‌مالکان عرب‌رابه‌فروش‌زمین‌بیشتر کرد، بطوری‌که‌صهیونیست‌ها تنها در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) بر زمین های [illegible]هزار خانوادهٔ دست انداختند و [illegible] آوارگی بر سرنوشت آنان‌زدند.

درسال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) بحران عمومی‌جهان سرمایه‌داری به فلسطین نیز راه‌یافت وزندگی مردم‌رادستخوش نابسامانی‌ساخت. صنعت‌محلی دچاررکود گردید و شمار بیکاران به ۳۰ تا ۳۵هزار رسید، در کنار گرانی‌طاقت‌شکن، کاهش دستمزدکارگران‌تا ۵۰درصد، خشم پر خروش‌کارگران را برمی‌انگیخت.

درسال‌های ۱۳۰۹ــ۱۳۱۲ (۱۹۳۰ــ۱۹۳۳) جنبش‌کارگری اوج و جوشش تازه‌ای گرفت. جنبش‌اعتصابی رو به رشد نهاد. در خلال یک سال و نیم کارگران‌عرب ۲۰ باردست از کارکشیدند وبر روی هم چهار هزارکارگر در این اعتصاب‌ها شرکت‌جستند. از آن جمله بوداعتصاب‌سراسری رانندگان، کارگران کارخانهٔ‌سیمان‌حیفا وسنگ‌تراشان‌بیت‌المقدس‌وحیفا. این‌اعتصاب‌ها با درگیری و برخورد بین اعتصاب گران و اعتصاب‌شکنان و پلیس همراه‌بود.

براین روال، مجموعهٔ‌این‌اوضاع واحوال زمینه‌ساز خیزش کارگران و دهقانان‌شد و در ادامهٔ منطقی خودبه انقلاب ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) انجامید.

ادامه دارد

در اتیوپی
تاکنون ۱۰ میلیون بیسواد سواد آموخته‌اند

در حدود چهارمیلیون بزرگسال اتیوپیایی اوایل‌مهر ماه‌امسال‌با مداد وکتاب‌درسی‌ومجهزبه‌دانشی‌که‌در دوره‌های پنج ماهه فراآموخته بودند، روانه کانون‌های مبارزه با بی‌سوادی‌گشتند. پدران ومادران‌و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های اتیوپیایی یک‌هفته پیش از فرزندان ونوه‌های خودسرامتحان نهایی پنجمین مرحله‌برنامه‌آموزشی سراسری حاضر شدند.

این‌برنامه‌درسال ۵۸ ــ۱۳۵۷ آغازگردید. بسیاری‌ازآن‌ها از مناطق دور دست می‌آمدند، چه مرحله پنجم برنامه‌سواد آموزشی در درجه نخست برای روستانشینان پیش‌بینی شده بود. این برنامه همه‌استان‌های چهارده‌گانه‌اتیوپی را دربر‌می‌گرفت. برای این‌که هرچه بیشتر از متجاوز از صدملیت و گروه‌قومی اتیوپی درجنبش مبارزه با بی‌سوادی شرکت‌کنند، سوادآموزی به ۱۰زبان مهم این‌کشور صورت می‌گیرد.

شرکت‌کنندگان علاوه بر الفبا برخی معلومات‌سیاسی و تخصصی نیز (مانند اصول بهداشت، برنامه‌ریزی خانواده و کشاورزی و غیره) فرا می‌آموزند.

باپایان مرحله‌پنجم، رویهم‌رفته در حدود ۱۰میلیون اتیوپیایی‌در دوره‌های‌سوادآموزی‌شرکت‌کرده‌اند. بدین‌سان، یکی از بزرگ‌ترین هدف‌های دولت اتیوپی ـ "دانش برای همه" ـ رفته‌رفته تحقق می‌پذیرد.

تهاجم اقتصادی...

بقیه‌ازصفحه۱۳

گذاری‌های‌خارجی).

اهمیت‌به‌سزای منطقه‌اقیانوس‌آرام سبب شد که **اوهیرا**، نخست وزیر پیشین‌ژاپن، اندیشه "**منطقه اقتصادی اقیانوس‌آرام**" را بار دیگر احیاکند. ۴۰ــ ۳۰ درصد تجارت خارجی کشورهای این منطقه باژاپن‌است.

گرچه وسعت فعالیت‌های‌اقتصادی‌ژاپن دربقیه‌جهان‌محدودتر است، ولی به‌هیچ روی نباید بدان‌کم‌بها داد. برای نمونه‌در آفریقا میتوان‌از پروژه مختلط "تین‌اندآسوشیتد‌مینرالز" ("میت‌سوبیشی شوجی") در نیجریه، شرکت استخراج معدن "تنکه ـ فونگرومه" ("میت‌سوئی‌اند کامپانی") درزئیرواستخراج گرم در سودان نام برد.

در خاور میانه وخاور نزدیک ژاپن‌اسیر وابستگی خود به انرژی است و در تراز بازرگانی آن باکشورهای‌نفت‌خیز این منطقه کسری بارز دیده می‌شود. سرمایه‌گذاری های ژاپن در خاورمیانه و خاورنزدیک تنها ۷درصد کل سرمایه‌گذاری های این کشور را تشکیل می‌دهد، ولی در پروژه‌های عظیم انرژی و پتروشیمی متمرکزاست. بیشتر سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در این‌منطقه تاکنون در عربستان سعودی وایران بوده‌است.

بدین‌ترتیب، می‌بینم که چگونه ژاپن تهاجمی رابه‌موادخام "جهان‌سوم "آغازکرده است. مناسبات تجارتی ــ مالی وصنعتی ژاپن باکشورهای "جهان‌سوم" آنرا از فوائدی چند بهره‌مندمی‌سازد، که‌تامین پیوستهٔ مواد مورد نیاز صنعت‌داخلی ونیروی کار ارزان تنها دو نمونهٔ‌آن‌است.

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ژاپن‌درخارج (۱۹۸۰ــ ۱۹۵۱)

منطقه	به‌میلیون‌دلار	%
آسیا	۸/۶۴۳	۲۷
آمریکای شمالی	۸/۲۰۲	۲۶
آمریکای‌لاتین	۵/۵۸۰	۱۷
اروپا	۳/۸۹۳	۱۲
خاورمیانه وخاور نزدیک	۲/۱۰۱	۷
اقیانوسیه	۲/۰۷۸	۷
آفریقا	۱/۳۰۶	۴
	۳۱/ ۸۰۳	۱۰۰

گامهای ...

بقیه از صفحه ۱

اسلامی ایران ،را درپی خواهد داشت .

از تیرماه سال‌گذشته ، که تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس‌عالی بنام "انقلاب فرهنگی "آغاز شد ،تاکنون ، "مسئله‌ٔ دانشگاه‌ها" یکی از مسایل بحث‌برانگیز میهن‌ما بوده‌است . چه‌بسیارامپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم‌آمریکا ، ضد ــ انقلاب داخلی‌و دیگر دشمنان رنگارنگ انقلاب‌شکوهمند مردم‌ایران‌کوشیده‌اند تا از آن به‌منظور اغتشاش وخرابکاری‌در جامعه وایجاد نارضایتی در میان‌مردم ، جوانان وخانواده‌ها بهره‌جویند .

هیچ‌ایرانی انقلابی‌ومیهن‌دوست درضرورت دگرگونی بنیادین در نظام آموزش‌عالی ،که‌به‌دلیل سال‌ها سیطره‌ٔ آهریمنی امپریالیسم ازمحتوایی غیر ــ مردمی‌ونواستعماری برخورداربود ، و انطباق آن‌بانیازهای انقلاب و میهن انقلابی ذره‌ای تردید نداشته وندارد . ولی‌این‌که ،انجام‌این دگرگونی ،**الزاما**" باید بامتوقف‌ساختن چرخ‌های آموزش عالی‌همراه‌باشد ،مسئله‌ای‌است که از سوی مردم وبرخی‌از سازمان‌ها ونیرو‌های مومن به انقلاب‌ومتعهد به‌جمهوری اسلامی‌ایران‌بحق‌زیر سئوال قرار گرفت آنان‌معتقد بودند که‌دگرگونی بنیادین درنظام‌آموزش‌عالی‌روندی‌است‌طولانی که‌باشرکت‌همه‌دانشجویان‌ودانشگاهیان ودرشرایط تداوم فعالیت دانشگاه‌ها امکان‌پذیراست . لذا تعطیل‌مراکزآموزش عالی به‌نام "انقلاب‌فرهنگی " ،نه تنها به‌این مهم یاری نمی‌رساند ،بلکه خود مانعی‌است در راه آن . تداوم و طولانی شدن‌تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس عالی برنگرانی‌ها دامن‌زد وخواست‌بازگشایی مراکز آموزش‌عالی درجهت‌منافع انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران ،به‌یکی از خواست‌های‌مبرم مردم بدل‌شد .

رهبر انقلاب‌وبنیانگذار جمهوری اسلامی‌ایران ،همواره براین‌خواست به حق تاکید داشته‌اند .**امام‌خمینی** اخیرا به‌درستی گفتندکه :

"اگر بخواهند تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی‌بدهند ،این‌کار بیش‌از ۲۰ سال طول خواهد کشید و نمی‌شود دانشگاه‌ها را برای‌این مدت تعطیل‌نمود . البته با بازشدن‌دانشگاه هاکارستادانقلاب‌فرهنگی‌برای‌تغییرات اساسی‌ادامه پیدا می‌کند . "

اکنون که نخستین‌گامها درجهت بازگشایی‌دانشگاه‌ها برداشته‌شده است بجاست‌که‌مسئولین‌ودست اندر کاران "انقلاب‌فرهنگی" در برداشتن گام‌های بعدی سرعت بیشتری‌ازخودنشان دهند وبا تعیین تکلیف بقیه‌ٔ دانشجویان ،پذیرش دانشجوی جدید ورفع کاستی‌های موجود درزمینه‌نیروی انسانی (استاد) وفنی (آزمایشگاه‌و . . .) لازم‌برای‌اداره وفعالیت‌مراکز آموزش عالی ،هرچه‌سریع‌تر دانشگاه‌ها راتمام وکمال‌بگشایند . مسلما " ،در شرایط فعالیت‌ثمربخش وسازنده‌ٔ دانشگاه‌ها ، باشرکت فعال‌همه‌ٔ‌نیروهای دانشگاهی مومن‌به‌انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران ،پی‌ریزی وایجاد یک نظام‌آموزش‌عالی مردمی وپیشرفته ، آن‌چنان‌که شایسته‌انقلاب‌بزرگ‌اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران‌است ،

میسر خواهد شد .

ولی متاسفانه ،علیرغم‌این‌گام‌های مثبت ،در برخی‌مراکز آموزش عالی‌اقداماتی صورت میگیرد که نه تنها‌با منافع ونیازهای‌انقلاب‌وجمهوری اسلامی‌ایران‌مغایرت‌دارد ،بلکه در صورت گسترش ،بر پیکر نظام‌آموزش عالی‌کشور لطمات‌جبران‌ناپذیری‌وارد خواهدآورد . ازجمله‌می‌توان‌به‌پرسش‌نامه‌هائی‌که‌درموقع ثبت‌نام دانشجویان ۲۵واحدی ازآنان‌دریافت‌شده است ، اشاره‌کرد . این‌پرسش‌نامه‌های‌بدون‌مهر وامضاءکه‌معلوم نیست‌ازسوی‌کدام مرجع قانونی است ،دربردارنده سئوالاتی است که تنها میتوان‌برآن‌نام "تفتیش عقاید " گذارد .

تعدادی‌از دانشجویان پزشکی متعهد به‌جمهوری‌اسلامی‌ایران ،به‌بهانه‌های انحصارطلبانه و تنگ‌نظرانه ،جلو ــ گیری بعمل آمده‌است ،تعدادی ازآنها اخراج‌شده‌اند ویابه حالت تعلیق درآمده‌اند .

این‌اقدامات غیر قانونی وخود سرانه ،با رهنمودهای امام‌خمینی ، باقانون اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران وباسیاست رسمی واعلام شده‌ٔ آموزش

دراصل ۲۳ قانون‌اساسی‌جمهوری اسلامی‌ایران آمده‌است :

"هیچکس رانمی‌توان‌به صرف داشتن‌عقیده‌ای مورد تعرض ومواخذه قرارداد . "

مسئولین آموزش‌عالی کشور صراحتا اعلام‌کرده‌اند :

"دانشجویانی که لااقل پس از فراغت از تحصیل در خدمت کشور حاضر باشند عمل‌بکنند و عنادی با نظام جمهوری‌اسلامی‌ایران‌نداشته باشند . . . "میتوانند به‌تحصیل‌ادامه دهند . (مصاحبه‌وزیر فرهنگ وآموزش عالی ،نشریه "دانشگاه‌انقلاب" ،شماره‌ٔ ۵)

اعضای "ستادانقلاب‌فرهنگی " پس‌از ملاقات با فقیه‌عالیقدر آیت الـه‌منتظری ،اعلام‌کردندکه‌معیار عدم ادامه‌تحصیل دانشجویان ،عضویت محرز آنان در گروه‌های غیر قانونی (پس‌ازغیر قانونی‌شدن‌این گروه‌ها) است .

در شرایطی که امام خمینی ، رهبر انقلاب وبنیانگذارجمهوری اسلامی‌ایران ،مسئولین ومقامات‌کشور رابه‌اجرای اکید قانون‌وجلوگیری از

تخلفات وقانون‌شکنیهافراخوانده ــ اندوهم‌اکنون سازمان بازرسی‌کل‌کشور اقدامات پیگیری را درجهت‌رسیدگی به‌تخلفات آغازکرده‌است ، شایسته است که‌مسئولین‌آموزش‌عالی به موارد فوق‌رسیدگی‌کنندوشرایط‌ادامه‌تحصیل دانشجویان را درمحیطی آرام وفارغ ازدغدغه‌ٔ اخراج وتعلیق فراهم‌آورند .

در عین‌حال ،درشرایطی که به منظور بازگشایی مراکزآموزش‌عالی‌و فعالیت‌ثمربخش وسازنده‌آن ، بیش ازهرزمان دیگر به‌اساتید متخصص و متعهدنیازاست ، در برخی دانشگاه‌ها ومدارس عالی ،موانعی ناروا وانحصاره ــ طلبانه بر سر راه استخدام اساتید جدید ومربیان غیر رسمی پدید آمده است . این‌امرمی‌تواندبرنارسائی‌های کنونی در زمینه کمبود نیروی‌متخصص دامن زند و بر بازگشایی و فعالیت دانشگاه‌ها ومدارس عالی لطمه وارد آورد .

امام‌خمینی ،رهبر انقلاب‌وبنیان گذارجمهوری‌اسلامی‌ایران ،همواره بر بکارگیری‌اساتید متخصص ، که کارشان "سودمند ونافع به اجتماع باشد وعمل اوبه‌هیچ‌وجه برخلاف‌نهضت نباشد ولو

این‌که‌مسلمان‌نباشد . . . "تاکیدداشته‌اند .

پس ازملاقات اعضای "ستاد انقلاب‌فرهنگی "با فقیه عالیقدر آیت‌الـه‌منتظری نیز اعلام شدکه :

"در زمینه مسایل مربوط به اساتید همانگونه که امام فرمودند ، ایشان (آیت‌اللـه‌منتظری) هم نظرشان این‌بود که همینقدر که اساتید علوم وطن‌دوست‌خدمتکار به‌مردم و متخصص باشندوضمن‌برخورداری از شایستگی تدریس ،معاندتی باجمهوری اسلامی نداشته و متجاهر به فسق نباشد ،کافی است . " (اطلاعات ، ۱۳۶۰/۹/۲۴)

باشدکه همه‌ٔ مسئولین ودست ــ اندرکاران‌آموزش عالی‌کشوراین‌رهنمود ــ های ارزنده‌را فرا راه خود قرار دهند ،از اقدامات خودسرانه وانحصار طلبانه‌قاطعانه‌جلوگیری‌کنند و بابهره گیری ازهمه‌نیروهای دانشگاهی مومن‌به انقلاب ومتعهد به‌جمهوری‌اسلامی‌ایران صرف‌نظر از عقاید سیاسی ،مسلکی ، و مذهبی روند بازگشایی و فعالیت ثمر‌بخش دانشگاه‌ها و مدارس عالی‌ودگر‌گونی‌بنیادین در نظام‌آموزش‌عالی‌را شتاب وعمق‌بیشتری‌بخشند .

در هفته‌ای که گذشت:

شعارهای انقلاب باید عملی شود

هفته‌گذشته **حجت‌الاسلام سید علی‌خامنه‌ای** ریاست‌جمهوری‌درپیامی که‌به‌سمینار وحدت حوزه و دانشگاه فرستاد ،از جمله‌گفت : "**انقلاب ما امروزه بیش‌ازهرزمان‌دیگر نیاز به آن دارد که‌شعارهای خودرا جامه عمل بپوشاندوبدون‌تردیدامکان وشایستگی وابزار این‌کار را نیز دراختیاردارد .**" (اطلاعات‌ــ ۲۸ آذر ۱۳۶۰)

باید گفت رئیس‌جمهور باروشن بینی بر روی مسئله‌ٔ‌حیاتی انقلاب انگشت‌گذاشته‌است . انقلاب اسلامی ، ضدامپریالیستی و مردمی‌ایران برای تحکیم‌خویش و درهم‌شکستن توطئه ــ های‌امپریالیسم‌جهانی‌بسرکردگی‌امریکا بیش‌ازهمیشه نیازمند این است‌که به شعارهای خود جامه‌ٔ عمل بپوشاند . چنانکه رئیس جمهوری بدرستی گفته است‌خوشبختانه ایران‌انقلابی ،امکان شایستگی وابزار این کاررا نیزدراختیار دارد . این‌ابزار بیش‌از همه توده‌های میلیونی‌هستند که زیر رهبری **امام خمینی** آماده هرنوع فداکاری هستند . درخارج از کشور نیز جبهه‌جهانی‌ضد‌امپریالیستی پشتیبان‌انقلاب‌ایران است واز هیچگونه‌کمکی‌رویگردان‌نیست. همانطورکه رئیس جمهور در پیام یاد شده گفته‌است "**وحدت کلید موفقیت و رمز پیروزی‌انقلاب خونبارمابود**" " و امروز نیز با تامین وحدت همه‌نیروهای خلق‌واستفاده‌ازهمه‌ٔامکانات‌موجود در ایران وجهان‌باید شعارهای‌انقلاب‌رادر مورد ریشه‌کن‌کردن کلان‌سرمایه‌داری و بزرگ‌زمینداری‌عملی‌کرد . بایدباتصویب واجرای هرچه‌سریعتر قوانین اصلاحات ارضی ،بازرگانی‌خارجی ودیگر قوانین اقتصادی مندرج درقانون‌اساسی ،زمینه تامین‌استقلال‌اقتصادی را فراهم‌ساخت وبه‌اینترتیب‌یکی‌از شعارهای‌اصلی انقلاب‌ایران‌را به‌انجام رساند . باید آزادی فعالیت نیروهای طرفدارانقلاب راباهرمسلک‌وعقیده‌درچهارچوب‌قانون‌اساسی ،تامین‌کرد . تنها از طریق‌تحقق بخشیدن‌به‌این‌شعارها‌ــ که شعارهای اساسی انقلاب ماهستند ــوبرقرارکردن پیوند میان‌انقلاب‌ایران‌و جبهه‌ٔ‌جهانی ضدامپریالیستی‌ــمی‌توان‌انقلاب‌ایران راشکست‌ناپذیرنمود .

و آزادی‌ها ...

در چهارچوب انجام‌شعارهای اصلی انقلاب ایران ،هفته‌گذشته‌حجت الاسلام **محمدیزدی** نایب‌رئیس مجلس شورای‌اسلامی‌ایران‌درمصاحبه‌ای‌به‌آزادی های‌سیاسی ونحوه‌ٔ برخورد جمهوری اسلامی‌ایران به‌آن‌اشاره‌کرد وگفت : "**آن آزادی‌که دراسلام مطرح است ،این‌است که‌گذشته ازاینکه‌به‌همه‌ٔ پیروان‌خودش اجازه‌فعالیتهای‌مشروع‌وقانونی‌وعقلانی رامیدهد ،در زندگی وفعالیت های سیاسی‌واقتصادی واجتماعی‌شان به گروه‌های غیرمذهبی ویا از مذاهب‌دیگر هم‌در چهارچوب مقررات خاص ،این آزادی‌رامی‌دهد .**"

نایب‌رئیس‌مجلس شورای‌اسلامی اضافه‌کرد : "**در قانون‌اساسی‌ما تصریح شده که‌هم اقلیت‌های‌مذهبی‌آزادهستند برای‌فعالیت‌های‌اجتماعی‌وسیاسی و مذهبی‌خودشان‌وحتی گروه‌های غیر‌مذهبی تاجائی که‌برابر حکومت وارد مبارزه های به‌اصطلاح مسلحانه نشده باشند و در صدد براندازی حکومت‌بر‌نیایند ،آزاد هستند** " (جمهوری‌اسلامی ۳۰ آذر ۱۳۶۰)

این‌سخنان‌نایب‌رئیس مجلس شورای‌اسلامی‌ایران‌بیانگر این واقعیت است که مقامات‌جمهوری‌اسلامی ایران درصدند مطابق قانون‌اساسی‌به‌آزادی‌‌های‌سیاسی فعلیت‌بخشند . قانون‌مربوط به فعالیت‌های سیاسی هم ، درمجلس تصویب و برای‌اجرا به‌دولت ابلاغ شده است . اکنون‌نوبت‌عملی‌ساختن‌آنست .

امنیت‌زمینه‌ساز‌اجرای قانون

برای‌اجرای قوانین نیازبه امنیت اجتماعی‌هست . اجرای قوانین نیز خود متقابلا به‌برقراری امنیت در کشور کمک میکند . دشمنان‌انقلاب‌باآگاهی‌از این امر است‌که‌درسه‌سال‌گذشته تمام‌نیروی خودرابکارگرفتند . تاهم‌امنیت را از میان‌ببرند و هم‌باجلوگیری ازتصویب‌و اجرای قوانین مردمی وانقلابی ،تامین امنیت را غیر ممکن‌سازند . خوشبختانه بدنبال فرمان‌مهم **امام‌خمینی** درمورد اجرای قانون مقامات‌جمهوری اسلامی ایران ،مقابله‌جدی با این‌توطئه دشمن را در دستور روز گذاشته‌اند .

هفته‌گذشته حجت‌الاسلام **ناطق نوری** وزیر کشور درمصاحبه‌ای گفت : "آنچه در شرایط امروز بیش‌از همه‌باید به‌آن بهاداده‌شود ،مسئله‌ٔ امنیت کشور است که به‌نظر من دردرجه اول قرار دارد . دراین راه‌گام‌هائی با همکاری سایر ارگان‌های دولتی ،نهادهاوبیش ازهمه‌خود ملت که همیشه‌درصحنه‌بودند وآنها‌هستندکه‌تامین‌کننده‌امنیت‌هستند بتوانیم‌موفق‌شویم وگام‌های موثری‌بر‌داریم " (کیهان‌ــ۲۹ آذر ۱۳۶۰)

موفقیت‌مسئولین‌جمهوری‌اسلامی ایران را درتامین‌هرچه‌سریعتر وکاملتر امنیت آرزومندیم .

اجرای قانون

اخبارمنتشره درجرایدنشان‌می‌دهدکه‌سازمان بازرسی‌کل‌کشور طبق فرمان‌ماه گذشته **امام‌خمینی** با جدیت براجرای قانون در نهادها ،سازمان‌ها وارگان‌های‌اداره‌کننده‌کشور ،نظارت میکند هفته گذشته حجت‌الاسلام **محقق داماد** ،معاون وزارت‌دادگستری‌ورئیس سازمان‌بازرسی‌کل‌کشور درمصاحبه‌ای اعلام‌کرد : "یک‌حاکم شرع‌دادگاه‌صنفی یک‌رئیس‌شهربانی و ۲ معاون‌آموزش و پرورش به‌جرم تخلف از قانون از کار برکنارشدند" (اطلاعات‌ــ۳دی ۱۳۶۰)

ادامه این روش واجرای قانون درموردهمگان‌بدون‌کمترین‌استثنا از ضروریات مبرم انقلاب‌ایران‌درمرحله حساس‌کنونی‌است .

احتکار پیاز

سرمایه‌داران‌غارتگر که‌تقریبا تمام‌موادغذایی مورد نیاز مردم‌را در انبارها احتکارکرده وسپس در بازار سیاه به‌چند برابرقیمت می‌فروشند ، هفته‌گذشته دست به‌احتکارپیاززدند غارتگران علاوه‌بر سوداقتصادی‌که از این‌بابت‌می‌برند ،طبق‌معمول‌قصد‌بهره برداری سیاسی‌هم‌داشتند . آنهاهم ــ زمان‌با احتکار پیازهاشایع کردندکه کمبود پیاز بدلیل‌وضع بد کشت‌این محصول‌درسال‌زراعی جاری‌بوده‌است . واین‌درحالی‌بودکه حتی‌مقداری پیاز برای صدور به‌خارج‌کشور ،به خارج حمل شده‌بود .

خوشبختانه وزارت‌کشاورزی به سرعت این‌توطئه را فاش‌کرد . آقای **محمدسلامتی** وزیرکشاورزی ،طی‌اطلاعیه ای وضعیت کشت و برداشت پیاز را در سالجاری بسیار خوب‌توصیف کرد و اعلام داشت : "عده‌ای از عوامل‌سود‌جو با وجود آنکه پیاز را باقیمت‌ارزان ازکشاورزان خریده‌اند ،ازعرضه‌ٔآن به قیمت مناسب‌خودداری‌نموده وبا نشان دادن‌کمبود مصنوعی‌در بازار قصد بالا بردن قیمت وکسب درآمد نامشروع دارند " (اطلاعات‌ــ ۲۸ آذر ۱۳۶۰)

مطابق‌همین‌اطلاعیه دولت با

بقیه‌در صفحه ۱۴

اتحاد همه ...

بقیه از صفحه ۱

"تریپ وایر " (حمله نظامی ازناحیه جنوب ایران) ،طرح لوئیز (طرح تجزیه‌ایران و ایجاد کشورهای کوچک از بلوچستان ایران‌وپاکستان، از خوزستان ،ازکردستان ــ شامل مناطق‌کرد‌نشین ایران‌وعراق‌وترکیه) ،ایجاد "شورای‌همکاری "ازشش‌کشور ساحل جنوبی‌خلیج فارس (که‌فعلا بصورت"شورای همکاری "پایه‌ریزی‌شده ، تاسپس به‌صورت‌قرار‌داد نظامی " تکامل " یابد) . . .

این‌فهرست رامی‌توان‌باتهاجم نظامی عراق به‌ایران ،باجنگ فرساینده‌درلبنان ، با ترورهاوبمب‌گذاریهادرایران ،سوریه ، لبنان‌و . . . با ایجادانواع دستجات وگروهک‌های ضدانقلابی "ایرانی " ، "سوری " ، "لبنانی " و . . . تکمیل‌کردویک‌منظره‌عمومی‌وکلی‌ازسیاست آمریکا وعملکردآن در منطقه بدست آورد . درحقیقت‌امپریالیسم‌آمریکابعنوان‌سرکرده‌ٔ امپریالیسم وصهیونیسم جهانی ، که درنتیجه انقلابهای پیروزمندرهائی‌بخش در لیبی ، در سوریه ، درالجزایر ،دریمن‌جنوبی ، در آنگولا ، در موزامبیک ، در اتیوپی ، در افغانستان ، درایران . . . زخمهای جدی برداشته وبامشاهده‌ٔ نضج بی‌وقفه و بیداری خلقها وجنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر منطقه ، دچار وحشت مرگ شده ، تمام توان جهنمی نظامی ،جاسوسی ،سیاسی ، مالی‌و اقتصادی خود را بکار گرفته ، تا بکمک همه‌ٔ نیروهای دست نشانده ، همه مزدوران و جیره ــ خواران ،همه متحدان ودستیاران خود ، از هرقماش و در هرلباس، "ثبات " مجددی در این‌منطقه لرزان برقرار کند و به هرقیمتی‌شده آب رفته را درکشورهای ازدست رفته ، مجددا به "جوی " بازگرداند .

بانگاهی به این منظره‌واقعی ،میتوان به بازگوئی این حکم کلی اکتفا کرد که : " ولی کاری از دست امپریالیسم ساخته‌نیست . تلاش آمریکا عبث ومرگ‌امپریالیسم محتوم است " .

اما این حکم کلی‌ابدا کافی‌نیست ، نه فقط به دلیل اینکه امپریالیسم هیچگاه "داوطلبانه " نمی‌میرد ،بلکه به این دلیل که امپریالیسم به طورکلی ، وامپریالیسم آمریکابویژه ، هنوز هم نیرومند است و هم در وضعی قرارگرفته که از هر زمان دیگر مهاجم‌تر وخطرناک‌تر شده‌است تلاش عظیم ومتحدی از سوی تمام‌نیروهای‌ضد ــ امپریالیستی درمنطقه‌ودرسراسرجهان لازم است تا بتوان خطر امپریالیسم بسرکردگی آمریکا را عقیم کرد ، باضربات پی‌درپی از توان او کاست ، حلقات زنجیره توطئه‌های رنگارنگ او را ازهم گسست ، سنگر به سنگر مواضع او را تصرف‌کرد ، او را بسوی فنارانـد .

یگانه سلاح پیروزی بخشی که به کمک آن‌می‌توان‌نیروی‌آهریمنی امپریالیسم به سرکردگی‌آمریکا راشکست ،اتحادهمه‌نیرو های ضدامپریالیستی است . اتحادهمه‌ٔ نیرو های ضدامپریالیستی در هرکشور ، در هرمنطقه و درسراسرجهان ، اتحاد هر چه فشرده‌تر ،هر چه‌کاراتر . هرسخن‌وهرعملی‌که‌بنحوی‌از انحاء خواسته یا ناخواسته ، از روی غرض یا از روی اعتقاد به کفایت نیروی معین‌جدا از دیگر نیروهای ضدامپریالیستی ،تفرقه برانگیزد و یا مانع اتحاد ضدامپریالیستی‌گردد ،آب ریختن به‌آسیاب امپریالیسم‌است .

باتوجهی حتی‌سطحی ،ولی واقع بینانه به‌خطری که از جانب آمریکا و همه متحدینش انقلاب وکشور ما را تهدید می‌کند ، به انواع توطئه‌ها و توطئه‌چینی‌ها ، که ازسوی آمریکا و دستیارانش برای شکست انقلاب‌وجمهوری اسلامی‌ایران‌اجراءشده‌ویادرشرف اجرا است ، کمترین شبهه وتردیدی برای هیچ انقلابی راستین هوشمندی باقی‌نمی‌گذاردکه ، فقط و فقط باسلاح‌اتحادهمه‌نیروهای‌ضدامپریالیستی کشور ،منطقه‌و جهان می‌توان درنبردسرنوشت ــ ساز و دشواری‌که‌امپریالیسم آمریکا بر ما تحمیل کرده است ، پیروزی‌های حاصله را حفظ‌کرد و به پیروزی نهائی رسید . سلاح دیگری برای‌کسب این پیروزی وجود ندارد .

پایانی بر لجام گسیختگی ضد انقلاب

آغازی بر عادی شدن اوضاع در لهستان

روزشنبه ۲۸ آذر ۶۰ (۱۹ دسامبر ۸۱) رادیو ورشو گزارش داد، که هرچه بیشتر ازکارگران از اعتصاب دست بر- می‌دارند و به‌سرکار بازمی‌گردند.

رهبری "حزب متحد دهقانی لهستان" از روستاییان خواست، تا همه مقررات حکومت‌نظامی را رعایت و به عادی‌سازی سریع اوضاع کمک‌کنند.

نقشه کشتار هشتاد هزار کمونیست

خبرگزاری "پاپ" درتفسیری در باره درگیری‌هایی، که براثر تحریک عمال "همبستگی" در گدانسک و کاتوویته صورت گرفت، مسببین زد وخوردها و خونریزی را به شدت محکوم ساخت. دادستانی نظامی به‌بررسی چگونگی این رویدادها پرداخت. مطبوعات لهستان به‌انتشار سندهای محرمانه "همبستگی" ادامه‌دادند. برپایه یکی‌ازاین‌سندها، قرار بود ۸۰هزار تن از اعضای "حزب متحد کارگری لهستان" کشته‌شوند.

"تاس" نوشت:

"گفته‌های ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا، درباره‌لهستان‌از آن‌جا خشم- آلود است، که رویدادهای لهستان در راستای مورد علاقه "واشنگتن" تحول نیافت. حقیقت آنست، که ایالات متحده آمریکا در امور داخلی لهستان مداخله می‌کند. ایستگاه‌های رادیویی کانون‌های خرابکار آمریکا، از جمله فرستنده‌هایی، که از چندی پیش در کنسولگری‌های آمریکا در کراکو وپزنان شروع به‌کار کرده است، به‌تفرقه‌افکنی درمیان لهستانی‌ها مشغولند. هدف از اظهارات خودریگان تحریک به‌جسارت- های بیشتر است."

اوضاع لهستان رفته رفته بحالت عادی بازمی گردد

درورشو هیئت‌رئیسه دولت‌لهستان روزیکشنبه ۲۹ آذر ۶۰ (۲۰ دسامبر ۸۱) تصمیم گرفت، تا اصلاحات اقتصادی‌را، که اکنون می‌توان انجام داد، سرعت بخشد.

هیئت‌دبیران کمیته مرکزی‌حزب متحدکارگری لهستان به‌بررسی‌وظایف سازمان‌های حزبی درزمینه‌عادی‌سازی اوضاع کشورپرداخت.

وزارت کشور گزارش داد، که در بیش‌از ۹۵درصدکارخانه‌ها تولیدعادی است. از این‌رو، در بسیاری‌از نواحی ساعات‌منع عبورومرورکاهش یافته‌است. تنها در نقاطی، که سرکردگان‌لهستانی به‌تحریک مشغولند، مقررات منع عبورو مرور به‌طورکامل اجرامی‌شود. اینان‌در اکثر موارد به تهدید و ارعاب دست می‌یازند. در یکی از معادن کاتوویته ماجراجویان یکی ازمدخل‌ها را منفجر ساختند و تهدید کردند، که درصورت مداخله نیروهای امنیتی مدخل‌دیگررا نیز منفجر خواهند ساخت.

تاکنون ۱۳۰۰تن‌بازداشت‌شده‌اند. در اسکله‌های‌اشتتین درسواحل‌دریای بالتیک، انبارسلاح‌ها و مهمات "هم- بستگی" کشف گردید.

"تریبونالودو" درتفسیری‌درباره هواخواهی "غرب" از "قماربازان سیاسی"، "همبستگی" نوشت:

"محافل‌امپریالیستی‌مایلندروی ورق لهستانی شرط ببندند."

روزدوشنبه ۳۰ آذر ۶۰ (۲۱ دسامبر ۸۱) خبرگزاری "پاپ" خبر داد، که: "اوضاع در بیشتر نقاط لهستان آرام است. در اقتصاد کشور گام‌های‌مثبتی برداشته‌می‌شود، که‌هدف آن‌ها تثبیت تولیداست. درروزهای‌اخیروضع آذوقه رسانی به‌ساکنان شهرهای بزرگ‌بهبود یافته است."

برپایه این گزارش:

"علیرغم تلاش‌های افراطیون "همبستگی" برای‌برانگیختن‌درگیری، تقریباهمه‌معادن کارخود را بدون‌هیچ گونه وقفه‌ای ادامه می‌دهند. درصنایع انرژی، اوضاع عادی است."

"شورای نظامی‌رستگاری‌ملی" از دهقانان، کارگران روستایی، مزارع دولتی و اعضای تعاونی‌های دهقانی خواست، که به‌وظیفه میهنی‌خودعمل کنند و نیازمندی‌های غذایی کشور را برآورده سازند. "شورا" اعلام داشت، که به‌اصلاحات کشاورزی ادامه خواهد داد و وسایل تولید بیشتری دراختیار روستاها خواهد گذاشت.

افشای اسناد دسیسه‌های ضد انقلاب

رسانه‌های‌گروهی‌لهستان افشای اسناد بیشتری را درباره "همبستگی" ادامه‌دادند. این اسناد جزییات‌نقشه کودتای افراطیون و کشتار کمونیست‌ها را نشان می‌دهد.

بسیاری‌ازکمیته‌های‌ایالتی‌واستانی "حزب‌متحدکارگری‌لهستان" گروه‌های کارگری دفاع ازخود تشکیل داده‌اند، که به‌مجریان قانون کمک می‌رسانند.

به‌گزارش‌رسانه‌های‌گروهی، لهستان در ۴۳منطقه، مقررات منع عبورومرور تخفیف یافت. این تخفیف شامل‌پنج منطقه‌نمی‌شود، که در آن‌هاافراطیون "همبستگی" و ضدانقلابیون "ک.و.ر -ک.و.س." به اقدامات براندازی خود ادامه می‌دهند.

تلویزیون‌ورشودرفیلمی‌ازتماس‌های مستقیم موچولسکی، سرکرده‌گروهک ضد انقلابی "کنفدراسیون لهستان‌آزاد"، با دولت‌آمریکا و کانون‌های‌خرابکاری غرب پرده برداشت.

موچولسکی گفته است: باید کمونیست‌ها را کشت." در این فیلم فاش شد، که این "کنفدراسیون" در زرادخانه‌های‌خود برای کشتار ۸۰هزار کمونیست‌لهستان‌سلاح گردآورده‌بود.

کوپاچفشکی، رهبر "همبستگی" درشهر ژشو، می‌کوشید تاکارپدر خودرا پس‌ازجنگ‌ادامه‌دهد: پدر کوپاچفشکی نیز سرکرده‌یک‌باند راهزن‌ضدانقلابی بود.

برخی از افراطیون "همبستگی" در کارخانه فلزکاری کاتوویته‌به‌تحصن دست زدند و تهدید کردند، که کوره اصلی این کارخانه را منفجر خواهند ساخت.

روزسه‌شنبه ۱ دی ۶۰ (۲۲ دسامبر ۸۱)، خبرنگار "پراودا" ازورشوگزارش داد، که "اوضاع لهستان گام به‌گام به حالت‌عادی‌بازمی‌گردد و آذوقه‌رسانی منظم‌ترمی‌شود. اما ضدانقلابیون‌هنوز در راه برانگیختن اعتصاب کوشش می‌ورزند. در شهرهای گدانسک، ورشو و وروتسلاو اعتصاب‌هایی صورت‌گرفت واعتصاباتی‌درسیلزی‌نیزادامه‌دارد."

برپایه‌مدارکی، که‌نزد ضدانقلابیون کشف و افشاء شد، نیروهای‌ضد سوسیالیستی قصدداشتند، پیش‌ازپایان سال ۱۹۸۱ دست به کودتایی بزنند. آن‌ها امیدوار بودند، که‌پیش‌از آن از راه‌ساپوتاژ، خرابکاری‌و جنگ‌پارتیزانی به‌ثبات‌زدایی بپردازند.

زحمتکشان از روند عادی سازی پشتیبانی می کنند

از سراسرلهستان سیلی ازنامه‌به سوی "شورای‌نظامی‌رستاخیزملی" جاری شده‌است، که در آن‌ها از مقابله‌با ضد انقلاب پشتیبانی به عمل می‌آید. زحمتکشان آمادگی خودرابرای افزایش تولید ابرازمی‌دارند. روز شنبه ۲۸ آذر ۶۰ (۱۹ دسامبر ۱۹۸۱) معدن‌چیان ۵۵۷۰۰۰تن‌ذغال‌سنگ‌استخراج‌کردند که برای شنبه‌های ۱۲ ماه اخیر رکورد جدیدی به‌شمار می‌رود.

"تاس" در تفسیری نوشت:

"دولت‌ایالات‌متحده‌نمی‌خواهد بپذیرد، که اقدامات رهبران لهستان برای پیشگیری از کودتا و جنگ‌داخلی بود. کارزار ضدلهستانی‌وضدشوروی، که‌در ایالات‌متحده به‌راه افتاده‌است، این‌را ثابت می‌کند - کارزاری‌که‌هردم گسترده‌تر می‌شود. "واشنگتن" می- خواهد متحدان اروپای باختری‌خودرا به‌تحریم لهستان و اتحادشوروی‌بر- انگیزد - سیاستی، که طرح آن اکنون در ایالات‌متحده‌ریخته می‌شود. ایگل برگر، معاون‌وزارت‌خارجه‌آمریکا، برای این‌منظوررهسپار اروپای غربی‌گردیده است."

"پراودا" روز پنج‌شنبه ۳ دی ۶۰ (۲۴دسامبر ۸۱) نیزمداخلات "ایالات متحده و دیگر کشورهای "ناتو" را در امور لهستان محکوم ساخت. به‌نوشته این روزنامه:

"رسانه‌های گروهی غرب کارزار تبلیغاتی بی‌سابقه‌ای را علیه لهستان راه انداخته‌اند. هدف آن‌ها تحریف اوضاع لهستان و مقاصد اتحادشوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است. "واشنگتن" می‌خواهد به محاصره اقتصادی - مالی لهستان دست بزند ومجموع بلوک "ناتو" را درگیر چنین سیاستی بکند."

وزارت‌خارجه‌آمریکا دربیانیه‌ای رهبران‌لهستان رافراخواندتاازهرگونه اقدامی علیه‌نیروهای ضدانقلابی لهستان دست‌بردارند. از سوی دیگر، رادیو "اروپای‌آزاد"، که‌متعلق‌به "سیا" است ضدانقلابیون را به شورش علیه دولت برمی‌انگیزد.

فرستنده‌های ضدانقلاب درکنسولگری های آمریکا در لهستان

"پراودا" روزجمعه ۴ دی ۶۰ (۲۵ دسامبر ۸۱) درتفسیری دیگر پیرامون اوضاع لهستان نوشت:

"هرگونه‌تلاش برای ثبات‌زدایی در کشورهای سوسیالیستی محکوم به شکست است. نیروهای ضدانقلابی لهستان را "سیا" رهبری و به آن‌ها سخاوتمندانه کمک می‌کرد. پول "سیا" صرف‌پایه‌گذاری‌گروهک‌ضدسوسیالیستی "کمیته‌کارگری‌دفاع‌ازخود" ("ک.و- ر.") درسال ۱۹۷۶ شد، که‌بعدهانام "کمیته اجتماعی دفاع از خود" ("ک و.س") را برخوبش‌افزود. این کمیته ("ک.و.س. -ک.و.ر") کانون سازمانی "همبستگی" بود. مرکز "سیا" در مونیخ فعالیت همه نیروهای‌ضد انقلابی‌لهستان‌راهم‌آهنگی می‌بخشید. رادیو "اروپای‌آزاد"، مستقردر مونیخ، دربرنامه بیست‌و چهار ساعته خود به زبان‌لهستانی مردم‌را به‌شورش‌برمی- انگیزد. فرستنده‌های رادیویی آمریکا در کنسولگری‌های این کشور درکراکو و پزنان نیز پیوسته به تحریک مردم مشغولند."

"پراودا" افزود:

""واشنگتن" بامداخله‌خوددر لهستان‌قوانین‌بین‌المللی‌رازیرپامی- گذارد. ولی دسیسه‌گران علیه‌لهستان باید به یاد داشته باشند، که جامعه کشورهای سوسیالیستی درچندین‌مورد همانند نقشه‌های‌دشمن‌راعقیم‌گذاشته است."

وقایع مهم جهان در یک هفته

برپایه یک قرارداد سری

پاکستان پایگاه "سپاه واکنش سریع" شده است

پاکستان به‌تدارکات جنگی خوددر مرز با هند ادامه می‌دهد. به‌اعتراف جاسوسان دستگیرشده‌پاکستان، واحدهای نظامی و شبه‌نظامی این‌کشوردرمناطق مرکزی تمرکز می‌یابند.

ازسوی‌دیگر، پاکستان ساختن جاده‌ها و فرودگاه‌های استراتژیک‌را سرعت بخشیده است.

به‌گزارش یک‌هفته‌نامه لبنانی، ایالات متحده و پاکستان قرارداد سری درباره استفاده "سپاه‌واکنش سریع" آمریکا ازخاک پاکستان امضاء کردند. این هفته‌نامه می‌نویسد:

"واشنگتن" از این‌راه به‌یاری‌رژیم‌پاکستان حضورنظامی‌خود را درمنطقه از مدیترانه تا اقیانوس هند گسترش می‌دهد."

ایندیرا گاندی:

اتحاد شوروی خواهان حل مسئله افغانستان است

یکی‌ازخبرنگاران "نیویورک‌تایمز" پس از دیدار از یکی از اردوگاه‌های تروریست‌های‌افغانی‌درپاکستان‌گزارش داد، که این باندها سلاح‌های هر چه مدرن‌تری دریافت‌می‌دارند. به‌گزارش "کائوناسپای" (آمریکا) بیشتر این سلاح‌ها از ایالات‌متحده‌می‌آید.

ایندیرا گاندی، نخست‌وزیرهند، در مصاحبه‌ای با "اینترنشنال‌هرالد- تریبیون" گفت، درحالیکه‌اتحادشوروی خواهان حل مسئله افغانستان‌است، ایالات‌متحده و پاکستان چنین‌تمایلی نشان نمی‌دهند. به‌گفته گاندی:

"آن‌ها (آمریکا و پاکستان) از اوضاع (افغانستان) برای منافع تنگ- بینانه خود بهره می‌جویند."

سلطان‌علی‌کشتمند، نخست‌وزیر افغانستان، گفت، که‌پلنوم‌وسیع "حزب دموکراتیک‌خلق افغانستان"، که‌چندی پیش در کابل برگزار شد، به‌اتخاذ یک برنامه‌عمل‌برای بهبودسیاست‌وفعالیت حزب‌ودولت دست زد. وی‌دریک‌جلسه کابینه در کابل سخن می‌گفت. سلطان علی‌کشتمند افزود:

"با چنین برنامه‌ای می‌توان به دگرگون‌سازی‌های گسترده اقتصادی‌و اجتماعی به‌سود مردم همت‌گماشت."

ازسوی‌دیگر، در پایان‌سفر ببرک کارمل به‌بلغارستان قرارداد دوستی و همکاری‌میان‌افغانستان و جمهوری‌خلق بلغارستان امضاءشد.

بقیه‌ازصفحه ۱۴

درهفته‌ای که گذشت:

راه‌پیمائی سرتاسری ۲۸ صفر

آخرین روز، هفته گذشته، کشور انقلابی ما شاهد سوگواری میلیونی مردم در سالروز وفات پیغمبر اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) بود.

دراین روزدستجات مختلف مردم در شهرهای سراسر کشور طی راه- پیمائیهای پر شکوه، به عزاداری پرداختند و طی قطعنامه هائی عزم راسخ خود را به ادامه مبارزه علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا و غارتگران داخلی، به نمایش گذاردند. در قطعنامه راه پیمائی پر شکوه تهران، مردم از جمله خواستار قاطعیت در اجرای فرمان امام خمینی و تامین حاکمیت قانون و مقابله قاطع مسئولین با محتکران شدند.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳ پستی
صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷